

لُفְתֵי בֵּינָה

אָפֶק

בֵּינָה

שְׁמָרָה ۲۵

שָׁנָה שְׁשִׁים

אָרְבֵּיבָשֶׁט ۸۴ שְׁמָרָה

תֵּיטָן ۵۷۶۵ עִבְרִית

אָבְרִיל ۲۰۰۵ מִלָּדִי



נֹרֹז עֵיד בָּאֶסְתָּנִי אִירָאִיָּאן, טָלִיעָה בְּהָר.
פֶּסַח מִדְּבִי יִהוּדִיָּאן, בְּשָׂרֵת אֶזְרָדִי אָנְשָׁן
הִיּוֹלֵי פֶאֶשִׁיזֶם, בְּשָׂרִית הֶרְגֵז אֶזְיָד נֶחְוָהֵד בְּרֵד
סַחְנֵרָאִי נִמְאִינְדֶה כְּלִימִיָּאן אִירָאן דִּר מְגֶלֶס שׁוֹרָאִי אִסְלָמִי
אִישִׁתִּין, אָנְשָׁן נִמּוֹנֶה קֶרֶן יִישִׁטֶם: שָׁנָה ۲۰۰۵ מִלָּדִי,
שָׁנָה גְּהָאִנִּי פִיזִיק בֶּה נָאֵם אֶבְרֵת אִישִׁתִּין
יִהוּדִיָּאן לְהֶסְתָּאן

مصاپزی وظیفه مذهبی و کار پراشتیاق سالانه

همه ساله چند هفته قبل از عید ((پسخ)) مرکز مصاپزی انجمن کلیمیان تهران که به تجهیزات جدید برای پخت مجهز شده است کار خود را آغاز می کند. مصا در شرایط کاملاً بهداشتی و کاشر زیر نظر انجمن کلیمیان تهران، تهیه و آماده پخش می شود. مراحل خرید گندم، آسیاب کردن، پخت و توزیع مصا زیر نظر آقای آقاچان شادی عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان انجام می گیرد.



افرادیکه در پخش و آماده شدن
مصا کمک می کنند عبارتند از :
سرپرست : آقاچان شادی
آقایان :
ابن مینایی
خلیل محبتی
گرامت صفادل
نصرت زرنقیان
ابراهیم خلیلی
نیما رنگار
سیروس افرامیان



בה אֶפְתָּח אֶפְתָּח בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال ششم - شماره ۲۵

اردیبهشت ۱۳۸۴ شمسی

نیسان ۵۷۶۵ عبری

آوریل ۲۰۰۵ میلادی

مدیر مسئول و سردبیر:

هارون یشایایی

هیئت تحریریه:

دکتر یونس حمای لاله زار - رحمن دلرحیم

سیما مقتدر - آلبرت شادپور - سارا حی

ماهیار کهن‌باش - شرکان انورزاده - لیورا

سعید - بیژن آصف - الهام مؤدب -

مریم حناسازاده - امور هماهنگی هیئت

تحریریه: لنا دانیالی

و مسئولان نهادهای انجمن

امور اداری - امور داخلی - امور مالی و

اشتراک - حروفچینی و صفحه‌آرایی:

نسترن جاذب

امور اجرایی: نوید هارون‌شیلی

پشتیبانی رایانه‌ای و اینترنت:

مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران

الهام ابائی

اسکن عکس‌های داخل مجله:

دبیرخانه انجمن کلیمیان - شیوا آقابالا

طراحی جلد: شیلا شکوری

عکس‌ها: داوود گوهریان

لینوگرافی و چاپ: مکابی گرافیک

صحافی: نصر

نشانی نشریه: تهران

خیابان شیخ‌هادی

شماره ۳۸۵ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی:

bina@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی:

www.iranjewish.com

♦ نشریه در ویرایش و کتبه کردن مطالب آزاد است.

♦ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده

پلامانع است.

بینا - בינה - در عبری به معنای

آگاهی و بصیرت است

● سرمقاله: نوروز عید باستانی ایرانیان، طلعه بهار

پسح عید مذهبی یهودیان، بشارت آزادی انسان/ هارون یشایایی/ ۲

● نگاهی به پسح از دیدگاه قرآن کریم

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره قیام حضرت موسی (ع) علیه فرعون/ ۳

● اورشلیم، شهر خداوند، شهر صلح، شهر تفاهم ادیان ابراهیمی/ هارون یشایایی/ ۴

● اخبار و رویدادهای کلیمیان ایران/ ۵

● هیولای فاشیزم/ هارون یشایایی/ ۱۹

● مراسم سیدر (سفره دو شب پسح) و فلسفه این رسوم/ رحمن دلرحیم/ ۲۲

● انسان نمونه قرن بیستم: سال ۲۰۰۵ میلادی، سال جهانی فیزیک به نام آلبرت اینشتین/ ۲۴

● یهودیان لهستان/ سیما مقتدر/ ۲۶

● اسناد گنیزا/ مروری بر اسناد جوامع یهودی مدیترانه و پژوهش‌های مبتنی بر آن/ افسانه منفرد/ ۲۹

● گزارش سفر اروگوئه/ ماهیار کهن‌باش/ ۳۲

● چگونه شیر مادرم حلالم شد...؟/ ۳۴

● مقدمه‌ای بر موسیقی یهود و بنی اسرائیل/ رامیار بهزادی/ ۳۷

● لوح تقدیر بیمارستان دکتر سپهر/ ۳۹

● تلویزیون رسانه خاص کودکان/ ویدا رحمانی/ ۴۰

● بخش کودکان/ سارا حی/ ۴۱

● عبری بیاموزیم/ رحمن دلرحیم/ ۴۲

تقاضای اشتراک نشریه افق بینا

نام / موسسه:

آدرس دقیق پستی:

کد پستی:

تلفن: شماره فیش پرداختی:

برای اشتراک ۶ شماره مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال را به حساب جاری شماره ۲۴۸۹ بانک ملی - شعبه ملک (شیخ‌هادی) کد ۴۵۶ به نام «انجمن کلیمیان تهران» (قابل پرداخت در تمام شعب بانک ملی) واریز کرده و فیش بانکی را به همراه تقاضای اشتراک به نشانی: تهران - خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ‌هادی شماره ۳۸۵ - طبقه سوم - کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷ ارسال نمایید.



نوروز عید باستانی ایرانیان، طلیعه بهار پسح عید مذهبی یهودیان، بشارت آزادی انسان

سرمقاله



هارون یشایایی

نشان آن است که هیچ ارزشی والاتر از آزادی انسان و مبارزه با بی‌عدالتی نیست.

«پسح» تاریخ یک انقلاب نیست، «پسح» داستان رفتن از جایی به جای دیگر نیست، «پسح» فقط اجرای یک سنت مذهبی بین یهودیان نیست، بلکه «پسح» پیغام آزادی انسان است و «پسح» ودیعه الهی برای آزاد و با شرف و حیثیت زیستن است.

تقارن «پسح» با «بهار» در تقویم عبری تصادفی نیست. آغاز بهار روئیدن دوباره گیاهان جوشش بی‌امان هستی یعنی زندگی بی‌توقف جاری است و یادواره «پسح» یعنی این که در چنین زایش مداومی محال است انسان سر به بندگی و ذلت دهد، هرچند قوای فرعونی و جلال و کبکیه دربار فرعون با عصای چوپانی موسی کلیم‌الله و مردمی که در بندگی زندگی می‌کنند قابل قیاس نیست اما خواست بی‌تردید خداوند، بالندگی و آزادی و زندگی شرافتمندانه انسان در تمام مراحل تاریخ است.

جامعه کلیمیان ایران نوروز باستانی، جشن شکوه خردمندی ایرانیان و پسح میراث بزرگ پیامبر صلح و آزادی و جلودار مبارزه با ظلم و بیدادگری، حضرت موسی کلیم‌الله را گرامی می‌دارد و برای همه مردم جهان و ملت عزیز ایران و یهودیان شرافتمند در سراسر جهان و مخصوصاً همکیشان ایرانی خود سالی پر خیر و برکت و صلح و صفا و برادری آرزو می‌کند. ■

نوروز، آغاز سال نو و یادگار کهن ایرانیان را با شادی و طراوت آغاز کردیم. شکفتن شکوفه‌ها، سرسبزی طبیعت، باران رحمت الهی، سرزندگی و نشاط کودکان، امید مردمان به زندگی بهتر در سال آینده و سال‌های آینده، آرزوی زندگی در فضای آکنده از برادری - صمیمیت و صلح پیام نوروز و خصلت بهار است.

ملت ایران سال گذشته را با همه بیم و امیدهای آن به تاریخ سپرد و سال آینده را با تکیه بر فرهنگ انسانی و باستانی خود با عزم و اراده برای ساختن ایرانی آباد - آزاد و مستقل و مردمی خوشبخت و امیدوار و با ایمان آغاز کرده است.

دولت‌مردان ایرانی نظام جمهوری اسلامی ایران در سالی پر تنش و در هیاهوی جنگ و خونریزی در کشورهای همسایه و تهدیدهای پی در پی از دور و نزدیک میهن ما را در آرامش و آبرومندی و با حفظ شأن ملت بزرگوار ایران به پیش بردند.

البته تصور این که برنامه‌ها، آرزوها، امیدها و وعده‌ها همه جامه عمل پوشانده باشد تصویری بیهوده است. نقصان‌ها فراوان بوده است. ولی مشکلات و کمبودها ملت ما را از تلاش و امید به آینده باز نخواهد داشت و تاریخ پرافتخار خود را با کوشش و پایمردی ادامه خواهد داد.

اما «پسح» یادگار بزرگ قیام حضرت موسی علیه فرعون و جامه عمل پوشاندن وعده الهی در مبارزه با ظلم و بیدادگری و پیام‌آور آزادی انسان از قید بندگی است «پسح»

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره قیام حضرت موسی (ع) علیه فرعون



دیدگاه امام خمینی (ره) درباره قیام حضرت موسی (ع) علیه فرعون

در قرآن از حضرت موسی (ع) بیش از سایر انبیاء یاد شده است و تاریخ حضرت موسی در قرآن مذکور است، تعالیم حضرت موسی سلام الله علیه الهی است و تعلیمات ارزنده‌ای می‌باشد. نامه برخورد حضرت موسی با فرعون در حالی که یک شبان بوده است و با یک دنیا قدرت و اراده بر ضد قدرت بزرگ فرعون و بالاخره با آن اراده فرعون را از بین برد، قدرت الهی او و توجه به مستضعفین در برابر مستکبرین که از ابتدا فرعون بوده.

قیام بر ضد مستکبرین طریقه حضرت موسی سلام الله علیه بوده و درست این برخلاف برنامه صهیونیستهاست.

امام خمینی رحمت الله علیه
قم ۱۳۵۸/۲/۲۴

نگاهی به پسخ از دیدگاه قرآن کریم



نگاهی به پسخ از دیدگاه قرآن کریم

«سوره طه» آیات ۷۶-۷۷

و ما به موسی و هارون
بنندگان مرا شبانه از شهر مصر بیرون
ببر و راهی خشک از میان دریا بر
آنها پدید آور. نه از تعجب و رسیدن
فرعونیان ترسناک باش و نه اندیشه
دار [موسی بنی اسرائیل را بیرون
برد] و فرعون با سپاهش از پی آنها
تاخند، پس موج دریا چنان آنها را
فرو برد که از آنان اثری باقی
نگذاشت و فرعون پیروان خود را
علاوه بر این که هدایت نکرد سخت
به طغیانی و بدبختی افکند.

اورشلیم، «یرושלים» شهر خداوند، شهر صلح، شهر تفاهم ادیان ابراهیمی

جامعه کلیمیان، هر نوع بی حرمتی به مسجدالاقصی و سایر اماکن مقدس را محکوم می کنند.

هارون یشایایی



روز یکشنبه ۲۱
فروردین ماه جاری
افراطیون یهودی درصدد
ایجاد جنجال تازه‌ای در
شهر مقدس اورشلیم
بودند که خوشبختانه
تحقق پیدا نکرد.
اورشلیم قبله همیشگی
یهودیان و قبله اول
مسلمانان و شهر مقدس
همه ادیان توحیدی و
مورد احترام مردم جهان

است. اماکن مقدس مسلمانان در
مسجد الاقصی و سایر نشانه‌های
اسلامی، در کنار دیوار ندبه،
بازمانده معبد مقدس یهودیان
(بیت‌همیقداش) و کلیساهای
مسیحیان و جایگاه حضرت مسیح
در آن گویای این اصل مهم است
که پیامبران بزرگوار به فرمان
خداوند در این شهر سنگ بنای
دوستی و تفاهم را بر جای
گذاشته‌اند تا آیندگان ساختمان
عظیم توحید، صلح و برادری را بر
روی آن بسازند.
متأسفانه افراطیون و
فرصت‌طلبان هرچندگاه به
بهانه‌هایی گوناگون می‌خواهند
صفا و صمیمیت پیامبران و تفاهم
بین ملت‌ها، ادیان و اقوام را در این
شهر مقدس به هم بریزند.
یهودیان شرافتمند در سراسر
جهان با هر اقدامی که قداست
اورشلیم و قدس را خدشه‌دار سازند
مخالفت می‌کنند، امیدواریم
بداندیشان هرگز موفق به اجرای
برنامه‌های شیطانی خود
نشوند. ■

اخبار و رویدادهای کلیمیان ایران

متن نطق پیش از دستور نماینده کلیمیان ایران «موریس معتمد» در مجلس شورای اسلامی

چهارشنبه ۸۴/۱/۲۴



با عرض سلام و ادب حضور
خواهران و برادران نماینده و با
کسب اجازه از ریاست محترم
مجلس قبل از هر چیز سال نو
شمسی و نوروز باستانی و شروع
فصل بهار را حضور مقام معظم
رهبری، مسئولان نظام، همکاران
عزیز نماینده و ملت شریف ایران
تبریک و تهنیت عرض نموده و

امیدواریم در سایه الطاف الهی شاهد سالی پر از برکت، سلامت و
امنیت در سرتاسر میهن عزیزمان باشیم.

از آن جا که سال ۱۳۸۴ از طرف مقام معظم رهبری به عنوان سال
همبستگی ملی و مشارکت عمومی اعلام گردیده و با توجه به درپیش
رو بودن انتخابات ریاست جمهوری و لزوم مشارکت همه جانبه ملت
در امر انتخابات و به نمایش درآوردن همبستگی و وحدت ملت
همچون گذشته امیدواریم که در خرداد ماه شاهد برگزاری انتخاباتی
پر شور، آن گونه که درخور و شایسته جایگاه تاریخی ملت سرافراز
ایران است باشیم.

نمید دیگر آن که سال ۸۴ سالی باشد که پرونده هسته‌ای ایران که
از جنبه تکنیکی خارج و کاملاً شکل سیاسی به خود گرفته، بسته شده
و ایران امکان کامل در جهت دسترسی به فن‌آوری هسته‌ای صلح‌آمیز
را داشته باشد.

در اینجا به نمایندگی از طرف جامعه کلیمیان ایران و در آستانه
عید «پنج» که یادآور مبارزات و تلاش‌های حضرت موسی کلیم‌الله
در راه نیل به آزادی و قطع ریشه‌های ظلم و ستم می‌باشد به استحضار
می‌رسانم که رفتارهای ناشایست و توطئه گروهی افراطی
صهیونیست که قصد حمله و تعرض به مسجدالاقصی را دارند از
طرف این جامعه محکوم بوده و اعلام می‌نمایم که این گونه
اعمال افراطی به هیچ‌وجه مورد تایید یهودیان خداجوی نبوده و
شدیداً از طرف آنان تقبیح می‌شود.

در طی ۴ سال دوره مجلس ششم شاهد رفع برخی از مشکلات
و دغدغه‌های خاطر اقلیت‌های دینی کشور در زمینه‌های فرهنگی،
ورزشی، دینی، اجتماعی و در راس آنها تصویب لایحه مربوط به
برابری دیه اقلیت‌های دینی کشور با بدنه اصلی جامعه بوده‌ایم و

امیدواریم در طی دوره مجلس هفتم و با توجه به فضای حاکم که
حمایت از اقلیت‌های دینی و قومی به صورت یکی از برنامه‌های
محوری آن می‌باشد شاهد رفع مشکلات مربوط به قوانین قصاص و
شهادت و به ویژه قانون ۸۸۱ مکرر در زمینه ارث همراه با تصویب
لوايح مربوطه به آنها باشیم.

در ارتباط با قانون ۸۸۱ مکرر متأسفانه باید بگویم که آراء صادره
از طرف بعضی از قضات محاکم و با توجه به این که اقلیت‌های دینی
رسمی کشور را در زمره کفار محسوب نموده‌اند، نه تنها باعث تضییع
حقوق حق آنان از نظر مالی گردیده، بلکه باعث وارد آمدن زیان‌های
روحی و روانی غیرقابل جبران برای این جوامع گردیده است.

در اینجا لازم می‌دانم که اشاره‌ای داشته باشم به تاریخچه حضور
یهودیان در ایران که این حضور دارای تاریخی حدوداً ۲۷۰۰ ساله
می‌باشد. طی این مدت طولانی یهودیان ایام تلخ و شیرین و فراز و
نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند ولی آن چه پیش از همه
قابل ذکر است وطن پرستی و عشق یهودیان به این آب و خاک
بوده تا آنجا که به جرأت می‌توان گفت که یهودیت ریشه در خاک
ایران دارد و در اثبات این مدعا می‌توان اشاره داشت به حضور مقابر
انبیاء یهود در جای جای کشور ایران، مقبره دانیال نبی در شوش،
مقبره حقوق نبی در تویسرکان، مقبره شموئیل نبی در ساوه، مقبره
استر و مردخای در همدان و مقابری دیگر از انبیاء یهود در
شهرستان‌هایی همچون قزوین که این مقابر مورد احترام و همه ساله
زیارتگاه تعداد زیادی زوار از ادیان مختلف و به ویژه هموطنان عزیز
مسلمان ما می‌باشد.

بروز جنگ‌های مختلف و حمله اعراب و حمله مغول هیچ کدام
باعث آن نگردیده که یهودیان تحت شرایط سخت و بحرانی جلای
وطن بگویند، آن گونه که در بسیاری از کشورهای اروپایی، آفریقایی و
آسیایی اتفاق افتاده و در حال حاضر تنها تعدادی کتیسای متروکه و یا
در قبرستان‌های مخروبه یادآور حضور یهودیان در آن سرزمین‌ها
می‌باشد.

نکته بسیار مهم و قابل ذکر در این حضور حدوداً ۲۷ قرنی
همزیستی و تعاملی بوده که مابین این جامعه کوچک با بدنه اصلی از
یک سو و از سویی دیگر با سایر اقلیت‌های قومی و دینی ساکن در
کشور همواره وجود داشته است.

در آغاز انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام راحل،
جامعه کلیمیان ایران یکی از اولین جوامعی بود که به ندای انقلاب
پاسخ مثبت داده و با حضور همه جانبه و پر شور خود در
راهپیمانی‌ها و تظاهرات سعی در ادای دیون ملی و میهنی خود

دانسته و در تورات مقدس چنین آمده: «هر شخصی که هر نوع خونی را بخورد از میان قومش نابود خواهد شد».

سال قبل شاهد پخش سریال دیگری به نام «دسیسه» بودیم که در آن خون پسر بچه غیر یهودی پس از کشتن به یک کودک یهودی خورانیده شده و مابقی آن در نان فطیر و یا نان مقدسی که یهودیان طی ۸ روز ایام عید «پسح» می‌خورند ریخته شد و بدینوسیله کارگردان و تهیه‌کننده دقیقاً پای خود را در جای پای سازمان‌های شناخته شده زمان تزاری گذاردند. لازم به ذکر است که تنها فرق فطیر با نان معمولی آن است که خمیر آن فرصت تخمیر پیدا نکرده است و در ارتباط به تبعات منفی پخش این سریال، سرخوردگی و ضربه‌ای روحی روانی بوده که بیش از همه به دانش‌آموزان و دانشجویان ما وارد آمده و عزم بسیاری از آنان جزم به ترک این دیار و اقامت در کشورهای دیگر گردیده است.

طی تاریخ طولانی حضور یهودیان در این سرزمین دانشمندان، اطباء، شعرا، نویسندگان، هنرمندان و ادبای بسیاری از میان آنها برخاسته‌اند که تعداد آنها خارج از شمارش است و متأسفانه هیچ‌گاه شاهد پخش برنامه‌ای نبوده‌ایم که طی آن اشاره‌ای به این بزرگان شده باشد و یا اگر نامی برده شده ذکر از یهودی بودن آنان نگردیده. گویا فقط رسالت را در توهین، تحقیر و خوار و خفیف شمردن این جامعه کوچک از نظر جمعیت ولی بزرگ از نظر عشق به این آب و خاک می‌دانند.

ما از مسئولان این سازمان نمی‌خواهیم همان‌گونه که با ادیان دیگر که در اعیاد و ایام مذهبی آنان با اقدام به پخش برنامه‌های خاص و گفتن تبریکات گوناگون سعی بر آن دارد که این ایام را به آنان شیرین نمایند و ما را هم خوشحال سازند بلکه خوشحالی ما زمانی است که احساس نماییم، دوران ساخت این گونه سریال‌ها و برنامه‌های زشت و زننده که به غیر از آب در آسیاب دشمن ریختن چیز دیگری نیست به سر آمده و آن گونه که مطلع گردیده‌ایم سریال دیگر در دست ساخت است که کارگردان محترم سعی در نفی یکی از بزرگ‌ترین فجایع نسل‌کشی در قرن گذشته یعنی فاجعه کشتار یهودیان در اردوگاه‌های مرگ نازی را دارند.

در خاتمه از طرف خود و سایر نمایندگان اقلیت‌های دینی، از دولت محترم که در لایحه بودجه سال ۸۴ برای اولین بار اقدام به تخصیص ردیف بودجه جهت اقلیت‌های دینی کشور نموده بودند و همچنین همکاران عزیز نماینده که ضمن افزایش ردیف فوق‌الذکر اقدام به تصویب آن نموده‌اند کمال تشکر و امتنان را داریم.

رئیس مجلس شورای اسلامی دکتر حداد عادل: پس از سخنان انتقادی نماینده کلیمیان، این سخنان را تأیید کرد و گفت در زمان پخش این سریال‌ها من هم به این موضوع توجه کردم و حق را با شما می‌دانم.

داشته و شایان ذکر است که تنها بیمارستان خیریه یهودیان که در یکی از جنوبی‌ترین نقاط تهران واقع است در تمامی ایام انقلاب در خدمت به مصدومان و مجروحان انقلاب قرار داشته و در ایام جنگ ۸ ساله تحمیلی هم این بیمارستان به طور تمام وقت در خدمت به جبهه و جنگ مشغول بوده است. حدوداً ۲ ماه قبل از به ثمر رسیدن انقلاب شاهد صدور پیام تاریخی امام راحل در ارتباط با یهودیان بودیم که ایشان با توجه به آشنایی کامل به امور سیاسی روز و آگاهی کامل به جوسازی‌هایی که توسط بعضی از محافل و سازمان‌ها و در جهت ایجاد رعب و وحشت در جامعه یهودیان و در جهت کوچاندن آنان از این سرزمین به عمل می‌آمد چنین فرمودند:

«ما حساب جامعه یهودیان را از صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم. جامعه یهود و سایر جوامع که در ایران هستند اهل این ملت می‌باشند و اسلام با آنها همان رفتار را می‌کند که با سایر اقشار ملت می‌کند.

صدور این بیانیه تاریخی در آن زمان خود باعث ایجاد آرامش در جامعه ملتهب کلیمیان و دلگرمی آنان به نظام پیش رو گردید.

بروز مشکلات و سخت‌گیری‌ها در سال‌های اولیه انقلاب را می‌توان تا حدی عادی و از پیامدهای هر انقلاب دانست، متببی با گذشت ۲۷ سال از انقلاب، جامعه ما متأسفانه هر روزه و با گونه‌های خاصی از ضدیت و مخالفت و توهین به شعائر مذهبی و اعتقادات خود و به عبارت دیگر گونه‌ای یهودی‌ستیزی روبرو بوده است، چاپ کتب و مقالات غیرمستند و خلاف واقع و از همه بدتر تهیه و پخش سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی از آن گونه هستند. سریال‌هایی که به ویژه طی ۱۲ سال گذشته با توهین‌ها، تحقیرها و انتساب مطالب نامربوط و خلاف واقع نه تنها باعث رنجش و آزرده‌گی خاطر یهودیان گردیده، بلکه به جرأت می‌توان گفت که درصد قابل توجهی از مهاجرت‌های کلیمیان به خارج از کشور را باعث گردیده و از آن جا که اعتراضات و مراجعات و درخواست‌های مکرر ما در زمینه جلوگیری از این بی‌حرمتی‌ها تاکنون نتیجه مطلوب را نداشته، برداشت جامعه ما این گونه بوده که شاید مسئولان تهیه و پخش این گونه سریال‌ها و کتب و مقالات آن گونه که شایسته بوده توجه لازم را به فرمایشات امام خمینی رحمت‌الله علیه نداشته‌اند.

به طور مثال در ایام دهه فجر شاهد پخش سریالی از تلویزیون به نام «فرار بزرگ» بودیم که متأسفانه نویسنده و تهیه‌کننده آن گستاخی را تا بدانجا پیش برده بودند که منفی‌ترین نقش را اختصاص به یک نفر روحانی یهودی داده و بدترین خصوصیتی را که می‌توان به یک نفر نسبت داد به این شخصیت روحانی و چند پرسوناژ یهودی دیگر نسبت داده بودند. قبل از ذکر مثال دیگر لازم است یادآور شوم که یهودیان شاید اولین دینی بودند که در ۳۳۰۰ سال قبل خون را ناپاک

افتتاح سالن ورزشی بانوان کلیمی به نام ژانت کهن صدق



مصلحت نظام، حجت الاسلام خاتمی ریاست جمهوری را می‌توان نام برد.

از جمله برنامه‌های اجرایی می‌توان به نثار گل به پیشگاه (مرقد) مطهر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در تاریخ ۹ بهمن ماه سال، ۸۳ برگزاری کنسرت موسیقی سنتی توسط خانه جوانان یهود تهران در تاریخ ۱۰ بهمن ماه، اجرای گروه موسیقی سنتی مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران، در کاخ نیاوران در تاریخ ۱۱ بهمن ماه، برپایی نمایشگاه هنرهای دستی کودکان توسط سازمان بانوان یهود در تاریخ ۱۲ بهمن ماه، افتتاح رسمی مراسم دهه فجر در مرقد امام ۱۲ بهمن ماه، گلباران مزار شهدای اقلیت‌های دینی ۱۵ بهمن ماه، برگزاری سخنرانی آقای یشایایی، رئیس انجمن کلیمیان تهران در خصوص انقلاب اسلامی توسط سازمان دانشجویان یهود تهران در تاریخ ۱۵ بهمن ماه، برگزاری جام خلیج فارس، سری مسابقات گل کوچک بین ۸ تیم جوان کلیمی از تاریخ ۱۶ بهمن ماه، شرکت در همایش بین‌المللی صدا و سیمای جمهوری تجلیل از شهدا و ایثارگران با حضور جناب آقای خاتمی و خانواده‌های شهدا و ایثارگران اقلیت‌های دینی در تاریخ ۱۸ بهمن ماه، اجرای سرود در باشگاه آرامنه و موسیقی سنتی در تالار وحدت توسط مرکز موسیقی در تاریخ ۱۸ بهمن ماه را می‌توان نام برد.

برگزاری کنسرت موسیقی پاپ توسط کمیته جوانان در تاریخ ۲۰ بهمن ماه، برپایی نمایشگاه هنرهای دستی توسط سازمان گیشا در همین تاریخ.

اجرای سرود در سالن زرتشتیان در تاریخ ۲۱ بهمن ماه و شرکت در جشنواره کتاب فجر در همین تاریخ.
در نهایت شرکت در راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن و تجدید میثاق با آرمان‌های جمهوری اسلامی نیز از سلسله برنامه‌های اجرایی در دهه فجر بود.

جلسه گفتگوی ادیان

با روحانیون مسیحی در کنیسا ابریشمی

با هماهنگی به عمل آمده با انجمن کلیمیان تهران در تاریخ چهارشنبه ۱۳۸۴/۱/۱۷ ساعت ۵ بعدازظهر گروهی از اعضای سازمان گفتگوی ادیان کشور آلمان متشکل از چهار نفر کشیش وابسته به کلیسای پروتستان و یک نفر نماینده اسقف اعظم شهر هانوفر آلمان در کنیسا ابریشمی تهران حضور یافتند.

به همت سازمان بانوان یهود ایران و با کمک انجمن کلیمیان تهران سالن ورزشی بانوان کلیمی تهران به نام **شادروان ژانت کهن صدق قهرمان دوهای سرعت و رکوددار دو صد متر بانوان ایران** در محل مجتمع فرهنگی و ورزشی «سرابندی» واقع در منطقه سید جمال‌الدین اسدآبادی (یوسف‌آباد) تهران در بهمن ماه ۱۳۸۳ افتتاح شد و کار خود را با مربی‌گری خانم ژیل کهن کبریت مربی باتجربه و کارآزموده آغاز کرد.

اختصاص این محل برای بانوان یهودی اقدامی قابل تقدیر است که امیدواریم از طرف بانوان همکیش مورد استقبال قرار گیرد. بانوان همکیش می‌توانند برای نام‌نویسی در روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه با شماره تلفن: ۸۵۵۳۳۸۷ با خانم یوسفیان و یا با تلفن‌های انجمن کلیمیان تهران تماس بگیرند و یا به محل باشگاه واقع در خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی خیابان سیزدهم پلاک ۹ و ۱۱ مراجعه فرمایند.

گزارش دهه فجر

در پی تصمیمات اتخاذ شده از سوی انجمن کلیمیان تهران به مناسبت دهه مبارک فجر جناب آقای بیژن آصف به نمایندگی، مسئولیت سلسله اقدامات اجرایی را در این زمینه به عهده داشته‌اند که در پی آن سلسله جلسات و مراسمی که به شرح ذیل می‌باشند، برگزار شده است:

از جمله سلسله جلسات گفتگو و دیدار ستاد نمایندگان اقلیت‌های دینی و اداره امور اقلیت‌ها و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با آیت‌الله هاشمی شاهرودی، ریاست فقه قضایی و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ریاست مجمع تشخیص

اعضای هیئت گفتگوی تمدن آلمان و روحانیون مسیحی ضمن ابراز خوشوقتی از این که احترام به معتقدان ادیان در ایران وجود دارد و مناسبات بین اقلیت‌های دینی و مسلمانان با تفاهم و دوستی همراه می‌باشد. برای ملت ایران و همه مردم جهان آرزوی صلح و سلامتی نمودند.

بوی پسخ در سرای سالمندان

از اول اسفند ماه فعالیت‌های مربوط به پخت مصا کاشر به سرپرستی آقای شادی در سرای سالمندان آغاز شده است، این فعالیت‌ها که از اتاق آرد و پیمانه شروع می‌شود و با اتاق مخلوط و ورد و پس از آن پخت و در نهایت با واری کثروت و بسته‌بندی آن پایان می‌یابد که با همکاری جمعی از همکیشان عزیز و جوانان یهودی صورت می‌گیرد. در ضمن مصا آماده شده در مصاپزی تهران برای همکیشان شهرستانی نیز ارسال می‌گردد.

تصویر حضرت موسی (ع) و

ده فرمان در فرش نفیس ایرانی



آقای رضا میرزایی بافنده هموطن مسلمان زنجان با زحمات شبانه‌روزی ۲ ساله خود بافت فرش نفیس با تصویر حضرت موسی (ع) و ده فرمان را با موفقیت به پایان رسانید.

این فرش که با چله ابریشم ۲۸ و پشم مرینوس

دولا در رج ۸۰ بافته شده، در ابعاد ۱۲۰×۷۸ سانتیمتر می‌باشد که تماماً برجسته و در نوع خودش فوق‌العاده نفیس و باارزش می‌باشد.

جا دارد که به این بافنده عزیز یک خسته نباشید بگوئیم و از درگاه ایزد متعال برای ایشان توفیق و موفقیت آرزو کنیم.



در این جلسه دکتر یونس حمامی لاله‌زار، مطلع امور شرعی یهود و مهندس روبرت خالدار مسئول کلاس‌های بینش دینی و شرعیات مدارس کلیمی شرکت نمودند.

ابتدا مهندس روبرت خالدار برای آشنا نمودن مدعوین در مورد وضع کنیساها مخصوصاً کنیسای ابریشمی و مدارس موسی‌بن‌عمران و دیگر مدارس اختصاصی کلیمیان و کلاس‌های جمعه و فعالیت‌های دینی و نحوه تدریس در کلاس‌های دینی مطالبی به اطلاع رساندند.

سپس دکتر حمامی تشکیلات موجود در جامعه کلیمیان ایران را شرح داده و درباره سه ارگان فعال و مدیریتی کلیمیان ایران ۱- مرجع دینی کلیمیان ایران جناب حاخام یوسف همدانی‌کهن



۲- سازمان‌های مربوط به انجمن کلیمیان تهران ۳- نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی، توضیحات مفصل بیان داشتند.

دکتر حمامی در مورد توجه به آموزش اصول و فرائض دینی در کلاس‌های مدارس و جلسات جنبی در کنیساها تأکید نمودند و اظهار داشتند در ایران هیچ مشکلی در ارتباط با آموزش دینی کلیمیان وجود ندارد و مراسم دینی و اعتقادی و سنت‌های جاری کلیمیان ایران به وسیله همکیشان همواره اعتماد و احترام متقابل بین پیروان ادیان توحیدی وجود دارد.

فعالیت‌های

کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران

پنجم بهمن ماه ۸۳ همزمان با جشن ایلاتوت «جشن درختکاری» همایش فرهنگی با شرکت نسرین قدیری نویسنده محترم در سالن کتابخانه مرکزی انجمن برپا شد.

در این همایش ابتدا ایرج عمرانی مسئول کتابخانه ضمن خیرمقدم به حضار و تبریک ایلاتوت، شرحی از فعالیت‌های کتابخانه را بیان نمود و سپس لیندا لوی شوقی متصدی کتابخانه با معرفی نسرین قدیری به شرح کتاب‌های منتشر شده ایشان پرداخت. سپس لنا دانیالی پرسش و پاسخ را با این نویسنده آغاز کرد و برنامه با سؤالات حاضران و توضیحات نسرین قدیری ادامه یافت.



در پایان جلسه هارون یشایایی ریاست محترم انجمن کلیمیان تهران ضمن ادای توضیحاتی، از نسرین قدیری تشکر کرده و هدایایی نیز تقدیم ایشان نمودند.



از دیگر فعالیت‌های کتابخانه مرکزی در سه ماهه آخر سال، دعوت از دانش‌آموزان مدارس کلیمی و عزیزان مهدکودک‌های

یلدا ۱ و ۲ برای بازدید از کتابخانه بود که در شش روز جداگانه برگزار شد و همگی ساعات خوبی را سپری کردند و بازدیدها با پذیرائی و اهدای جوایز پایان یافت.

فعالیت‌های جاری

مدرسه راهنمایی و دبیرستان موسی بن عمران

در دی ماه ۸۳ دانش‌آموزان مقطع راهنمایی مدرسه موسی بن عمران از یونیک مرکز اطلاع‌رسانی سازمان ملل متحد تهران دیدار کردند. در این دیدار آقای سونیل نارولا مسئول سازمان با دانش‌آموزان گفتگو کردند و اهداف و فعالیت‌های سازمان ملل را برای آنان بازگو کردند. ضمناً در ارتباط با کمک‌های اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و آموزشی سازمان ملل متحد به کشورهای در حال توسعه فیلم‌هایی برای دانش‌آموزان به نمایش درآمد و آنان با فعالیت‌های کلی سازمان ملل در جهان آشنا شدند.



در پایان جلسه پرسش و پاسخی نیز میان دانش‌آموزان و سونیل نارولا انجام شد که با اهدای پیراهن یونیسف به رسم یادبود به دانش‌آموزان این جلسه پایان یافت.

همچنین دانش‌آموزان مقطع دبیرستان در دی ماه از فیلم سینمایی «دونل» دیدن کردند. در ایام دهه فجر مدرسه توسط خود دانش‌آموزان تزئین شد و مسابقات فوتبال بین کلاس‌ها برگزار شد که در مقطع راهنمایی تیم دوم راهنمایی به مقام اول دست یافت و در مقطع دبیرستان تیم اول دبیرستان مقام نخست را کسب کرد.

همچنین جشن ایلاتوت (جشن درختکاری) که مقارن با ایام دهه فجر بود با توزیع بسته‌های ایلاتوتی بین بچه‌ها برگزار شد. و مسابقات کتاب‌خوانی و انشاء و روزنامه دیواری نیز در این ایام برگزار شد.

ماه ۸۳ جشنی به مناسبت تقدیر از دانش‌آموزان آموزشگاه موسی‌بن‌عمران در کنیسیای ابریشمی برگزار شد. این جشن با حضور هارون یشایایی ریاست محترم انجمن کلیمیان و حمیده مسجدی دبیر انجمن کلیمیان و اولیاء دانش‌آموزان برگزار گردید. پس از سخنرانی هارون یشایایی و روزبه مختاری مدیریت آموزشگاه، به دانش‌آموزانی که در امتحانات نوبت اول موفق به کسب رتبه اول و دوم و سوم هر کلاس شده بودند جوایزی اهدا گردید. همچنین به دانش‌آموزانی که از نظر ورزشی، اخلاقی، انضباطی، فعالیت کتاب‌خوانی، برپایی تقیلائی شحری و مینحا، بیشترین پیشرفت و تلاش را در طی سال تحصیلی داشتند، جوایزی اهدا شد. بیش از ۵۰ دانش‌آموز موفق به کسب جوایز گردیدند.



در پایان نیز روزبه مختاری مدیر موفق و کاردان آموزشگاه در صحبت با اولیاء دانش‌آموزان آنان را از کمیت و کیفیت فعالیت‌های آموزشگاه آگاه کرد.

فعالیت‌های دبستان موسی‌بن‌عمران در سال جاری

* حضور سرکار خانم لیورا سعید به عنوان مشاور از آغاز سال تحصیلی و همچنین ایراد سخنرانی برای اولیای دانش‌آموزان در دو جلسه با موضوعات:

- مسایل تربیتی (تربیت جنسی) - هنر ارتباط با کودکان
- * تشکیل تیم‌های مختلف ورزشی و اجرای مسابقات و ایراد سخنرانی و برگزاری نمایشگاه کتاب به مناسبت دهه فجر.
- * لوله‌کشی آب گرم جهت رفاه حال دانش‌آموزان.
- * گردش‌های علمی از جمله بازدید از : پست مکانیزه، کارخانه ویتانا، کارخانه داروگر و روزنامه جام‌جم و گردش‌های تفریحی از جمله تئاتر و سینما.
- * برگزاری جشن حنوکا.

در روز پنجشنبه ۳ دی ماه امتحانات تعلیمات دینی و بینش یهود نوبت دوم به طور همزمان و سراسری در دو حوزه مدرسه اتفاق جهت دختران و مدرسه موسی‌بن‌عمران جهت پسران تحت نظارت کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران برگزار شد.



در اسفند ماه سال ۸۳ از کلیه دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان توسط دکتر دندانپزشک، خانم فریده مسیح‌اسرائیلیان با همکاری خانم الین سعیدیان معاینه به عمل آمد و مشکلات دهان و دندان دانش‌آموزان به خانواده‌های آنها گزارش داده شد.

جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز مجتمع موسی‌بن‌عمران

تلاش‌های پیگیر روزبه مختاری و معلمان و دبیران دل‌سوز و همکاری انجمن اولیاء و مربیان مجتمع راهنمایی و دبیرستان موسی‌بن‌عمران در سال تحصیلی جاری نتایج مطلوب و مفیدی در بهبود کیفیت تحصیلی دانش‌آموزان و کسب موفقیت‌های بیشتر به بار آورده است. به همین مناسبت روز سه‌شنبه ۱۱ اسفند



شوراهای دانش‌آموزی در رشد فرهنگی دانش‌آموزان و مسئولیت‌پذیری آنها در زندگی آینده تاثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. برای این عزیزان آرزوی توفیق و بهروزی روزافزون را داریم.

شرکت هیئت نمایندگی

انجمن کلیمیان تهران

در همایش دستهای نیلگون

هیئت نمایندگی انجمن کلیمیان تهران متشکل از رحیم آقابالا، ماهیار کهن‌باش، دانیل ذریعانی و به سرپرستی «هارون یشایایی» رئیس هیئت مدیره این انجمن، در تاریخ ۲۴ اسفند ماه سال ۸۳، با شرکت در همایش دانشجویی دستهای نیلگون که در جزیره قشم و به مناسبت اعتراض به جعل نام خلیج فارس برگزار شد، مواضع جامعه ایرانیان یهودی را در مورد هویت ایرانی خلیج فارس بیان کردند.



«یشایایی» که به عنوان نخستین سخنران این همایش پس از قرائت پیام رئیس جمهوری توسط فرماندار قشم سخن گفت، با تبیین مبانی تاریخی هویت ایرانی خلیج فارس، از اتحاد و یکپارچگی بی‌سابقه ملت ایران در دفاع از داشته‌های ملی این مرز و بوم تقدیر کرد و گفت: «عزیزترین فرزندان این مرز و بوم، برای دفاع از جان و مال و ناموس ایرانی در این خلیج نیلگون فدا شده‌اند، لذا ملت ایران از حق و حقوق خود در خلیج همیشه فارس صرفنظر نکرده و نمی‌کند، و در مقابل آنانی که قصد خدشه‌دار کردن هویت ایرانی این خلیج را دارند، به شدت ایستادگی خواهد کرد.»

مجتمع آموزشی اتفاق: تلاش، همکاری، موفقیت

مجتمع مدارس دخترانه اتفاق بزرگترین واحد آموزشی کلیمیان ایران است، این واحد بزرگ آموزشی به وسیله وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و با کمک انجمن کلیمیان تهران و اولیاء دانش‌آموزان اداره می‌شود. وجود مدیران لایق، دل‌سوز و کاردان یکی از موجبات موفقیت مدارس اختصاصی کلیمیان و مخصوصاً مجتمع اتفاق می‌باشد به همین مناسبت سرکار خانم رحمانی مدیره مجتمع اتفاق و دبیران و کارکنان انجمن اولیاء و مربیان آن از طرف اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران مورد تشویق قرار گرفته‌اند. متن نامه رئیس سازمان آموزش و پرورش شهر تهران به شرح ذیل می‌باشد:



شورای دانش‌آموزی راهنمایی فخر دانش

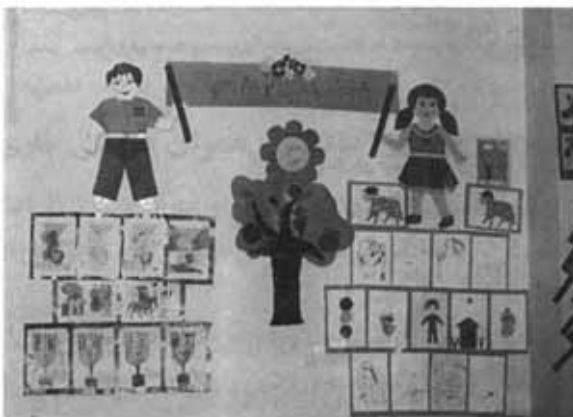
طی انتخابات شورای دانش‌آموزی مدرسه راهنمایی دخترانه فخر دانش که در تاریخ ۸۳/۹/۲۵ برگزار شد دانش‌آموزان ذیل به عنوان شورای دانش‌آموزی این مدرسه برگزیده شدند: پریسا ستاره‌شناس، ژنیا مرادیان، مونیکا ریحانیان، سارا مثیرزاده و رومینا لیمودیم.

نمایشگاه کاردستی کودکان مهدک‌های یلدا به مناسبت دهه فجر

به مناسبت دهه فجر سال ۱۳۸۳ نمایشگاهی از آثار کودکان مهد کودک یلدا یک واقع در شرق تهران: خیابان گرگان (شهید نامجو) و مهد کودک یلدا ۲: در خیابان فاطمی مشترکاً در مجتمع کلیمیان تهران در ساختمان سرابندی منطقه یوسف‌آباد برپا شده بود.



در این نمایشگاه آثار کودکان ۳ تا ۶ ساله یهودی مشتمل بر نقاشی، تکه کاری، عروسک‌سازی، با راهنمایی مدیران و مربیان مهدک‌ها به نمایش گذاشته شد و در روزهای برپایی این نمایشگاه، خانواده‌های کودکان و علاقمندان از آن دیدن کردند و کودکان هنرمند را مورد تشویق قرار دادند.



لازم است از سازمان بانوان یهود ایران و خانم فریده پوراتیان سرپرست مهدک‌ها و مدیران مهدک‌های یلدا یک ژاکلین اوهب و یلدا ۲ یانل هارونیان و مربیان و اولیای کودکان که برای برپایی این نمایشگاه زحمات فراوان کشیده‌اند تشکر و قدردانی نمائیم.

در مهد یلدا « ۱ » و « ۲ » چه می‌گذرد؟

در مهد یلدا ۱ به مناسبت عید پوریم و پایان سال فعالیت نونهالان، از طرف کارکنان مهدک‌های یلدا ۱ به مدیریت خانم ژاکلین اوهب جشن باشکوهی در محل مهد کودک یلدا ۱ واقع در خیابان گرگان (شهید نامجو) برگزار شد. در این مراسم کودکان مهد برنامه‌های نمایشی پوریم و عید نوروز را اجرا کردند. اجرای سرودها و نمایش دینی، براخاهای مذهبی، توسط کودکان مهد انجام گرفت. در این مراسم از کلیه پرسنل انجمن کلیمیان و ارگان‌های مختلف وابسته و سازمان بانوان یهود برای شرکت در جشن دعوت به عمل آمده بود. در پایان، از طرف مدیریت مهد به کلیه کودکان جوایزی اهدا شد و از پرسنل مهد یلدا ۱ تشکر و قدردانی به عمل آمد.



در مهد کودک یلدا ۲ به مدیریت خانم یانل هارونیان طی ماه‌های دی، بهمن و اسفند سال گذشته علاوه بر آموزش کتب ریاضی، علوم و مفاهیم و آموزش عبری (برخا توره)، آموزش زبان، ژیمناستیک و حرکات موزون، برنامه‌های تفریحی نیز برای کودکان ۳ تا ۶ سال به مرحله اجرا گذاشته که شامل برنامه‌های ذیل می‌باشد:

- بازدید از شهر کتاب (به مناسبت هفته کتاب و کتاب خوانی).
- گلگشت در پارک ایرانشهر.
- بازدید از کتابخانه انجمن کلیمیان.
- بازدید از نمایش عروسکی طنز در فرهنگسرای بانو.
- برگزاری جشن ایلاتوت.
- برگزاری نمایشگاه هنرهای دستی در محل ساختمان سرابندی (مشترک بین مهد یلدا ۱ و ۲).
- برگزاری جشن پوریم و نوروز در تالار مجبان.

گزارش فعالیت سازمان‌های جوانان

گزارش کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران

از تاریخ ۱۶ بهمن ماه گروه ورزش کمیته جوانان اقدام به برگزاری مسابقات فوتبال تحت عنوان «جام خلیج فارس» نمود که طی چند هفته ۷ تیم شرکت‌کننده به رقابت با یکدیگر پرداختند. در پایان این مسابقات ۲ تیم والبال و باغ‌صبا به مرحله فینال راه یافتند.

مسئولین این برنامه خاتم مهناز مرغزار و آقایان سامان کاهن و شهاب شهامی‌فر بودند.

برنامه‌های اجرا شده:

۱۲ دی ماه: برگزاری سخنرانی روانشناس در کنسای یوسف‌آباد در زمینه قاطعیت توسط خانم مریم حنا سبازاده.

۲ و ۱۸ بهمن ماه: برگزاری ورزش صبحگاهی در پارک‌های ملت و گفتگو.

۲۰ بهمن ماه: برگزاری کنسرت گروه تپش در تالار محبان.

از برنامه‌های آتی این کمیته:

* تشکیل تیم بسکتبال جهت شرکت در مسابقات.
* برگزاری کلاس‌های آموزش پینگ پنگ در محل خانه جوانان یهود تهران.

* دعوت برای همکاری از کسانی که در زمینه نمایشنامه‌نویسی، تئاتر و بازیگری تبحر دارند.

* برگزاری ادامه سلسله سخنرانی‌های روانشناسی در زمینه‌های مختلف.

* شروع به برقراری ارتباط با جوانان سایر شهرستان‌ها.

گزارش سازمان جوانان یهود گیشا

نمایشگاه سالیانه «هنرهای دستی» سازمان جوانان یهود گیشا از تاریخ شنبه ۱۵/۱۲/۸۳ به مدت یک هفته در محل سازمان گیشا برگزار شد. از این نمایشگاه که شامل عروسک، جعبه کادویی، کارت پستال، انواع مجسمه، تابلو گل چینی و سرمه‌دوزی بود، استقبال خوبی به عمل آمد و بیش از صد تن از همکیشان گرامی از آن بازدید نمودند. در ضمن بوفه سازمان نیز روزهای پنجشنبه و شنبه فعال بود. یکشنبه ۸۴/۱/۷ نیز جشن «پالماسکه» در محل سازمان گیشا به مناسبت عید پوریم برگزار شد. همچنین سازمان گیشا کلاس‌های تابستانی خود را در رشته‌های متعددی تشکیل خواهد داد که به اطلاع همکیشان عزیز خواهد رسید.

گروه کر اقلیت‌های مذهبی

گروه کر اقلیت‌های مذهبی امسال نیز به دعوت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد. تمرینات خود را زیر نظر جناب آقای اوحانیان در تالار کانون دانشجویان زرتشتی برگزار نمودند. متأسفانه به دلایلی چند، برنامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد و اجرای این گروه فقط به یکشنبه ۸۳/۱۱/۱۸ در تالار آرامنه و چهارشنبه ۸۳/۱۱/۲۱ در تالار زرتشتیان محدود شد، در این مجلس از طرف جامعه کلیمی پریسا اوریل و آیلین تشخیصی و شهاب شهامی‌فر حضور داشتند.

گزارش مرکز آموزش موسیقی

مرکز آموزش موسیقی در ترم زمستان توانست علاوه بر کلاس‌های آموزشی که در این مرکز دایر بود، گروه موسیقی سنتی وابسته به این مرکز را تشکیل دهد و پس از چند ماه تلاش و کوشش در جشنواره موسیقی فجر شرکت نماید. این گروه اولین برنامه خویش را در تالار نیاوران مورخ ۸۳/۱۱/۱۲ اجرا نمود. دومین اجرای خویش را ۸۳/۱۱/۱۸ در تالار وحدت برگزار شد و با استقبال بسیار روبرو گردید. همچنین گروه منورا وابسته به مرکز آموزش موسیقی نیز در روز دوشنبه ۸۳/۱۲/۲۴ کنسرتی را در محل این مرکز واقع در ساختمان سرابندی برای هنرجویان این مرکز و خانواده‌های ایشان برگزار نمود.

گزارش خانه جوانان یهود تهران

برنامه‌های برگزار شده در طی دوره اخیر به شرح زیر می‌باشد:

۸۳/۱۰/۵ جشن سالگرد در تالار محبان.

۸۳/۱۰/۱۰ ارانه گزارش سفر اروگونه توسط «خانم نغمه عاقل».

۸۳/۱۰/۱۱ گردش جمعی.

۱۹ و ۸۳/۱۰/۱۷ اجرای کنسرت در تالار محبان «موسیقی سنتی».

۸۳/۱۰/۲۴ اجرای تئاتر مطب پرماجرا.

۸۳/۱۱/۷ جشن شاد در تالار خراسانیها به همراه سازمان گیشا.

۸۳/۱۱/۱۰ کنسرت موسیقی پاپ در محل خانه جوانان.

۸۳/۱۱/۲۹ نمایش فیلم (دونل).

۸۳/۱۲/۸ سخنرانی در مورد موسیقی یهود در کنسای یوسف‌آباد توسط رامی بهزادی.

اخبار سازمان دانشجویان یهود شیراز

سازمان دانشجویان یهود شیراز، همانند سال‌های گذشته با برگزاری جشن باشکوهی از ۳۰ نفر از پذیرفته‌شدگان موسسات آموزش عالی کشور در ۳۰ آبان ماه تقدیر نمود. این برنامه با حضور هیئت‌مدیره انجمن کلیمیان شیراز و اعضای سازمان دانشجویان و هیئت‌مدیره دوره‌های پیش سازمان برگزار گردید. جشن تقدیر از دانشجویان همه ساله توسط سازمان برگزار می‌گردد. در جشن امسال آخرین شماره مجله بینا نیز از سوی مسئولین محترم مجله بینا به دانشجویان ورودی سال ۸۴ اهدا شد. هم‌زمان با برگزاری جشن، ویژه‌نامه نشریه اهو نیز بین مدعوین توزیع گردید.

در پی یک تعطیلی دو ساله، کتابخانه سازمان دانشجویان یهود شیراز، با همت چند تن از اعضا در حال مرتب‌سازی و بازگشایی است. در حال حاضر حدود ۱۵۰۰ جلد کتاب در موضوعات مختلف در کتابخانه سازمان موجود است، که بعد از صحافی و شماره‌گذاری از پایان فروردین ماه سال ۸۴ در اختیار علاقمندان و همکیشان قرار خواهد گرفت.

۲۹ بهمن ماه سال ۸۳ دومین مجمع عمومی عادی سازمان دانشجویان برگزار شد. در این مجمع، ابتدا سخنگوی هیئت‌مدیره به ذکر برخی فعالیت‌ها و مشکلات سازمان پرداخت و پس از آن انتخابات با آرای ۶۰ نفر از اعضا برگزار شد. هیئت‌مدیره کنونی سازمان شامل خانم‌ها: آتوسا رحمن‌عطاری، شیما عرب‌زاده و آقایان سیامک ایمانشاد، کسری بهداد، سینا رحمانی، سامان شمتوب و امیر مره‌صدق می‌باشد.

در تاریخ ۸ اسفند ۸۳ آقای مهندس موریس معتمد در کنیسیای ربیع‌زاده در رابطه با نمایش چند برنامه موهن به یهودیت از صدا و سیما و اقدامات صورت گرفته توسط ایشان و انجمن کلیمیان تهران سخنرانی کردند. در ادامه، انجمن و مردم مشکلات جامعه کلیمیان شیراز و علی‌الخصوص فقدان کشتارگاه بهداشتی را با ایشان در میان گذاشتند.

گزارش سازمان دانشجویان

برنامه‌های برگزار شده طی دوره اخیر به شرح زیر می‌باشد:

۸۳/۱۰/۳ نمایشنامه‌خوانی

۸۳/۱۰/۱۰ سخنرانی توسط کاوه دانیالی (نظریه دکارت)

۸۳/۱۱/۸ نمایش فیلم

۸۳/۱۱/۱۵ سخنرانی پیرامون موسیقی یهود. سخنران: رامی بهزادی

۸۳/۱۱/۲۲ گفتگو با آقای یشایایی پیرامون انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر جامعه یهود ایران

۸۳/۱۱/۲۹ اجرای نمایشنامه پیف پاف به کارگردانی: رامین کهن

۸۳/۱۲/۶ سخنرانی مهندس موریس معتمد

۸۳/۱۲/۱۳ رسیدن گیتار

۸۳/۱۲/۲۰ سخنرانی در مورد فلسفه پزشکی. سخنران: دکتر مره‌صدق

۸۳/۱۲/۲۱ مجمع عمومی

۸۳/۱۲/۲۸ سخنرانی پروژه معنویت در دین. سخنران: آرش آبانی

مجمع عمومی سازمان دانشجویان یهود ایران

مجمع عمومی عادی و سالیانه سازمان دانشجویان یهود ایران در تاریخ ۸۳/۱۲/۲۱ در محل این سازمان برگزار گردید. هیأت رئیسه پیشنهادی هیأت‌مدیره سازمان برای اداره مجمع: حمید اقبالی، کامران دانیالی و شیلا شکوری بودند.

پس از ارائه گزارش هیأت‌مدیره دوره سی و هفتم و بازرس سازمان و پاسخگویی به سؤالات حضار، کاندیداهای هیأت‌مدیره و بازرسی به معرفی خود پرداختند. اسامی اعضا و بازرسان هیأت‌مدیره دوره سی و هشتم به ترتیب آرا، به شرح زیر می‌باشد:

پریسا حی، آرش گیلاردیان، دانیال ذریعانی، سیده کی‌پور، نازلی حله‌لویان، اعضای علی‌البدل: هومن میشاعیل، پگاه دانیالی، بازرسان: ماهیار کهن‌باش، بازرس علی‌البدل: سپهر یعقوب‌زاده.

کمک‌های مردمی

ستاد خیریه کوروش

ستاد خیریه کوروش با همکاری انجمن کلیمیان تهران امسال هم طبق روال سال‌های گذشته، کمک‌های مردمی مابین ۲۵۰ خانوار کلیمیان تهران و بعضی از شهرستان‌ها جهت موعود «پسح» (جشن آزادی) سال عبری ۵۷۶۵ توزیع نمود. این مواد غذایی شامل: مصل، گوشت، مرغ، برنج، روغن، خرما، تخم‌مرغ و قند بود که در تاریخ ۱۳۸۴/۱/۲۵ توزیع گردید. این امر خیر توسط آقایان: یعقوب یعقوب‌زاده، رحمت‌الله شبتای و اسکندر میکائیل و پرویز مینائی انجام گرفت.

تسلیت

سرکار خانم حمیده مسجدی و فامیل وابسته

درگذشت پدر بزرگوارتان، جناب آقای شعبان مسجدی را به حضرت‌عالی و وابستگان تسلیت گفته و برای آن مرحوم آمرزش طلب می‌کنیم.

هیئت‌مدیره انجمن کلیمیان تهران، بازرسان و پرسنل انجمن کلیمیان تهران، کمیته فرهنگی و نشریه بینا، سازمان‌های جوانان و نهادهای وابسته

اخبار و رویدادهای خارجی

درگذشت رهبر کاتولیک‌های جهان

روز یکشنبه ۱۴ فروردین ماه ۱۳۸۴ پاپ ژان پل دوم رهبر مسیحیان کاتولیک جهان دار فانی را وداع گفت.



مسیحیان جهان در مرگ ژان پل دوم به سوگ نشستند و رهبران روحانی و سیاسی در سراسر جهان مرگ ژان پل دوم را تسلیت گفتند و در مراسم خاک‌سپاری وی شرکت نمودند. پاپ ژان پل دوم از رهبران برجسته

کلیساهای کاتولیک در سده‌های اخیر بود. او تمام تلاش خود را در جهت تفاهم بین ادیان الهی و صلح و توافق جهانی به عمل آورد و در زندگی مردم جهان در نیمه دوم قرن بیستم تأثیر تعیین کننده‌ای داشت.

جامعه کلیمیان ایران درگذشت رهبر مذهبی کاتولیک‌های جهان را به همه مردم صلح‌دوست و مسیحیان دنیا مخصوصاً هموطنان مسیحی تسلیت می‌گوید.

به همین مناسبت روز جمعه ۲۰ فروردین ماه مراسمی با حضور آقای حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی و جمعی دیگر از

مسئولین
مملکتی و
سفرا و
نمایندگان
کشورهای
خارجی در
کلیسای
کاتولیک
آشوری در
تهران برگزار
شد.



در این مراسم هیئتی از طرف جامعه کلیمیان ایران شرکت نمودند. در این هیئت جناب حاخام یوسف همدانی کهن «مرجع دینی کلیمیان ایران»، موریس معتمد «نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی» و هارون یشایایی «رئیس انجمن کلیمیان تهران» و عده‌ای دیگر از معتمدان جامعه کلیمی ایران حضور داشتند.

نخستین

ترجمه فارسی دایره‌المعارف دین

منتشر می‌شود

نخستین ترجمه فارسی دایره‌المعارف دین، وایرسته «و. فرم» با سرپرستی دکتر «بهزاد سالکی» منتشر می‌شود.

دکتر بهزاد سالکی عضو هیأت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، درباره ویژگی‌های این اثر گفت: جامعیت، دقت، بی‌طرفی، ارائه کتاب‌شناسی جامع از یک موضوع در انتهای همان مدخل و نگارش مدخل‌ها و مقاله‌ها توسط برترین دین‌پژوهان معاصر از جمله صفات این دایره‌المعارف است.

این دین‌پژوه، کتاب «یهودیت: بررسی تاریخی» اثر «ایزودور اپستاین»، از یهودشناسان برجسته، را نیز ترجمه کرده است و اسفند ماه سال جاری توسط «موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران» منتشر می‌شود. این کتاب شامل ۲۲ فصل است که به ترتیب عبارتند از: خاستگاه‌ها، انتخاب اسرائیل، تورات، روگردانی قومی و دینی، گسیختگی قومی و دینی، پادشاهی یهودیه، انبیاء (بنی‌اسرائیل)، کاهنان و مزامیر نویسان، حکمای قوم، حکمت دینی یهودیه، دولت دوم عبری، مرکز قومی و

نمایندگان حزب دمکرات ملی ساکسونی خواستار آن شده بودند که همزمان باید خاطره قربانیان بمباران‌های متفقین در شهر درسدن نیز گرامی داشته شود که این تقاضا رد شد.

یهودیان ادعا می‌کنند که در جریان جنگ جهانی دوم در اردوگاه آشویتس که بزرگترین و مهمترین اردوگاه از این نوع بوده، صدها هزار تن از همکیشان آنها در یک اقدام هماهنگ که از آن به عنوان هولوکاست (یهودی‌کشی) نام برده می‌شود، توسط نیروهای نازی سوزانده شده‌اند.

در مسکو نیز «بنیاد هولوکاست روسیه» مراسم یادبودی را با شرکت گروه‌های یهودی مقیم این کشور با حضور سفیر اسرائیل و برخی سیاستمداران محلی تدارک دید.

گزارش‌ها حاکی از آن است که در سایر کشورهای اروپایی از جمله انگلیس، سوئد، دانمارک، ایتالیا نیز مراسمی در همین زمینه برگزار شده.

در همین حال دیوار یادبودی از اسامی ۷۶ هزار تن از یهودیان فرانسوی که در سال‌های ۱۹۴۲ لغایت ۱۹۴۴ میلادی به اردوگاه مرگ در آلمان تبعید شده بودند، در پاریس پرده‌برداری شد.

تلویزیون فرانسه با اعلام این خبر افزود: روی این دیوار اسامی این تعداد از یهودیان به ترتیب حروف الفبا درج شده است.

این شبکه خبری فرانسه افزود: در بین این افراد نام ۱۱ هزار کودک که تاریخ تولد آنان نیز حک شده است، وجود دارد.

بر اساس این گزارش «سیمون وی» وزیر اسبق بهداشت و رئیس بنیاد خاطرات یهودیان این کشور پرده‌برداری از این دیوار را یک رویداد بسیار بزرگ قلمداد کرد و افزود: دوستان و خانواده‌های افراد تبعیدی به دنبال یافتن نام تبعیدشدگان خود روی این دیوار هستند.

دیوار یادبود ثبت اسامی این تبعیدشدگان یهودی در مجموعه یادبود یهودیان در مرکز پاریس تاسیس شده است.

این مجموعه یادبود توسط ژاک شیراک رئیس جمهوری فرانسه رسماً افتتاح شد.

شیراک در مراسم پرده‌برداری از مجموعه یادبود یهودیان تبعید شده به اردوگاه مرگ نازی که در پاریس برگزار شد، افزود: ما در برابر پدیده ضدیهود در فرانسه با قاطعیت عمل می‌کنیم.

رئیس جمهوری فرانسه افزود: ریشه ضد یهود در نفرت است و نمی‌توان در برابر آن تساهل و تسامح به خرج داد.

شیراک تاکید کرد که از دولت فرانسه خواسته است تا تمام تلاش و همت خود را برای کاهش و مقابله با پدیده ضد یهود در این کشور به کار بندد.

روحانی یهود، شکل‌گیری تلمود، یهودیت تلمودی: دین مبتنی بر تلمود، یهودیت تلمودی: اخلاق و فضیلت اخلاقی، یهودیت تلمودی: شعائر و مناسک دینی، تثبیت یهودیت تلمودی، فلسفه یهودی، عرفان یهودی (قبالا)، سهم علمای یهودی در قرون وسطا، جنبش‌های جدید در یهودیت و دولت یهود و یهودیت.

این محقق درباره ویژگی‌های این کتاب به خبرنگار ما گفت: نویسنده با نگاه توصیفی و تحلیلی و جامع سعی کرده تحولات این دین را در یک بستر تاریخی از ظهور حضرت ابراهیم تا دهه ۶۰ قرن بیستم بررسی کند.

شایان ذکر است، بهزاد سالکی به همراه بهاءالدین خرمشاهی، کتاب تاریخ خداشناسی: سرگذشت خدا از چهار هزار سال قبل در ادیان ابراهیمی اثر «کارن آرمسترانگ» را نیز ترجمه کرده که اواخر امسال از سوی انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی در ۶۰۰ صفحه منتشر می‌شود.

گفتنی است، سالکی ترجمه کتاب مهم تفسیری از دین اثر جان هیک را نیز در دست دارد.

اروپا

در سوگ

سالگرد قتل یهودیان آشویتس

مراسم شصتمین سالگرد آزادسازی اردوگاه کشتار یهودیان در دوران جنگ جهانی دوم معروف به «آشویتس» روز ۲۴ ژانویه (۵ بهمن ماه) در مقر اروپایی سازمان ملل متحد در وین برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در این مراسم، نمایندگان دائمی فرانسه، انگلیس، آمریکا، روسیه، لهستان و اسرائیل پیرامون جنگ جهانی دوم و اقدامات ضدیهودی در آن دوران سخنرانی کردند.

«تادیوس استرولاک» نماینده لهستان گفت: درسی که از اردوگاه آشویتس می‌توان گرفت، نتایج دردناکی است که نفرت و عدم بردباری باورها و عقاید دیگران می‌تواند به بار آورد. استرولاک تأکید کرد: عدم بردباری و نفرت از باورهای دیگر، هنوز در جوامع زنده است و برای مقابله با آن باید تحمل عقاید و باورهای دیگران را از کودکی به مردم آموخت.

یک هفته پیش از این مراسم، نمایندگان راست افراطی در ایالت ساکسونی آلمان، زمانی سالن را ترک کردند که به احترام قربانیان نازی‌ها، در مجلس ایالتی یک دقیقه سکوت اعلام شد.

سدر با محکوم کردن اعمال تروریستی گفت: هر کس که از کشته شدن زن یا کودکی در اردوگاه‌ها یا اتوبوس خوشحال شود، به هیچ دینی اعتقاد ندارد.

«کریستین دوپون» وزیر وحدت اجتماعی بلژیک نیز در سخنانی در این همایش گفت: این گردهمایی، همایش زندگی و امید در برابر مرگ و خشونت است و از این رو حساس و حیاتی است.

به گفته وی، اصل اساسی ادیان گفت و گو و تفاهم است. این همایش با حمایت «آلبرت» پادشاه بلژیک و محمد ششم، شاه مغرب برگزار شد.

پادشاه مغرب در پیامی که «احمد توفیق» وزیر امور اسلامی مغرب در این همایش آن را قرائت کرد، از این همایش به عنوان فتح بایی جدید در گفت‌وگوهای جدی و سازنده بین اسلام و یهودیت یاد کرد.

«باکسی دارون» رئیس سابق حاخام‌های اسرائیل نیز گفت که نشست امامان جماعت و حاخام‌ها و گرد هم آمدن آنان حاکی از سودمندی این همایش است. وی تأکید کرد که جنگی بین ادیان وجود ندارد.

«عبدالعزیز عثمان التویجری» رئیس سازمان اسلامی آموزشی، علمی و فرهنگی (آی‌سسکو) با اشاره به حمایت سازمان ملل از طرح گفت و گوی تمدن‌های «محمد خاتمی» رئیس جمهوری ایران، گفت: اسلام خواستار گفت و گو با پیروان سایر مذاهب به منظور ترویج اعتدال و مهربانی است. در این همایش محققان مذهبی مسیحی و سایر ادیان نیز حضور داشتند.

«سری راوی شانکار» از رهبران روحانی هند و در این همایش، از مسلمانان و یهودیان خواست تا هندویسم و آیین سیک را به عنوان ادیان توحیدی به رسمیت شناسند.

معرفی کتاب:

یهودیت و محیط زیست

(جهان مخلوق و کلمه و حیانی)

این کتاب تحت نظر حوا تیروش ساموئلسون در ۶۲۰ صفحه و در سال ۲۰۰۲ میلادی به بازار نشر وارد گردید.

گفتمان زیست‌محیطی یهودی نشان داده است که یهودیت در ذات خود دغدغه عمیقی درباره رفاه و سعادت جهان طبیعی دارد. این کتاب قصد دارد تا به گفتمان نوظهور یهودیت و محیط زیست با روش ساختن مفاهیم متعدد طبیعت در تفکر یهودی کمک کند تا زمینه‌ساز ایجاد الهیات طبیعی یهودی شود. ۲۱

به گفته وی، فرانسه تصمیم گرفته است تا مسئولیت گذشته خود را در برابر تبعید یهودیان به اردوگاه مرگ نازی بپذیرد. وی گفت: من به هیچ عنوان نقطه تاریک تاریخ فرانسه را فراموش نخواهم کرد.

ژاک شیراک رئیس جمهوری فرانسه در ژانویه سال ۱۹۹۵ میلادی پس از این که برای اولین بار به عنوان رئیس جمهوری این کشور انتخاب شد مسئولیت فرانسه را در تبعید یهودیان به اردوگاه مرگ نازهای پذیرفت. پیش از شیراک ژنرال دوگل، ژرژ پمپیدو، ژیسکاردستن و میتران رؤسای جمهوری اسبق این کشور حاضر نشده بودند مسئولیت فرانسه را در این زمینه بپذیرند.

طی سال‌های ۱۹۴۳ لغایت ۱۹۴۴ میلادی بیش از ۷۶ هزار یهودی که از ملیت‌های مختلفی بودند از فرانسه به اردوگاه مرگ در آلمان تبعید شدند.

امید و زندگی،

موضوع همایش جهانی

روحانیون مسلمان و یهود

اولین همایش جهانی امامان جماعت مسلمان و حاخام‌های یهود برای صلح، روز سوم ژانویه (۱۴ دی ماه) در بروکسل آغاز به کار کرد.

این همایش ۴ روزه با این پیام که گفت و گو، صلح و تفاهم موضوع مشترک همه ادیان توحیدی مانند اسلام و یهودیت است، آغاز به کار کرد.

«آلن میشل» برگزارکننده این همایش در مراسم افتتاح این نشست گفت که این همایش انگیزه‌های تازه‌ای را در زمینه تفاهم بین اسلام و یهود ایجاد می‌کند.

«رنه سامویل سیرا» رئیس سابق مرکز دینی یهودی فرانسه در سخنرانی خود در این همایش خاطرنشان کرد که «ابراهیم» متعلق به همه ادیان توحیدی است که اساس آموزش‌های آنها عشق به نوع بشر است. یکصد تن از رهبران مذهبی و محققان مسلمان و یهود در این همایش شرکت داشتند.

شیخ «طلال سدر» نماینده دولت خودگردان فلسطین در امور بین مذاهب، با تلاوت آیه‌ای از قرآن کریم در زمینه دعوت مردم برای گفت و گو، افزود: این همایش زیبا است اما با موفقیت و اجرای قطعنامه‌ها، زیباتر خواهد شد.

به گفته: «شیخ طلال سدر» نماینده مذهبی مردم فلسطین، میلیون‌ها مسلمان، یهود و مسیحی به حل و فصل مسأله فلسطین خوش‌بین هستند.

رویدادهای هنری

پرویز نی داود، شاعر و هنرمند معاصر یهود ایران
از پرویز نی داود قبلا هم در نشریه افق بینا شعر یا مطالبی منتشر شده است.

ایشان اخیراً فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف گسترش داده و در چاپ آثار خود فعال‌تر شده‌اند و در بخش‌هایی از صدای جمهوری اسلامی ایران مخصوصاً شبکه پیام همکاری نموده‌اند. در کتاب شعر «دلدادگان» و «مصیبتی در نیمه شب» که بعد از چاپ مورد استقبال فراوان قرار گرفته است، استاد گرامی دکتر مهدی محقق رئیس هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از ایشان تمجید و قدردانی نموده‌اند.

نمونه‌ای از اشعار آقای پرویز نی داود:
بوی زرد گل یاسو نمی‌خوام

نمره بیست کلاسو نمی‌خوام

توی انبوه هجوم عاشقی

جذبه‌های التماسو نمی‌خوام

توی تقدیر تموم عاشق‌ها

نامه پاک سپاسو نمی‌خوام

جامه‌ای نبوشیدم، نبوشیدم!

جلوه‌های یک لباسو نمی‌خوام

چشم تو شاعر لیلانی من

شعرهای بی‌اساسو نمی‌خوام

من دلدادۀ پریشان خاطر

بوی زرد گل یاسو نمی‌خوام

زر چیه طلا چیه الماس چیه

رنگ رنگ اسکناسو نمی‌خوام

من چو (نی داود) همیشه گفته‌ام:

جز صفا و عشق و محبت نمی‌خوام

تسلیت

سرکار خانم شرکان انورزاده

درگذشت پدر محترمتان، را به حضراتعالی و وابستگان تسلیت گفته و برای آن مرحوم آموزش طلب می‌کنیم. نشریه افق بینا

تسلیت

سرکار خانم شیوا آقابالا

درگذشت پدر بزرگ محترمتان، را به حضراتعالی و وابستگان تسلیت گفته و برای آن مرحوم آموزش طلب می‌کنیم. نشریه افق بینا هیئت مدیره و پرسنل انجمن کلیمیان

تسلیت

سرکار خانم الهام مؤدب

درگذشت پدر بزرگ محترمتان، را به حضراتعالی و وابستگان تسلیت گفته و برای آن مرحوم آموزش طلب می‌کنیم. نشریه افق بینا کمیته جوانان و نهادهای وابسته

نویسنده مقالات این کتاب، محور کار خود را عهد عتیق و ادبیات ربینیک قرار داده‌اند و رابطه بین نظریه خلقت و نظریه وحی در زمینه قانون طبیعی را بررسی می‌کنند و به مسائلی پیرامون طبیعت و اخلاق می‌پردازند. آنها از منظر سنت عرفانی یهود، گفتمان سکولار زیست‌محیطی و فرمان‌های دینی یهودی را به چالش می‌کشند.

مسلمانان و یهودیان

در جست و جوی صلح

۱۵۰ نفر از رهبران دینی مسلمان و خاخام‌های یهودی از سراسر دنیا در روز ۱۴ دی ماه در بروکسل جمع شدند تا در تلاشی بی‌سابقه تنش‌های روز افزون میان مسلمانان و یهودیان در اروپا را از میان ببرند.

به نوشته نشریه تلگراف انگلیس، همایش «مسلمانان و یهودیان در جست و جوی صلح» توسط موسسه صلح قول مردان (Hommesdeparole) مستقر در پاریس برگزار شد. «آلین مایکل» از برگزارکنندگان این همایش گفت هدف از برگزاری این همایش ایجاد گفت و گو مشارکتی دیرپا میان اسلام و یهودیت و همچنین ترویج دوستی و اقدامات ابتکاری مشترک است.

او گفت رهبران دینی مسلمان و یهودی هیچ‌گاه فرصت ملاقات و کار با یکدیگر را نداشته‌اند، این در شرایطی است که تعامل میان مسلمانان با مسیحیان و یهودیان با مسیحیان وجود دارد.

هدف از برگزاری این همایش فراهم کردن محفلی برای گفت و گوی بین ادیان است که در آن مخالفت دوطرفه با اسلام هراسی و ضدیهودیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. دکتر ساجد امام جماعت برایتون ریاست جلسه‌ای که امامان و خاخام‌ها ارزش‌های مشترک را در هر دو دین بررسی می‌کردند را برعهده داشت.

«ژوزف سیتراک» خاخام فرانسه گفت: این گردهمایی دارای اهمیت بسیاری است چرا که امید و آزادی را برای دنیایی واقع‌گرا انعکاس می‌دهد و خاخام‌هایی از اتریش، بروکسل، بلغارستان و دانمارک در میان رهبران دینی بودند که در این همایش شرکت کردند.



نازی‌ها یهودیان را در گتو ورشو به قتل رسانده‌اند.
روحانی یهودی بر مردگان مراسم مذهبی به جای می‌آورد و خنده سربازان!

هیولای فاشیزم

پشربت هرگز از یاد نخواهد پرده

هارون یشایایی

وقتی که دولت فرانسه اعلام کرد به دلایلی می‌خواهد پخش برنامه سحر را از ماهواره مربوط قطع کند، رئیس شبکه سحر بلافاصله جلو دوربین سیمای جمهوری اسلامی ایران ظاهر شده و ادعا کرد به دلیل آن که شبکه سحر «افسانه مجعول هولوکاست» را افشا کرده است و گویا در برنامه‌های خود به اثبات رسانده که نازی‌های هیتلری گناه قابل ذکری نکرده‌اند!!! و هیچ یهودی عمداً از طرف فاشیست‌ها کشته نشده و موضوع یهودی‌کشی نازی‌ها افسانه‌ای بیش نیست!!! دولت فرانسه به این اقدام دست زده است.

بعد از آن که آقای عبدالحسین برزیده کارگردان محترم سینمایی برای اثبات این نظریه به کشور لبنان سفر کرده تا برای شبکه سحر فیلمی بسازد و «راز کوره‌های آدم‌سوزی یهودیان را فاش کند و به گفته خودشان براساس مستندات تاریخی ...! ادعای صهیونیست‌ها را درباره اتاق‌های گاز و کوره‌های آدم‌سوزی رد کرده و آن را فاقد مستندات تاریخی بداند».

بعد از آن که آقای جمال شورجه فیلم‌ساز باسابقه دست از همه جا کوتاه دامان یهودیان عتیقه‌فروش را گرفت و آنها را تا خیابان‌های لندن تعقیب کرد تا در فیلم و سریال «وعده دیدار» با حجم وسیع تبلیغاتی در صدا و سیما بتواند ثابت کند که آثار فرهنگی و عتیقه ملی و دینی ایرانیان را یهودیان غارت کرده‌اند!!! و دیگران معصوم و بی‌گناه ناظر بوده‌اند تا این شیاطین ...! هر چه می‌خواهند بکنند ...!

بعد از این که آقای نادر طالبزاده چون یک قدیس در تلویزیون ظاهر شده و چون یک مجتهد جامع‌الشرایط در تفاسیر قرآن کریم هر چه به نظر خودش می‌رسید وحی منزل دانست و فیلم و سریال «بشارت منجی» را سرهم‌بندی کرد و آموزه‌های خود را در فرنگستان تنوری ملت شریف ایران دانست و هر چه بدو بیراه در ادبیات فرنگی بود به یهودیان نسبت داد و یادگرفته‌های خود را در هالیوود بی‌محبا به ریش تماشاجیان آویزان کرد که ...! یعنی فرمان فلک در هالیوود و همه جای دنیا در دست لابی یهودیان و صهیونیست‌ها است!!! و هیچ فیلمی تاکنون ساخته نشده که توطئه صهیونیست‌ها در آن از طرف آقای طالبزاده کشف نشده باشد و قس علیهذا ...!

بعد از این که در سریال «دسیسه» خون کودکی به کودک دیگری که البته یهودی بوده است ...! خورانده شد و پس مانده آن در فطیر، نان مقدس کلیمیان ریخته شد تا دروغ ساخته شده سازمان‌های جاسوسی تزارها و استالین‌های زمان برای هزارمین بار نمایش گر، ابتدالی به یاد ماندنی باشد.

بعد از آن که در سریال «چشمان آبی زهرا» فیلم‌سازان بی‌هویت نشان دادند که می‌شود با چاقو از چشم‌خانه، چشمان کودکی را بیرون کشید و به چشمان کور یک کودک یهودی پیوند زد تا بینا شود ...!

بعد از آن که مدیران صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران اجازه دادند تا در هر فیلم و سریالی فقط دامن یهودیان آلوده به گناه تصویر شود و تمام مقدسات و اعتقادات دینی یهودیان و روحانیت کهنسال یهودی به مسخره گرفته شود.

و بعد از آن که اعتراضات ما به مسئولین صدا و سیما و سایر مسئولین به جایی نرسید و گروهی با پیش‌زمینه فکری نژادپرستانه و برخلاف روش روحانیون شیعه از سر ناسازگاری و توهین و ایجاد ناامنی فضای مقدس تنفس ملت ایران را به سم نژادپرستی آلوده کردند و حتی به تذکرات بالاترین مسئولین مملکتی توجهی ننموده و این کج‌راهه را هر روز سریع‌تر از روز قبل پیمودند.

بعد از این همه:

بی‌آنکه این فکر باطل را بپذیریم که یهودیان مبری از هر خبط و گناهی بوده و تافته جدا بافته هستند...! بر آن شدیم تا با تفضل الهی و استفاده از حق طبیعی خود با ملت بزرگوار ایران سخن بگوئیم.

خدایا تو گواه باش که این نوشته از سر حمایت از بزرگنمایی صهیونیست‌ها در ارتباط با آن چه در جریان جنگ دوم جهانی گذشت و یا دفاع از اقدامات ارتش اسرائیل در برابر خلق قهرمان فلسطین و یا ترس جامعه یهودی از تحریکات گوناگون علیه این مردم صدیق، نوشته نشده.

و از آن جا که نویسنده خود را به فرهنگ نجیبانه و کهن ملت ایران و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران که خون شریف‌ترین فرزندان این ملت پشتوانه آن است متعهد و پای‌بند می‌داند و فریاد رسای پیر پارسا و علم‌دار ظلم‌ستیزی در قرن ما امام راحل را هنوز در گوش خود دارد، به خود حق می‌دهد: گوشه‌هایی از حقیقت انکارناپذیر فجایع نازی‌ها و دست‌آورد اقدامات فاشیستی در جریان جنگ دوم جهانی را عیان سازد تا ملت آگاه ایران، همچنان که در تاریخ دیرپای خود داور صادق بوده، در مورد اظهارنظرهای مغرضانه بعضی نابخردان قضاوت کند. در ضمن اگر بعضی حضرات تلویزیونی گوش شنوایی داشته باشند دلال مظلومه دیگران قرار نگیرند...

۱- در نامه‌ای که جناب آقای سید شامیر کاظمینی معاون محترم اجرائی و حوزه ریاست سازمان صدا و سیما در ارتباط با نامه اعتراض انجمن کلیمیان به دفتر ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۹ ارسال داشته و رونوشت آن را به انجمن کلیمیان فرستاده‌اند، نکته‌ای وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در بخشی از این نامه آمده است:

«با لحاظ قرار دادن رشد فرهنگی جامعه نسبت به تجزیه و تحلیل این قبیل مسائل و درک صحیح مخاطبین فهیم از پیام نهفته در چنین سریال‌هایی، مسلماً به هیچ عنوان «اعمال ننگین و ضدبشری صهیونیسم بین‌الملل به پیروان دین الهی یهودیت تعمیم نخواهد یافت».

یادآوری این نکته نشان از صداقت نویسنده محترم نامه دارد، و اگر قبول استدلال ایشان نبود و به جز ملت فهیم ایران، صدا و سیما مخاطبین دیگری داشت بی‌شک با برنامه‌های اصولاً ضدیهودی و نه ضدصهیونیستی سیمای جمهوری اسلامی ایران تا امروز یک نفر یهودی در ایران باقی نمانده بود و توطئه صهیونیست‌ها برای کوچاندن ایرانیان یهودی به اسرائیل تکمیل شده و به مرحله اجرا رسیده بود.

۲- اگر گفته‌ها و نوشته‌های آقای روزه گارودی (نویسنده فرانسوی) که از یک مسیحی متعصب، اظهار ندامت نموده و تا عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه پیش رفته و بعد از آن به اسلام روی آورده و براساس قراین اخیراً کُنج غُزلت گزیده است، ملاک مورد قبول و استناد برنامه‌سازان صدا و سیما می‌باشد،

باید یادآور شویم که آن بنده خدا هیچ‌گاه اصل ماجرای کشتار یهودیان به وسیله نازی‌های هیتلری را انکار نکرده بلکه رقم شش میلیون کشته یهودی را در جریان جنگ دوم جهانی غیرواقعی می‌داند و آن را حدود یک میلیون نفر تخمین زده است و تأکید بر این موضوع دارد اگر جنگ دوم جهانی به روایتی بیش از ۴۰ میلیون کشته داشته، رقم یک میلیون یهودی، آنقدر نیست که در مورد آن این همه سروصدا ایجاد کنند...! و پُر بی جا نگفته است.

با این همه، بی‌تردید شرافت آدمی روشنفکر باید خدشه‌دار شده باشد که به شمارش قربانیان بپردازد. به واقع کدام انسان شرافتمندی به خود حق می‌دهد بگوید اگر ۴۰ میلیون انسان ظالمانه نابود شوند و مثلاً یک میلیون آنها یهودی باشند موضوع مهمی نیست.

بدیهی است اصل مسئله این است که طاعون فاشیسم اروپا و جهان را به آتش و سوز کشیده و کشتار بی‌رحمانه، نفی‌بلد، تجاوز و آزمایش‌های وحشیانه ژنتیک توسط پزشکان نازی که مخصوصاً روی بدن یهودیان زنده اعمال شده و آنها را زنده زنده به آدم‌های محکوم به مرگ تبدیل کرده‌اند. با هیچ هیاهویی قابل انکار نیست.

کلیه اسنادی که وجود اردوگاه‌های کار اجباری و سالن مرگ و کوره‌های آدم‌سوزی را در اردوگاه‌های نازی‌ها در آشویتس - بوخنوالد - بلنریک - مدانگ - ترابلینکا - داخائو، اثبات می‌کند از مدارک سری ارتش نازی به وسیله قوای متفقین کشف و اعلام شده است و این اسناد فقط مربوط به کشتار یهودیان نیست تئوری ضد بشری برتری نژاد ژرمن و پاک کردن همین نژاد برتر از عواملی که موجب ناخالصی آن شده است چنان وحشیانه و دور از شأن انسانی است که تاریخ از یادآوری آن شرم می‌کند.

بخوانید توحش نژادپرستان را سلولی در کلینیک روانکاوی «ابجیریک درالتویل» آلمان، نمونه‌های رنگ مو و وسایل اندازه‌گیری که به وسیله دکتر «ارنست دودمن» برای تعیین ویژگی‌های نژادی و فیزیکی در تحقیقات ژنتیکی استفاده می‌شد و پوسترهایی از آلمانی‌ها در حال پاک‌سازی اعضای خانواده معشوقه‌هایشان به خاطر عیب‌های ژنتیکی - ابزار پاکسازی، همان‌هایی که به طور مستمر در مورد ۴۰۰ هزار زن و مرد در زمان حکومت نازی‌ها امتحان شد - عکس‌هایی از کودکان کور آلمانی در حال یادگیری تشخیص نژادهای مختلف از طریق لمس نیم‌تنه‌های مومی و هولناک‌ترین موارد دیگر نمونه‌هایی از اقدام به کشتن پنج هزار کودک معیوب آلمانی را که توسط دکتر اطفال در یک کلینیک اطفال آلمانی انجام شده ثابت می‌کند.

«در مورد ثبت شده دیگر با استفاده از مونواکسید کربن بیش از هفتاد هزار نفر از این گونه افراد را مسموم کردند که در بین آنها بیماران هنرمند «شیزوفرنیک» آلمانی نیز بودند، هنرمندانی که نقاشی و آثارشان بر روی دیوارهای کلینیک کشتار، وجود داشته است.

تا سال ۱۹۴۵ در جریان اجرای برنامه «داتاتریای» (پاک‌سازی نژادی نازی‌ها) بیش از دویست هزار نفر آلمانی به قتل رسیدند».

این جریان به دستور پزشک نازی بازداشتگاه «منگله» اجساد دوقلوها را به سالن کوره‌ها نبردند، بلکه دکتر منگله با گچ روی سینه‌های کوچکشان نوشته بود برای تشریح، دوقلوها در سنین مختلف بودند از کودک شیرخوار تا شانزده ساله‌ها مورد آزمایش‌های وحشیانه ژنتیک قرار می‌گرفتند.

در مورد کشتار یهودیان در جنگ دوم جهانی فقط به دو نکته اشاره می‌کنیم و مطلب را به پایان می‌رسانیم:

«شب قبل چند قطار مملو از یهودیان یونانی ساکن جزیره «کورفو» واقع در مدیترانه وارد اردوگاه شدند و تا صبح همه در کوره‌های آدم‌سوزی خاکستر شدند».

«انتقال این عده از کورفو به آشویتس ۲۷ روز طول کشیده بود، ابتدا آنها را در چند کشتی بار کردند و بعد از تخلیه از کشتی، بار چند واگن مخصوص حمل حیوانات نمودند و در تمام مدت ۲۷ روز در واگن‌ها زندانی بودند، بدون آب یا غذا و امکان دفع نیازهای معمولی، به طوری که وقتی قطارها به ایستگاه آخر رسیدند و افراد اس - اس، لاک و مهر واگن‌ها را شکستند، برخلاف معمول هیچ‌کس از واگن‌ها پیاده نشد و اصلاً جنب و جوشی محسوس نگردید، وقتی تخلیه واگن‌ها شروع شد بیش از نصف مسافران نگویند بخت جان به جان آفرین تسلیم کرده بودند و بقیه قدرت شناسائی و برخاستن نداشتند و نفس کشیدن آنها محسوس نبود - به دستور فرمانده اردوگاه‌ها همه مسافران یک جا نابود شدند...»

نمونه‌هایی از این گونه بسیار است. هر انسان شرافتمندی که در مقام قضاوت قرار بگیرد از خود می‌پرسد بالاخره حدود سه میلیون جمعیت یهودی لهستان (بنابر آمار اعلام شده از طرف دولت لهستان در سال ۱۹۳۹) در سال ۱۹۴۶ کجا رفتند و چه سرنوشتی بر آنها گذشت...؟

پاپان مطلب این که هیچ کینه‌ای از ملت آلمان بر دل‌های یهودیان جهان باقی نیست. اقدامات دیوانه‌وار نازی‌ها را هیچ‌کس به حساب ملت یا فرهنگ آلمان نمی‌گذارد، فراموش نکنیم بیشتر بزرگان یهودی علم و هنر و ادبیات اروپا از میان ملت آلمان برخاسته‌اند.

برای این که این شبهه پیش نیاید که یهودیان مثل گوسفندان دست و پا بسته تسلیم جنایات هیتلری‌های بی‌رحم شده‌اند، بد نیست یادی از قیام دلاورانه یهودیان ساکن محله یهودیان در ورشو «گتو ورشو» داشته باشیم. در این قیام دلاورانه که روز ۱۹ آوریل ۱۹۴۳ با کمک پارتیزان‌های لهستانی و یوگسلاو به عمل آمد، جوانان یهودی با چند اسلحه کهنه و چاقو و تبر و چوب با سربازان سراپا مسلح هیتلری جنگیدند. البته پیدا بود که در این نبرد نابرابر همه ساکنان گتو کشته خواهند شد و به جز گروهی کوچک که در جنگل‌های اطراف ورشو به پارتیزان‌های لهستانی پیوستند نشانی از بقیه به دست نیامد. اما حماسه قیام گتو ورشو یکی از علل تغییر سرنوشت جنگ و شکست فاشیزم بود و تنها در ورشو نبود، در گتوهای «ویلنا»، «بیلیستوک»، «کراکوف» و «بندین» در ده‌ها محله تجمع دیگر یهودیان در اروپا مقاومت‌هایی صورت گرفت که البته هیچ‌کدام به وسعت و تأثیر «قیام گتو ورشو» نبود و پاس می‌داریم خاطره رهبر شهید گتو ورشو را «مردخای انیولویچ».



نازی‌ها کودکان یهودی لهستانی را به اردوگاه آشویتس منتقل می‌کنند.

این است نمونه مختصری از آن چه فاشیست‌ها بر هموطنان خود روا داشتند و یا در اصطلاح خودشان در پاک‌سازی نژادی آلمانی به عمل آوردند.

اما در مورد یهودیان: برای آن که بدانیم بی‌رحمی و توحش نازی‌های هیتلری با یهودیان چقدر عمیق و گسترده بوده است، لازم نیست در اردوگاه‌های مرگ جنازه‌ها را شمارش کنیم. کافی است کتاب «نبرد من» نوشته آدولف هیتلر را ورق بزنید و بخوانید که «شرط اول وجود پایدار بشریت دولت نیست، بلکه نژاد است...! که سراسر دنیا را به خدمت تمدن برتری در خواهد آورد...! گاهی روزنامه‌های مصور عکس و تصویر سیاه‌پوستی را به نظر قدرتمندان ما می‌رسانند و می‌نویسند که این سیاه‌پوست در فلان ناحیه و فلان مملکت وکیل دادگستری، استاد، یا کشیش و یا آوازخوانی مشهور شده است و در این حال قدرتمندان حیوان‌صفت ما...! زبان به تمجید و تحسین آثار و نتایج اعجاز‌آمیز این تعلیم و تربیت می‌گشایند و از نتایجی که از تعلیم و تربیت نوین به دست آمده به دیده احترام نگاه می‌کنند و در اینجا یهودیان مکار و حيله‌گر...! دلیل دیگری به دست می‌آورند و بدینوسیله در راه تلقین تنوری خود کوشش می‌کنند و می‌خواهند تنوری خود را که «مساوات و برابری انسان‌ها» نام دارد به مغز ملت‌ها فرو کنند...!

ناگفته پیداست که یکی از دلایل دشمنی هیتلر با یهودیان این بوده است که بزرگان آنها از قبیل آلبرت اینشتین تنوری مساوات و برابری را در آلمان تبلیغ می‌کردند.

در این نوشته قصد آن نداریم که فقط یهودیان را قربانیان وحشی‌گری نازی‌ها بدانیم و به موارد دیگر از حیوان‌صفتی فاشیست‌ها اشاره می‌کنیم تا میزان کینه‌توزی و دشمنی بی‌حد هیتلری‌ها در مورد یهودیان که اولین طعمه این گرگ‌های خونخوار بوده‌اند آشکار گردد و در باور وجدان‌های شریف بگنجد که فاشیست‌های هیتلری برای اجرای نقشه به اصطلاح «حل نهائی مسئله یهود» از هیچ جنایتی فروگذار نکرده‌اند.

«شب دوم اوت ۱۹۴۴ کوره‌ها مجدداً مشغول به کار شدند ولی در این شب این یهودی‌ها نبودند که در کوره‌ها می‌سوختند، بلکه کولی‌های مسیحی آلمان و اطریش بودند که سوخته می‌شدند، در

חג שמחת - [مخصوص پسخ]

مراسم יקר صدر (سفره دو شب پسخ) و فلسفه این رسوم

رحمن دلرحیم



פסח = کرپس (خوردن)

کرپس (کرپس) کرپس را در سرکه یا آب نمک فرو می‌بریم و براخای (دعا) هاداما می‌گوئیم و می‌خوریم.

«سبزی سمبل تجدید حیات نباتات در آغاز فصل بهار است. که اشاره‌ای است به شروع حیات نوین بنی‌اسرائیل پس از آزادی که آن هم در فصل بهار بود»

פסח = یحص (نصف کردن مصا یا نان فطیر) از سه مصای نشانه‌دار وسطی را گرفته و آن را نصف می‌کنیم، نصف بیشتر آن را برای «افیقومن» پنهان کرده و نصف دیگر آن را بین دو مصا قرار می‌دهیم.

«دلیل معمول این کار برانگیختن سؤال برای کودکان حاضر بر سر سفره و اشتیاق آنها برای دنبال کردن مراسم است...»

פסח = گفتگوی وقایع خروج بنی‌اسرائیل از مصر (پس از خواندن «هالهما» با دست گرفتن مصا در دست «هگادا» را (موضوع خروج از مصر) شروع می‌کنیم و موقع رسیدن به «همی شعاماده» سفره‌ای روی چیزهای چیده شده در سفره پهن می‌کنیم و موقع «دینو» آن را برمی‌داریم و در آخر «گائل ایسرائل» پیاله دوم را می‌نوشیم.

«این بخش هدف اصلی مراسم است که یکی از صواب‌های بزرگی

همه ساله با فرا رسیدن پانزدهم ماه عبری نisan در فصل بهار یهودیان سراسر جهان با برگزاری یکی از مهمترین اعیاد مذهبی خود یعنی عید «پسخ» خروج از مصر و آزادی اجداد خود را یادآوری می‌کنند. آغاز این عید هشت روزه دینی، در دو شب اول با چیدن سفره مخصوص و اجرای مراسم، طبق ترتیب ذکر شده در کتاب «هگادا» (شامل شرح مراسم این شب وقایع خروج از مصر) برگزار می‌شود. این مراسم شامل چندین مرحله است که مفسرین دلایل متعددی برای هر یک ذکر کرده‌اند. در این مختصر مفاهیم و نشانه‌های هر مرحله عنوان می‌شود:

פסח = قدش (تقدیس) همانند شب‌های شنبه و سایر اعیاد شروع مراسم سفره بزرگ خانواده براخای (دعا) یائین می‌گویند و کلیه افراد خانواده پیاله اول را می‌نوشند.

«این مرحله نشان‌گر شادی و سرور به خاطر اجراء فرمان خدا است»

פסח = اورحص (طهارت دست‌ها) دست‌ها را شسته ولی براخای «عل نطیلت یادینم» را نمی‌گوئیم.

«طبق آیه‌ای از کتاب یشعیای نبی فصل ۱ آیه ۱۶ اشاره است به طهارت قلب‌ها»

کلیمیان است که سعی می‌شود با دقت در این شب انجام شود».

פסח = رحصا (شستن دست‌ها قبل از صرف شام) دست‌ها نظیلا گرفته (شسته) و قبل از خشک کردن آن براخای «عل نطیلت یادینم» می‌گوئیم.

«این بخش دومین طهارت دست‌ها را دربردارد طبق روال معمول قبل از غذا دست‌ها با ترتیب خاص ظاهر می‌شوند».

פסח = موصی مصا (گفتن براخای «دعا» نان فطیر) سه مصا را در دست گرفته براخای هموصی می‌خوانیم. مصای زیرین را رها کرده و از دو تای باقی مانده تقسیم می‌کنیم و قبل از خوردن براخای «عل اخیلت مصا» را می‌گوئیم و می‌خوریم.

«عبارت موصی مصا به معنی خارج کردن و آشکار کردن نان فطیر است و این بخش جزء احکام معمول یهود است که قبل از خوردن نان بر آن براخا (دعا) می‌خوانند».

פסח = ماژور (سبزی تلخ) مقداری کاهو یا سبزی تلخ در خلق (معجون) مثل سمنو که برای پسخ تهیه می‌شود) فرو می‌بریم و براخای «عل اخیلت ماژور» را گفته و می‌خوریم.

«خوردن سبزی تلخ نشانه چشیدن و احساس تلخی‌هاست که



«افيقومن نشان گر پاداش پنهان الهی است در ازای صوابهای انسان همان گونه که در آیه آمده است (خدایا چقدر نعماتی که برای پارسایان خود پنهان نموده‌ای کثیرند). نظر مفسر دیگر این است که هیچ چیزی تا ابد پنهان و پوشیده نخواهد ماند».

הלל נקפא = هلل نیرضا (خواندن مدح و ثنا و رضایت پروردگار) پس از خواندن سرود «هلل» پیاله چهارم یائین را می‌نوشیم و پس از نوشیدن براخای آخر یائین «غل پری هگفن» را می‌گوئیم. «این بخش مدح و ثنا و رضایت الهی است که در چند فصل از مزامیر حضرت داود تشکیل شده است به نشانه قدرشناسی از آیات و معجزات الهی در حق بندگان قرانت می‌شود که امید است در نظر او مقبول افتد و رضایتش حاصل گردد».

و رسم است شام را با تخم مرغ پخته شروع می‌کنند.

«سفره گسترده اشاره است به دعوت همه برای شرکت در این مراسم مقدس و تخم مرغ پخته که هر چه حرارت می‌بیند سفت‌تر می‌شود نشانه حالات مؤمنین است که علی‌رغم تحمل مشکلات و مصائب زندگی به خاطر ایمان به حکمت خالق خود مقاوم‌تر و استوارتر می‌شوند».

לפני קריאת = صافون بارخ (خوردن مصای پنهان شده و گفتن دعای پس از خوردن غذا) بعد از صرف شام مقداری از نصف مصای پنهان شده را به نام «افيقومن» گرفته و قبل از خوردن جمله «זכר לפרנסתנו» را خوانده و می‌خوریم و پس از شستن دست‌ها بרכת هم‌زبون (دعا بعد از غذا) می‌خوانیم و در آخر پیاله سوم یائین را با گفتن براخای «بوره پری هگفن» می‌نوشیم.

یاسرائیل در دوران بندگی مصر حمل شده‌اند».

קריאת = گورخ (پیچیدن لقمه) از سای زیری مقداری جدا کرده با داری کاهو یا سبزی تلخ گرفته هر دو هم در حلق فرو برده و جمله «مسا او رور» خوانده و می‌خوریم.

«این لقمه حاوی نان فطیر و بزی تلخ در حلق که شبیه گل است و نشانه کار سخت و گل‌مالی و شت‌زنی عبرانیان است. ضمناً نان لیر سمبل غریزه خوب و سبزی بخ در اینجا نشانه‌ای از نفس اماره است به تفسیری از فرمان خداوند. تورات آمده است קריאת לך. «خدا را با تمامی قلبت دوست دار و عبادت کن» به معنای آن که با ر دو غریزه خوب و بد می‌توان به بادت خدا پرداخت».

שולחן ערוך = شولحان غورخ (سفره سترده) شام را با شادی صرف می‌کنیم

اخسان نمونه قرن بیستم:

سال ۲۰۰۵ میلادی، سال جهانی فیزیک به نام آلبرت اینشتین



عظیم، همانگونه که اینشتین پیش‌بینی کرده بود واقعا باعث ایجاد خمیدگی در پرتو نور می‌شوند. به عقیده پروفیسور بورگن رن مدیر انستیتوی ماکس پلانک: «همین رویداد، اینشتین را به یک ستاره جهانی بدل کرد. این خبر، همه جا سرتیتر مطلب بود. اما این رویداد با یک پیش زمینه سیاسی نیز ارتباط داشت. این خبر مربوط به زمانی بود که آلمان مدت‌ها بود در انزوای سیاسی به سر می‌برد و توانایی یک دانشمند عالی‌رتبه آلمانی می‌توانست تا حدی موجب تغییر این موقعیت شود.»

آلبرت اینشتین به مثابه یک صلح‌دوست سرسخت رشد ایده‌های نازیسم در آلمان را محکوم کرد و به عنوان یک تبعیدی یهودی در آمریکا برای دفاع از حقوق سیاهپوستان تلاش نمود

بنابراین در سال ۱۹۱۹ اینشتین با امید رسیدن به تفاهم میان ملت‌ها، یک شبه مشهور شد. از او نقل می‌شود: «در حال حاضر هر درشکه‌چی و هر گارسنی در این باره بحث می‌کند که آیا فرضیه نسبیت صحیح است یا نه. این برای من مسخره به نظر می‌رسد که همه جا مردم هیجان‌زده درباره تئوری من بحث می‌کنند، یعنی موضوعی که این مردم یک کلمه آن را هم درک نمی‌کنند؟ من مطمئنم این، پدیده راز نفهمیدن است که آنها را جلب می‌کند.»

اگر چه آلبرت اینشتین این جنجال و هیاهوی دور و بر خود را بیش از اندازه می‌دید ولی اغلب از آن بهره می‌برد تا عموم مردم را برای آرمان‌های خود، تحت تأثیر قرار دهد، یعنی آرمان‌هایی همچون

سال ۲۰۰۵ میلادی در سراسر جهان از جمله در آلمان یاد آلبرت اینشتین را بسیار گرامی می‌دارند. زیرا امسال دو سالروز را باید جشن گرفت. در ۱۸ آوریل، پنجاهمین سالروز فوت این فیزیک‌دان نابغه و سی‌ام ژوئیه یکصدمین سالگرد ارائه نظریه نسبیت اینشتین می‌باشد. به همین مناسبت دانشمندان و سیاستمداران مسئول سال ۲۰۰۵ میلادی را رسماً سال اینشتین نامیدند.

آلبرت اینشتین یکی از مشهورترین پژوهشگران تاریخ است. او در سال ۱۹۰۵ یک رشته از کارهای تحقیقی خود را ارائه کرد که پایه‌های دانش آن زمان را به شدت به لرزه درآوردند. نظریه‌های انقلابی او درباره فضا و زمان، ارکان اساسی علم فیزیک شدند و زمینه علوم طبیعی جدید را فراهم کردند. اما محققان نابغه در قرن بیستم کم نبودند، با این وجود تصاویر کمتر کسی به کثرت این پروفیسور ژولیده مو که از سر شوخی، زبان دراز کرده خود را به نمایش می‌گذارد در گوشه و کنار جهان به چشم می‌خورند. اینشتین نخستین ستاره در زمینه علم بود که عموم مردم وی را می‌شناختند.

دیتر هوفمن یکی از کارکنان انستیتوی ماکس پلانک برای تاریخ علوم در برلین، در پی پاسخی برای این پرسش است که، اصولاً چطور شد اینشتین از این شهرت جهانی برخوردار گردید. او می‌گوید درخشش اینشتین، احتمالاً از ماه نوامبر سال ۱۹۱۹ آغاز شد، یعنی زمانی که تصاویر تهیه شده در یک سفر علمی، برای نظاره یک خورشیدگرفتگی در نزدیکی خط استوا نشان دادند که اجرام

صلح، آزادی و حقوق بشر، او به عنوان یک دموکرات معتقد از جمهوری وایمار در برابر دشمنانش دفاع کرد. به مثابه یک صلح‌دوست سرسخت رشد ایده‌های نازیسم در آلمان را محکوم کرد و به عنوان یک تبعیدی یهودی در آمریکا برای دفاع از حقوق سیاهپوستان تلاش کرد. پیش از همه کارهای دیگر، فعالیت‌های سیاسی اینشتین بود که باعث شد این برنده جایزه نوبل در زمان زندگی خود تنیر چهره‌ای افسانه‌ای شود.

به گفته رن: «طبیعتاً بمب اتمی و در این زمینه نامه او به روزولت یکی دیگر از موضوعات مهمی بود که به معروف شدن اینشتین دامن زد. مسلماً باید از تلاش‌های فراوان او در آمریکا برای مبارزه با سوءاستفاده از انرژی هسته‌ای به خاطر یک نظم مسالمت‌آمیز نام برد.» به دلیل اهمیت بسیار زیاد اینشتین، نشریه نیویورک تایمز به او لقب «انسان قرن بیستم» را داد.

پروفیسور رن در ادامه می‌افزاید: «هر فردی بایستی بتواند مسئولیت مسائلی را که به او ربط پیدا می‌کند برعهده بگیرد و



هر کسی باید از افقی گسترده برخوردار باشد. در مورد اینشتین این افق گسترده باعث شد که در تلاش‌های اجتماعی خود فعال باشد. این واقعیت را می‌توان به ویژه در دوره جنگ جهانی اول به خوبی مشاهده کرد. در آن زمان تقریباً تمامی همکاران او با شیفتگی در جنگ شرکت جستند اما او نه. و من معتقدم این هم نمونه‌ای است از این که هر فردی به سادگی می‌تواند همراه جریان اکثریت نشود بلکه همیشه و مکرراً در جست و جوی ابعاد آزادی‌های رفتار و رویه شخصی خود باشد.

متن زیر بیانیه‌ای است که آلبرت اینشتین در باب جنگ نوشته است و سیمای انسانی خود را در این نوشته کوتاه نشان داده است:

گفتاری از آلبرت اینشتین:

بی‌گمان اگر منابع و ذخایر جهان به درستی تقسیم می‌شد و ما نیز چون بردگان، اسیر دست نظریه‌ها و سنت‌های سرسخت اقتصادی نمی‌بودیم، هم پول و کار و هم مواد غذایی به اندازه کافی برای همه وجود می‌داشت. پیش از هر چیز اما، نباید اجازه دهیم که از اندیشه‌ها و تلاش‌های سازنده ما جلوگیری شود و از فعالیت‌هایمان در جهت تدارک جنگی جدید سوءاستفاده شود. من نیز همانند متفکر بزرگ آمریکایی، بنجامین فرانکلین بر این باورم که «هرگز جنگی خوب و صلحی بد وجود نداشته است». من نه تنها صلح‌طلبم، بلکه صلح‌طلبی مبارزه جویم که برای برقراری صلح با تمام وجود می‌جنگد. هیچ چیز قادر به از میان برداشتن جنگ نیست، مگر آن که انسان‌ها خود از رفتن به جبهه سر باز زنند. برای تحقق آرمان‌های بزرگ، نخست اقلیتی مبارز، تلاش و کوشش می‌کند. آیا بهتر نیست در راه صلح که به آن ایمان داریم رنج کشید تا در جنگ که به آن باوری نیست، نابود شد؟ هر جنگ حلقه‌ای

است که به زنجیر بدبختی بشر افزوده می‌شود و مانع رشد انسان می‌گردد. از این رو سربچی عده‌ای هر چند کم از شرکت در جنگ، می‌تواند نمایش‌گر اعتراض عمومی علیه آن باشد. توده‌های مردم، اگر در معرض تبلیغات مسموم قرار نگیرند، هرگز هوای جنگ در سر ندارند و باید به آنها در مقابل این تبلیغات مصونیت داد. باید فرزندان خود را در مقابل نظامی‌گری «واکسینه» کنیم، و این کار زمانی ممکن می‌گردد که آنان را با روح صلح‌طلبی تربیت کنیم. بدبختانه ملت‌ها با هدف‌های نادرست تربیت شده‌اند. در کتاب‌های درسی به جنگ ارجح می‌نهند و وحشت و خرابی‌های آن را نادیده می‌گیرند و از این طریق کینه‌توزی را به کودکان تلقین می‌کنند. من اما می‌خواهم آشتی پیاموزم نه نفرت، عشق پیاموزم نه جنگ.

کتاب‌های درسی از نو باید نوشته شوند تا بتوانند به جای دامن زدن به اختلافات قدیمی و ابدی ساختن پیشداوری‌های بی‌مورد، روح تازه‌ای در نظام آموزشی ما بدمند. تربیت از گهواره آغاز می‌شود و بر عهده مادران جهان است که کودکان خود را صلح‌خواه و صلح‌دوست تربیت کنند. البته ممکن نخواهد بود که غرایز جنگ‌طلبی را در محدوده یک نسل از میان برداشت، حتی

مطلوب نخواهد بود که این غریزه را به کل ریشه‌کن کرد. انسان‌ها باید همواره مبارزه کنند، اما مبارزه در راهی ارزشمند و نه در محدوده‌های موهوم و با تعصبات نژادی و با انگیزه زیادخواهی که بیشتر تحت لوای میهن دوستی صورت می‌گیرد. سلاح ما خرد ماست، نه توپ و تانک.

چه جهان زیبایی می‌توانستیم بسازیم، اگر تمام نیرویی که در یک جنگ به هدر می‌رود در خدمت سازندگی به کار می‌گرفتیم. یک دهم از نیروی تلف شده در جنگ جهانی اول و بخش کوچکی از ثروتی که برای تولید تسلیحات و گازهای سمی از میان رفت، کافی بود تا زندگی پایسته‌ای برای انسان‌های کشورهای درگیر جنگ فراهم آورد و از فاجعه گرسنگی و بیکاری جلوگیری کرد.

ما امروز به همان اندازه که برای جنگ ایثار و از خود گذشتگی نشان دادیم، باید در راه صلح نیز آماده فداکاری باشیم. هیچ چیز برای من مهم‌تر از مسئله صلح نیست. جز این، هر آن چه می‌گویم و هر آن چه انجام می‌دهم، قادر به تغییر ساخت جهان نیست. اما شاید ندای من بتواند در خدمت امری بزرگ قرار گیرد، ندایی که اتحاد انسان‌ها و صلح در جهان را فریاد می‌زند. ■

یهودیان لهستان

سیما مقتدر

نگاهی اجمالی به وضعیت یهودیان اروپای شرقی و لهستان

اولین مهاجرت یهودیان به لهستان هم‌زمان با شروع اولین جنگ صلیبی در سال ۱۰۹۶ میلادی برای اولین بار مهاجرت یهودیان به سمت اروپای شرقی آغاز شد. اولین مهاجرین از یوهم، آلمان و کشورهای جنوبی بودند. آنها در امتداد حوالی کراکاو به نام وایشسل و نیز قسمت شلسویگ استقرار یافته و بدون هرگونه محدودیتی مشغول به کشاورزی یا دیگر مشاغل شدند. گسترش یهودیت در این مناطق به حدی پیشرفت نمود که در منابع تاریخی نیز به آن اشاره شده است. به طور مثال می‌توان به وجود یک منطقه کاملاً یهودی نشین در پولتسک (۱۲۳۷ م.)، فعالیت یک انجمن در کالیز (۱۲۸۷ م.) و نام گذاری خیابانی به نام یهودیان در کراکاو (۱۳۳۰ م.) اشاره نمود.

وضعیت حقوقی یهودیان زیر نظر مستقیم و مساعد پادشاه مشخص می‌شد. یهودیان طی سال‌های ۱۱۳۸ تا ۱۲۰۲ میلادی تحت حکومت میسکو سوم، فرماندار لهستان بزرگ که بعدها به عنوان حاکم کل لهستان منصوب شد، از هر نظر پیشرفت نمودند. در سال ۱۲۶۴ فرماندار وقت با تصویب حق ویژه‌ای برای یهودیان، تجارت آزاد را برای آنها مجاز و آنها را به کشور خود دعوت نمود. لحاظ نمودن حق ویژه در سال ۱۳۳۴ میلادی در کل لهستان اجباری شد. پس از آن یهودیان از امتیازات ویژه‌ای برخوردار شدند و از نظر حقوقی تحت نظارت

مستقیم فرماندار بودند، در مراجع حقوقی شهرها با آنها برخورد نامناسب نمی‌شد، هرگونه آسیب رساندن به آنها شامل پرداخت جریمه می‌شد، متعلقات یهودیان از جمله عبادتگاه‌های آنها (کنیساها)، قبور و محل سکونت آنها مورد حفاظت قرار می‌گرفت، متهم نمودن آنها در به صلیب کشیدن حضرت مسیح ممنوع شد و آنها از هر جهت از آزادی کامل برخوردار شدند. بدین ترتیب یهودیان به

عنوان گروهی کاملاً مستقل و جدا از تقسیمات عمومی کشوری محسوب شدند. البته منشا اعطای حقوق ویژه مذکور تنها کشور لهستان نبود. بلکه تصمیم انسان دوستانه‌ای بود که در گذشته توسط پادشاه اتریش صورت گرفت و براساس آن اتهام، به صلیب کشیدن حضرت مسیح توسط یهودیان رد شد.

مشکلات اولیه

پیشرفت سریع یهودیان در حرفه‌های مختلف باعث ایجاد رقابت اقتصادی و اجتماعی میان آنها با جامعه اکثریت شد. این امر باعث بروز برخوردهای قدیمی و اتهامات متداول گذشته شد که گاه جریمه‌های سنگینی نیز به دنبال داشت. آغازگر این ناآرامی‌ها بعضی حکام بودند. در سال ۱۴۵۴ به دنبال حمایت یکی از



کودکان یهودی در گتو ورشو

راهبین و سخنرانی ضد یهودی او در تعدادی از شهرهای لهستان تظاهرات برگزار شد. این ناآرامی‌ها که در ابتدا جنبه اقتصادی داشت کم‌کم مبدل به مبارزه‌ای مذهبی و ضدیهودی شد، اما وضعیت حقوقی یهودیان به علت وضع قوانین ویژه‌ای که توسط حکام وضع شده بود از اهمیت خاصی برخوردار بود. اعطاء اختیار کامل به یهودیان در امور مربوط به خود، آنها را موظف به مدیریت کامل بر امور فرهنگی، آموزشی و حقوقی نمود.

قدیمی‌ترین نوع مدیریت کاملاً یهودی مربوط به سال ۱۵۱۵ میلادی در کراکاو می‌شود که از نظر ساختار شباهت بسیاری به نوع مشابه خود در شهرهای آلمان داشت. مدیریت امور به کارمندان افتخاری سپرده می‌شد، که بیشتر از افراد مسن، حاخام‌ها و یا افرادی که دارای مقام

بودلین سکنی گزیدند که البته ورود آنها به مرکز روسیه در آن زمان مجاز نبود. در این هنگام قانون اساسی روسیه که هیچ‌گاه دید مثبتی نسبت به یهودیان نداشت در حالی که آزادی فرهنگی را از آنها سلب نموده بود سعی در جذب یهودیان داشت.

تساوی حقوق

تغییرات اساسی و مفیدی طی سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۹ میلادی در مناطقی که توسط اتریش اشغال شده بود صورت گرفت. این تغییرات به مرور زمان به صورت قانونی درآمد. در نهایت در سال ۶۸-۱۸۶۷ میلادی برابری حقوق یهودیان اعلام شد. اما در ورشو تساوی حقوق وجود نداشت زیرا در قانون اساسی تنها این حقوق برای مسیحیان تعریف شده بود. در سال ۱۸۲۱ میلادی قوانین جدیدی وضع شد و حتی «قیام نوامبر» در سال ۳۱-۱۸۳۰ نیز تغییری در وضعیت حقوقی یهودیان ایجاد نکرد. مقامات دولتی از اجرای حقوق برابر برای یهودیان امتناع می‌ورزیدند و از اجرای آن نگران بودند. اما آنها از ۵ ژوئن ۱۸۶۲ به بعد به دنبال ارسال ابلاغی مجبور به اجرا رعایت حقوق یکسان شدند. این امر پیشرفت فرهنگی و سیاسی، تغییر در ساختار و اعتماد به نفس را برای یهودیان به همراه داشت.

دولت مدرن لهستان

دولت مدرن لهستان سال‌ها قبل از شروع فاجعه جنگ جهانی دوم دارای سه گروه اصلی از یهودیان بود:

- ۱- متعصبینی که در تلاش ایجاد یک فرهنگ واحد بودند.
 - ۲- گروه‌های صهیونیستی با دیدگاه‌های مختلف مذهبی.
 - ۳- گروه متمایل به چپ‌ها که با دو گروه دیگر در مبارزه بودند.
- بدین ترتیب رقابت میان طرفداران سه گروه وجود داشت و هر یک خواهان

شهرها، سکنه آنها در وحشت و نگرانی زندگی می‌کردند.

در سال ۱۶۴۸ میلادی مبارزه‌ای از اوکراین علیه حکومت لهستان آغاز شد. اما این مبارزه باعث ایجاد یک مقطع زمانی تلخ و فراموش نشدنی چه در تاریخ یهودیان لهستان و چه برای کشور لهستان شد. جنگ علیه اوکراین، روسیه، سوئد، ترکیه و دیگر مناطق طی سال‌های ۱۶۴۸ تا ۱۷۱۷ باعث از بین رفتن بسیاری از شهرها به ویژه مناطق زراعی شد. تعداد کشته‌شدگان طی این سال‌ها بالغ بر هفتصد هزار نفر تخمین زده شد که در این بین ۱۲۵۰۰۰ نفر یهودی بودند.

بدین ترتیب یهودیت در لهستان نه تنها از نظر اقتصادی پیشرفت ننمود بلکه از نظر اجتماعی نیز متوقف شد. اما پس از سال ۱۷۱۷ میلادی مجدداً جامعه یهودی لهستان رشد خود را آغاز نمود و گروه حصیدیم (بنیادگرایان یهودی) بنیان نهاده شد.

تقسیم لهستان

تقسیم لهستان از نظر سیاسی از قرن هجدهم میلادی آغاز شد و این امر باعث تقسیم یهودیت به سه قسمت مختلف شد. یهودیان ساکن پروس با جامعه اکثریت همگون شدند. اما یهودیانی که در بوکوانیا ساکن بودند مورد تحقیر قرار می‌گرفتند گرچه یهودیان هنوز مدیریت خود را داشتند اما با آنها مثل برده‌ها برخورد می‌شد. پادشاه وقت دستوری صادر نمود که براساس آن یهودیان در نامگذاری فرزندان خود اختیاری نداشته و به اجبار نامگذاری می‌شدند و اکثراً هم برای آنها نام‌های ناشایست و سبک برگزیده می‌شد. بدین ترتیب یهودیان این منطقه تازه پس از آغاز جنگ جهانی اول پای در مسیر آزادی نهادند.

بخش اصلی یهودیان لهستان در قسمت غربی روسیه، لیتوانی، اوکراین و

و منصب قضایی نیز بودند تشکیل می‌گردید. در صورت بروز اختلاف میان یهودیان و مسیحیان یک قاضی یهودی لهستانی موضوع را قضاوت می‌نمود. یهودیان نیز با توجه به محدودیت‌های موجود سعی در ایجاد منطقه‌ای کاملاً مخصوص به خود داشتند که در آن مسیحیان اجازه سکونت نداشته باشند. آنها در سال‌های ۱۵۶۸ و ۱۶۳۳ و ۱۶۴۵ میلادی موفق به ایجاد چنین مناطقی در لهستان شدند.

از سال ۱۵۳۰ میلادی مرجع داوری در لوبلین تشکیل یافت که به دعاوی میان یهودیان رسیدگی می‌نمود. پس از آن از سال ۱۵۴۴ آنها موظف به انجام خدمت وظیفه سربازی و از سال ۱۵۴۹ موظف به پرداخت مالیات شدند.

حدود سال ۷۹-۱۵۷۸ میلادی مدیریتی یهودی توسط پادشاه لهستان تشکیل شد. در راس این مجمع یک رئیس قرار داشت و علاوه بر آن یک عضو به نمایندگی رهبر کل مذهبی وقت، مسئول انتشارات دینی و یک مقام مسئول مالی منصوب شدند. این مجمع «وعد اربع اراخوت» ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ نامیده شد و از سال ۱۵۸۱ فعالیت خود را در لوبلین آغاز نمود و تا سال ۱۷۶۴ به امور یهودیان رسیدگی می‌نمود.

بدین ترتیب قرن شانزدهم حاکی از استواری انجمن‌های یهودیان، توان اقتصادی رو به افزایش یهودیان و توسعه مناسب استقلال به نحو مثبت بود.

قرن هفدهم

در این دوره گروهی از افراطیون مسیحی به نام «یزوییتن» برعلیه یهودیان فعالیت می‌کردند و در شهرهایی چون لوبلین باعث بروز حوادث خونباری برای انتقام خون حضرت مسیح شدند. علاوه بر آن به علت درگیری‌های شدید در اکثر

مدیریت مستقل و در عین حال ییدیش (فرهنگ و زبان یهودیان اروپای شرقی) بودند.

در اکثر خانواده‌های یهودی گرایش سیاسی دیده می‌شد اگر چه آنها همیشه به علت سرگرم بودن با مشکلات مربوط به حفظ حیات خود از سیاست دوری می‌گرفتند. در سال ۱۹۱۲ در کاتوویتز یک ارگان جهانی از سوی یهودیان معتقد و پای‌بند به کتاب مقدس به جهت اجرا و توضیح علایق مذهبی شکل گرفت. این ارگان در سال ۱۹۲۱ علاوه بر ایجاد امکان تحصیل کتاب مقدس، اعانات نیز برای مصارف مذهبی جمع‌آوری می‌کرد. به نظر می‌آمد همه چیز در لهستان در راستای حقوق یهودیان پیش می‌رود. تعداد بی‌شماری مراکز فرهنگی و انتشاراتی مختلف در شهرهای بزرگ تاسیس شد. علاوه بر آن یهودیان لهستانی در کنار رقبای روسی خود جزء موسیقی‌دانان مشهور به شمار می‌رفتند. از همه مهم‌تر، زبان ملی آنها یا همان ییدیش در روزنامه‌ها، کتب، تئاتر و حتی در فیلم‌ها جای ثابتی پیدا نمود.

در پی انقلاب اروپا طی سال‌های ۱۹۱۷-۱۹ که شامل اروپای مرکزی و شرقی می‌شد و یهودیان زیادی نیز در آن مشارکت داشتند، جمهوری مردمی لهستان پا گرفت که البته قادر به حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی نبود. اما با توجه به قانون اساسی کلیه سکنه‌اش فارغ از ملیت و مذهب خود از حقوق یکسانی برخوردار بودند. حکومت جوان لهستان و البته یهودیان ساکن در آن در فاصله زمانی دو جنگ جهانی در موقعیت سختی قرار داشتند. به ویژه در جنگ جهانی اول و جنگ‌های پس از آن یهودیان زیادی در لهستان، لیتوانی، پودولین و اوکراین دچار فقر مالی شدند. به حدی که در زیر نقطه فقر زندگی می‌کردند و تنها وابسته به

کمک‌های انسان‌دوستانه سازمان‌های خیریه امریکایی-یهودی بودند.

آنها به تدریج متوجه افزایش فشار محیط شدند. موج کشتار یهودیان و حمله به آنها توسط مسیحیان آنها را وادار به ترک موطن نمود. تعداد کثیری از آنها به سوی اروپای غربی، امریکای شمالی و یا جنوبی و البته فلسطین مهاجرت نمودند. وضعیت اقتصادی، بیکاری و جو ضدیهودی میان سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۷ باعث مهاجرت بیش از ۴۰۰۰۰۰ یهودی به سوی اروپای مرکزی، و فلسطین شد. سرشماری سال ۱۹۳۱ در لهستان خبر از جمعیت ۳۲ میلیونی می‌داد که ده درصد آنها یهودی بودند. ۴۲ درصد از این جمعیت کوچک از طریق کار در کارخانجات، معادن، ۳۶ درصد از راه تجارت و ۲۰ درصد از طریق شغل‌های سطح بالایی چون طبابت، وکالت و یا آموزش امرار معاش می‌نمودند. البته در این مقطع زمانی آمار بیکاری بسیار بالا بود، اما با آغاز جنگ جهانی دوم و تسلط آرام حکومت هیتلر بر سرنوشت ملت لهستان مهر سکوت بر لبان یهودیان زده شد.

نابودی

در سال ۱۹۳۱ حدود ۷۶/۵ درصد یهودیان لهستانی در شهرها، ۴۵/۱ درصد این عده در کارخانجات و ۳۸/۲ درصد در معاملات و امور بیمه اشتغال داشتند و بیش از یک سوم یهودیان اروپا در سال ۱۹۳۷ در لهستان سکونت داشتند.

با حمله سربازهای نازی در سال ۱۹۳۹ به لهستان تلاشی یهودیت در اروپای شرقی آغاز شد. حدود بیست هزار یهودی در «قیام پیتامیر» کشته شدند. یهودیان از سال ۱۹۴۰ در گتو مجوس شدند و از سال ۱۹۴۱ به فرمان رایش از گتو به بازداشتگاه‌های مرگ منتقل شدند. در سال ۱۹۴۱ اولین بازداشتگاه مرگ در

«شلمنو» بنا شد. یهودیان به دستور حکومت آلمان از کل اروپا به بازداشتگاه‌ها منتقل و گروه زیادی از آنها به قتل رسیدند.

این نابودی تنها به یهودیت محدود نمی‌شد بلکه کولی‌ها، اسلاوها با هزار بهانه دیگر انسان‌ها را به نابودی می‌کشاندند. نابودی دنیای حصیدیم و زندگی سستی یهودیان را نیز به دنبال داشت که طی قرن‌ها در شهرهای مختلف شکل گرفته بود. در این شرایط هیچگونه تحلیل و یا تفکر و منطقی پاسخگو نبود. وجود قتل‌گاه‌هایی چون آشویتس، مایدانک، ترزین اشتاد، داخاو و اماکن مشابه قابل درک نبود، بشریت ناظر ظهور غول فاشیسم بود.

آیا تنها دلیل برای وجود چنین قتل‌گاه‌هایی و کشتن انسان‌ها در یهودی بودن یا کولی بودن آنها خلاصه می‌شد؟ به این سؤال پاسخی به جز جنون قدرت شیطانی و نژادپرستی نمی‌توان داد.

وضعیت فعلی

پس از هولوکاست، یافتن کوچک‌ترین اثری از یهودیت برای بازسازی مجدد آن در لهستان ناممکن بود. تعداد قلیلی از یهودیان لهستانی به جای مانده از جنگ بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۷ به اسرائیل مهاجرت کردند. وجود حکومت کمونیستی، کلیسای کاتولیک و جامعه لهستان دلانلی بودند که یهودیان را به مهاجرت تشویق نمودند.

در حال حاضر لهستان حدود ده هزار یهودی با جمعیت رو به افزایش دارد که اکثر آنها در ورشو و کاراکاوا ساکن هستند. علاوه بر آن هفته نامه ای به زبان ییدیش-لهستانی و فصلنامه ای به زبان ییدیش و خبرنگار ای مربوط به موسسه تاریخ یهودیت در ورشو منتشر می‌شود. ■

اسناد گنیزا

مروری بر اسناد جوامع یهودی مدیترانه و پژوهش‌های مبتنی بر آن

افسانه منفرد



یک نمونه از اسناد گنیزا

واژه گنج فارسی از یک ریشه است. در عبری توراتی جدید به صورت گنز به معنای گنج (ج: گنازیم، جنزیه) آمده است، اسم فعل گنیزا به معنی انبار کردن چیزی که دیگر از آن استفاده نمی‌شود و با کلمه بیت و به معنی انباری خانه به کار می‌رفت. در متون تلمودی نیز گنیزا به محلی گفته شده که تمام انواع نوشته‌های مقدس که دیگر مورد استفاده نبود، در آن نگاهداری می‌شد.

مسلمانان، مسیحیان و یهودیان معتقد بوده‌اند که نوشته‌های دربردارنده نام خداوند نباید از بین برود و یا پراکنده شود، اما به نظر می‌رسد تنها یهودیت این بینش زهدآمیز را به نهادی رسمی تبدیل کرد. کتاب‌های مقدس و دعا و نیز تمام نوشته‌های به الفبای عبری که دیگر مورد استفاده نبود، در اتاق‌هایی به نام گنیزا در کنیساها نگاهداری می‌شد. هنگامی که مقدار این متون بسیار می‌شد، می‌بایست آن را به گورستان ببرند و در یک مراسم رسمی مانند جنازه انسان دفن کنند.

معروف‌ترین گنیزا که به سبب اهمیت و شهرتش این واژه به آن اطلاق شد، گنیزا قاهره یا دقیق‌تر گنیزا کنیسه عزرا در گنیزای کنیسه عزرا فسطاط قاهره است. کنیسه عزرا حدود سال ۲۶۹ ق / ۸۸۲ م. بر ویرانه‌های کلیسایی که به یکی از دو گروه بزرگ یهودی فسطاط، یعنی یهودیان حاخامی فلسطینی فروخته شده بود، بنا گردید و تا سال ۱۹۷۰ م. پابرجا بود. این کنیسه برای آخرین بار در ۱۸۹۰ م. مرمت

اسناد گنیزا مدارکی است اصیل و دربردارنده اطلاعات دست اول و بدون جهت‌گیری خاصی که پژوهش‌گر به هنگام تألیف اثر خود بدان تحمیل کرده باشد. مجموعه اسناد غالباً در برخورد با امور روزمره زندگی به صورت نامه‌های اداری و حقوقی و مکاتبات خصوصی پدید می‌آید و به نحوی بی‌واسطه آینده تحولات اجتماعی زمان خود است. تاریخ‌نگاری عمدتاً و به طور سستی در تألیف وقایع‌نگاری‌ها، شرح مفصل احوال سلاطین، امیران و دیگر دولتمردان رخ نموده است و کمتر مورخی به طور خاص به نگارش آن چه امروز تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نامیده می‌شود، به ویژه برپایه اسناد، دست یازیده است. شاید یکی از علل این نقیصه باقی نماندن آرشیوهای غنی مدارک به ویژه از سده‌های نخستین دوران اسلامی باشد. یکی از معدود مواردی که مجموعه‌ای دست نخورده و سرشار از اطلاعات سودمند برجامانده و به دست پژوهشگران معاصر در تاریخ جوامع خاورمیانه و مسلمان در قرون اولیه و میانه رسیده است. اسناد گنیزای مصر است. این نوشته می‌کوشد ضمن معرفی و بیان مختصری از تاریخچه این مجموعه نفیس، برخی آثار منتشر شده براساس این سندها را به پژوهشگران تاریخ جوامع اسلامی معرفی کند.

گنیزا در لغت عبری به معنای مخفی و انبار کردن و نگاهداری است. این واژه با

شد اما به اتاق زیرشیروانی آن که همان محل گنیزا بود، دست نزدند. این اتاق در انتهای تالار زنان و بدون پنجره بود و تنها راه ورود به آن از طریق نردبانی بود که به سوراخی در کف اتاق منتهی می‌شد. در این اتاق صدها هزار برگه سند در طول قرن‌ها گردآمده بود که برخلاف روش معمول برای دفن به گورستان برده نشده بود.

سبب این سرنوشت استثنایی را باید در موقعیت تاریخی ویژه یهودیان مصر در نیمه اول قرن پنجم هجری / ابتدای سده یازدهم میلادی جست‌وجو کرد. این روزگار شاهد تعقیب و سخت‌گیری حاکم بامرالله، خلیفه فاطمی (۳۸۶-۴۱۱ ق / ۹۹۶-۱۰۲۰ م) نسبت به یهودیان بود.

در این ایام چندین بار مراسم تشییع جنازه اهل ذمه برهم زده شد. از جمله در ۴۹۵ ق / ۱۱۰۱ م. و گرچه بعدها خلفای



یک کتاب یافته شده در اسناد گنیزا

آوردند و نظر سالومون شچتر محقق یهودی را به آنها جلب کردند.

شچتر در همان سال به قاهره سفر کرد و به زحمت موفق شد صدهزار صفحه از اسناد را از قاهره به کمبریج بیاورد که به مجموعه تیلور - شچتر معروف شد.

جز این، صد هزار برگ نیز به طور پراکنده به کتابخانه‌های دیگر جهان در پاریس، بوداپست و فرانکفورت رسید (د. اسلام، ج ۲، ص ۹۸۷).

از اوائل سده بیستم کارهای پژوهشی درباره این اسناد به شکل کتاب و مقاله پدیدار گشت. از جمله (گنیزا شچتر) در سه جلد (۱۹۲۸)، (گنیزا قاهره) در دو جلد از کاله. در ۱۹۶۴ نیز پژوهشگر نامی دیگر شانول شاکد کتاب‌شناسی آزمایشی اسناد گنیزا را در پاریس منتشر ساخت که همراه با ترجمه انگلیسی و فرانسوی برخی از اسناد گنیزا بود.

در دهه هفتاد میلادی کار بر روی اسناد و انتشار آثاری درباره آن به صورت جدی‌تر ادامه یافت.

گویتین در ۱۳۵۲ ش / ۱۹۷۳ م. در اثری با عنوان (نامه‌هایی از تجار یهودی در قرون وسطی) اسناد دیگری از گنیزا را مطالعه و بررسی کرد.

سه سال بعد در ۱۹۷۶ م. موشه گیل اسناد نهادهای وقفی یهودیان از گنیزا قاهره را در لیدن منتشر کرد. همین پژوهشگر در ۱۹۸۱ م. اثری به نام شوشتری‌ها: خانواده و فرقه در تل آویو منتشر کرد که از حیث مطالعات ایران‌شناسی نیز حائز اهمیت است زیرا به مطالعه خانواده‌هایی می‌پردازد که ایرانی‌الاصل - اهوازی و شوشتری بوده‌اند و از حدود قرن پنجم ق / یازدهم م. به بعد به مصر مهاجرت کردند و به یکی از خاندان‌های بزرگ بازرگانان در قرون وسطی در دریای مدیترانه تبدیل شدند.

بندگان و بخشی از قراردادهای ازدواج یا برخی از نامه‌های شخصی یهودیان، برای مثال هنگامی که پدری برای جویا شدن از وضع تحصیلی پسرش به استاد او نامه می‌نوید و نمی‌خواهد فرزندش دریابد که او چه نوشته است افزون بر این، چون انتقال اموال غیرمنقول یهودیان، به ویژه هنگام پایان ازدواج در پی مرگ همسر یا طلاق، باید در برابر دادگاه یهودیان صورت می‌گرفت و سپس این نوع معاملات را محضرداری مسلمان صحه می‌گذاشت تا اطمینان حاصل شود که مالیات‌ها به تمامی پرداخت شده است. اسناد بسیاری نیز درباره ملک و مسکن باقی مانده است، حتی درباره انتقال ملک از مسلمانی به مسلمان دیگر در مواردی که این ملک بعدها به فردی یهودی فروخته می‌شد.

اطلاعات درباره گنیزا قاهره به آهستگی به غرب رسید. اولین مسافر و دیدارکننده آن در دوره جدید سیمون وان گلدرن، عموی هاینریش هانیه، در ۱۱۶۶ ق / ۱۷۵۲ م. بود که هنگام سفر به مصر از آن دیدن کرد. تقریباً سده بعد آبراهام فرکوویچ دلالی که اسناد بسیاری از یهودیان شرق را به کتابخانه سلطنتی روسیه فروخته، احتمالاً از آن دیدار کرده بود، زیرا در میان اسنادی که به کتابخانه سلطنتی فروخته بود، مکتوباتی از گنیزا نیز دیده می‌شد. در ۱۸۶۴ م. جهانگردی موسوم به «یعقوب سفر» کوشید به گنیزا راه یابد. اما نتوانست اسناد مهمی به دست آورد. از اواخر سده نوزدهم افراد محلی فروش اسناد گنیزا را آغاز کردند. در ۱۳۰۹ ق / ۱۸۹۱ م. سایروس آدلر بخش کوچکی از این اسناد را خرید و به آمریکا برد. مقارن این سال‌ها چستر وسایس نزدیک به ۲۶۰۰ قطعه از اسناد گنیزا را به کتابخانه بودلیان در آکسفورد بردند. در ۱۳۱۴ ق / ۱۸۹۶ م. لویس وگیسون تعدادی از اسناد گنیزا را به کمبریج

فاطمی آزادی بیشتر و اجازه تأسیس کتیبه‌های تازه‌ای دادند، اما بزرگان یهود که از تکرار حوادث گذشته بیم داشتند، تصمیم گرفتند حمل اسناد برای دفن را متوقف کنند. بدین ترتیب مجموعه اسناد گنیزا فسطاط باقی ماند. بیشتر این اسناد به سده‌های ششم و هفتم هجری / دوازدهم و سیزدهم میلادی مربوط است اما اسناد اندکی نیز از سده‌های پیشتر در میان آنها یافت می‌شود.

از نظر فیزیکی، نوشته‌ها بر روی پاپیروس، پوست گوساله، کاغذ و نوعی کاغذ خاص موسوم به رق است. کاغذ اسناد قدیم‌تر سنگین و قهوه‌ای و کاغذهای دوران متأخرتر نازک‌تر و روشن‌تر است.

این اسناد درباره کسب و کار، اوضاع اجتماعی، فرهنگی، دینی و سیاسی یهودیان در مصر و سرزمین‌های دیگری چون اسپانیا، مغرب، هندوستان، لبنان و سوریه است.

بخش بزرگی از اسناد به زبان عربی و به خط عبری است از جمله نامه‌های تجاری و خانوادگی، وقف‌نامه‌ها، اسناد مربوط به منازعات ملکی و دیگر اسناد حقوقی. با این همه اسنادی به زبان و خط عبری نیز در این مجموعه بسیار است. برای نمونه اسناد مربوط به آزاد کردن



جمع‌آوری و تفکیک اسناد گنیزا

دست‌نوشته‌های پزشکی

و فراپزشکی در مجموعه گنیزا کمبریج در ۱۹۹۴ منتشر شد. او همچنین اندکی قبل از مرگ تألیف اثری درباره اسناد مربوط به کشاورزی و علوم اسلامی در گنیزا را به انجام رساند (ساکد، ص ۶۱۵).

در همین سال پیت شافر و شانول شاکد متون جادوگری مجموعه گنیزا را تحت عنوان متون جادوگری گنیزا قاهره در توپینگن به آلمانی منتشر کردند دست‌نوشته‌های عبری در کتابخانه دانشگاه کمبریج اثر استفن ریف در ۱۹۹۷ در کمبریج به چاپ رسید که در آن به هزاران عنوان از اسناد گنیزا نیز اشاره شده است.

اسناد گنیزا در پژوهش‌های مربوط به تاریخ هنر و صنعت نیز موجد آثار تحقیقاتی بوده است، همچون مقاله گویتین با عنوان «صنایع اصلی حوزه مدیترانه آن چنان که در گزارش‌های گنیزا قاهره منعکس است» در مجله تاریخ اقتصادی و اجتماعی شرق و سفالگری در منابع نوشتاری دوره ایوبیان و ممالیک نوشته مارکوس میلرایت که در ۱۹۹۹ در لندن منتشر شد. ■

برخی جنبه‌های تجارت ایرانیان را بین مصر و آسیای صغیر مطرح می‌کند. این نامه در مطالعات شرقی به یادبود د. ه. بنت (اورشلیم ۱۹۷۹) به چاپ رسیده است. مجموعه مقالات این کتاب به دیوید بنت اهدا شده که خود از پژوهشگران در زبان و ویژگی‌های نحوی عربی یهودیان براساس اسناد گنیزا بود. دهه نود میلادی نیز شاهد آثار پژوهشی دیگری براساس اسناد گنیزا بوده است در ۱۹۹۳ م. اثری با عنوان اسناد حقوقی و اداری عربی در مجموعه گنیزا کمبریج به کوشش جفری کاهن منتشر شد.

این کتاب ۱۵۹ متن از اسناد گنیزا، ۶۹ سند قانونی و ۹۰ سند دیوانی، را دربرمی‌گیرد. هسکل ایساکس ترجمه انگلیسی اسناد و فهرست‌های مفصلی بدان افزود. این اسناد نفوذ شخصیت‌های حقوقدان مصری در دوره فاطمیان از جمله طحاوی، صاحب کتاب الشروط الکبیر، را بر نحوه تدوین سندها نشان می‌دهد.

فهرستی از متون پزشکی گنیزا به کوشش هسکل ایساکس با عنوان

اثر ارزشمند دیگری با عنوان ازدواج یهودیان در فلسطین مطالعه‌ای در اسناد گنیزا قاهره به کوشش مردخای فریدمن در ۱۹۸۰-۱۹۸۱ م. در نیویورک به چاپ رسید. در همین دهه گزیده‌ای از قطعات ادبی مجموعه گنیزا به کوشش سیمون هاپکینز که خود عضو تیم پژوهش بر روی اسناد گنیزا بود منتشر کرد.

اما بی‌تردید بزرگترین اثر پژوهشی درباره اسناد گنیزا، اثر عظیم و حجیم گویتین است با عنوان یک جامعه مدیترانه‌ای: اجتماعات یهودی جهان عرب بدان گونه که در گنیزا قاهره تصویر شده است. این کتاب نخست در دو جلد مشتمل بر پژوهشی عمومی درباره این اسناد همراه با مجلدی دربرگیرنده ترجمه گزیده‌ای از اسناد با عنوان خواندنی‌هایی درباره تاریخ اجتماعی مدیترانه به چاپ رسید. جلد چهارم نیز با عنوان (زندگی روزانه) در ۱۹۸۳ منتشر شد.

مجلدات پنجم و ششم را نیز گویتین اندکی پیش از مرگش در پنجم فوریه ۱۹۸۵، به چاپ سپرد. این اثر گرانقدر پژوهشی سترگ درباره معیشت، خانواده و زندگی روزانه مردمان در قرون وسطی در سواحل مدیترانه است و در اصل برای سه جلد طرح‌ریزی شده بود. تحقیقات گویتین درباره یهودیان قرون وسطی براساس این اسناد حقایق جدیدی را درباره جنگ‌های صلیبی نیز آشکار ساخت. در این کتاب نیز اشاراتی به تاریخ ایران یافت می‌شود از جمله هنگام طرح اسناد تجارت مدیترانه‌ای با هند از طریق مصر، شرق آفریقا و جنوب عربستان نکاتی را درباره تمهیدات جنگی حکام کیش برای گسترش نفوذ بر مسیر اقیانوس هند مطرح می‌سازد.

اثر دیگری که به لحاظ مطالعات ایران‌شناسی مهم است مقاله شانول شاکد درباره نوشته‌های فارسی به خط عربی در گنیزا است، از جمله نامه‌ای که

گزارش سفر اروگوئه

ماهیار کهن‌باش



امسال سه نفر از جوانان کلیمی تهران: نغمه عاقل - الهام آبائی - ماهیار کهن‌باش از ۱۸ تا ۲۸ آبان ماه سال ۱۳۸۳ در چهاردهمین همایش پاسداشت فرهنگ یهود در مونتو ویدئو پایتخت کشور اروگوئه شرکت نمودند. یادداشت زیر برداشت ماهیار کهن‌باش از شرکت در این جلسات است:

اروگوئه کشور آرامی است با حدود سه میلیون جمعیت و بیش از ده هزار نفر یهودی که عموماً در شهر مونتو ویدئو زندگی می‌کنند

- هتل محل اقامت من و هیئت ایرانی تقریباً در نیمه شمالی شهر است... برخورد مسئولین و حتی خدمه هتل صمیمانه‌تر از آن است که فکرش را می‌کردی.

- یهودی در زبان اسپانیایی «خودیو» تلفظ می‌شود (اسپانیایی زبان جالبی است، «J» را «خ» تلفظ می‌کنند، «H» را تلفظ نمی‌کنند و دو تا «L» کنار هم را «ژ» تلفظ می‌کنند)، اما مردم اروگوئه به هموطنان یهودی خود «ایزرائیلیت» (منسوب به بنی‌اسرائیل) می‌گویند. کنیساها و مراکز یهودی مونتو ویدئو - که تعدادشان هم کم نیست - تحت شدیدترین تدابیر امنیتی هستند. چند محافظ مسلح (شامل پلیس اوروگوئه)، دوربین‌های مدار بسته، بلوک‌های سیمانی (برای متوقف کردن وسایل نقلیه) و وسایلی از این دست، از جمله این تدابیر هستند. با وجود این اوضاع، جمعیت ۱۰ هزار نفری یهودیان مونتو ویدئو مشکل خاصی ندارند و با آن که تقریباً همگی مهاجرینی هستند که در خلال سال‌های جنگ دوم جهانی از کشورهای مختلف اروپایی (خصوصاً اروپای شرقی) و بعضی کشورهای آسیایی (مثل سوریه و عراق) به این سرزمین کوچ کرده‌اند، آنقدر در فرهنگ اسپانیایی آمریکای لاتین حل شده‌اند که با هموطنان خود به شکل مسالمت‌آمیز و بی‌دردسری زندگی می‌کنند. تقریباً هیچ یک از یهودیان اروگوئه اصلیت اروگوئه‌ای ندارند و نهایتاً ۸۰-۷۰ سال

با یک لبخند مهربان بروز می‌دهد و می‌پرسد: «باز هم از این اشتراکات با مسلمانان داریم؟» با خرسندی به او جواب می‌دهم. من به این فکر می‌کنم که حتی بعضی شوخی‌های ایرانی‌ها و اروگوئه‌ای‌ها، ترجمه تحت‌اللفظی یکدیگرند. شباهت این دو فرهنگ به هم زیاد است، زیادتر از بعد مسافت اوروگوئه از سرزمینی که مردم اینجا با احترام به آن می‌گویند:

«Persia, beginning of the world»

«ایران در نظر این مردم ابتدای دنیاست».

سینمای ایران و مدال‌آوران ورزشی ایران، بیشتر از رازی و خوارزمی و حافظ و بیشتر از اعلامیه حقوق بشر کوروش، برای تو مایه فخر و مباهات است... مردم اکثر کشورهای جهان از سینمای ایران با احترام یاد می‌کنند و آن را شاید بهتر از تو می‌شناسند، و تو تعجب می‌کنی وقتی به دختر جوانی در «Old city» (بخش تاریخی مونتو ویدئو در کنار میدان استقلال) برمی‌خوری که از فروش محصولات ظریف چرمی که خود می‌سازد گذران زندگی می‌کند و اولین چیزی که به ذهنش درباره ایران خطور می‌کند، نام چندین فیلم سینمایی است... و البته بیش از آن که تعجب کنی خوشحال می‌شوی و در ذهنت به «مخملیاف»، «کیارستمی»، «مجیدی»، «مهرجویی» و «شهید ثالث» درود می‌فرستی.

- همایش آغاز می‌شود، در دهکده «کولونیا سوئیژائو» نزدیک شهر کوچک و تاریخی «کولونیا»، «کولونیا سوئیژائو» به معنای «کولونیای» سوئیسی‌هاست (که ظاهراً مدت‌ها محل اقامت سوئیسی‌ها بوده است) و در کنار شهر اصلی «کولونیا»، یکی از زیباترین و دیدنی‌ترین مناطق کشور اروگوئه است.

است که در این سرزمین ساکنند. یاد می‌آید در جواب سؤال مسئول یکی از سازمان‌های یهودی مونتو ویدئو که از من پرسید: خانواده شما چند سال است که در ایران زندگی می‌کنند؟ گفتم: تقریباً ۲۵۰۰ سال! (بعدها فهمیدم که این سؤال بین یهودیان سرتاسر جهان خیلی معمول است و تنها برای بعضی از یهودیان اسرائیلی و همه یهودیان ایرانی تازگی دارد).

چند روز مانده به شروع همایش ... یک تور یک روزه در مونتو ویدئو به همراه شرکت‌کنندگان اروگوئه‌ای، روسی و بلغاری که مثل ما چند روز زودتر به اروگوئه آمده‌اند ترتیب داده شده بود. با مشاهده میدان استقلال و مجسمه «آرتیگاس» (قهرمان ملی و بانی استقلال اروگوئه از اسپانیا در اوایل قرن نوزدهم) که قدیمی‌ترین و دیدنی‌ترین جای این شهر است، به همراه یک گشت و خرید کوچک در فروشگاه‌هایی که دارای بهترین مصنوعات چرمی جهان است روز خوشی را گذرانیدیم.

کمی که جلوتر می‌روم می‌فهمم مونتو ویدئو شهر مجسمه‌هاست و من بی‌جهت با دیدن چند مجسمه «جو زده» شده بودم! در هر پارک و هر میدان این شهر چندین مجسمه بسیار زیبا وجود دارد که هر کدام از آنها را اگر در یکی از میادین تهران نصب بودند، آن میدان تبدیل به یک جای دیدنی می‌شد. به دوست اروگوئه‌ای‌ام می‌گویم: «در کشور ما هنر مجسمه‌سازی آن چنان رواج ندارد، چون تمدن اسلامی میانه خوبی با مجسمه‌سازی نداشته، مثل تمدن یهودی» مثل این که برای اولین بار است از یک «اشتراک» میان تمدن اسلامی و یهودی می‌شنود «دبورا» تعجبش را



- این نشست با سخنان «مری هوخام» رئیس سازمان «ناهوم گلدمن» که برگزارکننده چهاردهمین نشست جهانی پاسداشت فرهنگ یهود است آغاز می‌شود: «به همه شما خیرمقدم می‌گویم، خصوصا هیئت ایرانی که با همه مشکلات موجود در اخذ ویزا در کنار ما هستید». با این جمله پیرمرد دوست‌داشتنی، نزدیک به ۵۰ جفت چشم به طرف تو می‌چرخند، و از آن لحظه می‌فهمی که زیر دره‌بینی.

- تصور دیدن یهودی کلمبیایی، مکزیکی و یا بولیویایی همیشه دور از ذهن بوده، ولی امروز آن قدر به آنها نزدیک شده‌ای که در ساعت‌های آخر شب کنار شومینه می‌نشینی و شوخی‌های معروف ایرانی و اسپانیایی را رد و بدل می‌کنی. اسپانیایی‌زبان‌های همایش که از کشورهای اسپانیا، مکزیک، بولیوی، کلمبیا، ونزوئلا، آرژانتین، شیلی و اروگوئه در نشست شرکت کرده‌اند، خوش‌مشرب‌ترین افراد حاضر در جمع هستند. رفتار و برخورد آنها واقعا شبیه ما ایرانی‌هاست، خصوصا وقتی در حین یک سخنرانی جدی مثل «پست صهیونیسم» با یک سؤال بی‌مورد سالن را از خنده منفجر می‌کنند و تو را به یاد روزهای دبیرستان می‌اندازد. تازه می‌فهمی خوش‌اخلاقی و صمیمیتی که از مردم اروگوئه دیده‌ای، ویژگی بارز اکثر مردمان آمریکای لاتین است. به همین خاطر با آنها راحت هم‌زبان می‌شوی و در مسیر بحث به دنبال اشتراکاتی می‌گردی که فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسپانیایی آمریکای لاتین را با یک زنجیر نامرئی به هم متصل کرده است و به یک اشتراک مهم می‌رسی که قابل تصور است.

مراسم شبات (شنبه) همانقدر که به شبات‌های ایرانی شباهت دارد، با شبات‌های ایرانی متفاوت است. همه سعی دارند تاکید کنند که شبات یک «جشن» مذهبی است، نه یک مراسم خشک. طبق معمول سایر تفریلاها، زمان برگزاری مراسم - خصوصا مدت زمانی که صرف روخوانی متون مذهبی می‌شود - تقریبا نصف زمانی است که در ایران، صرف برگزاری مراسم شبات می‌گردد. همه به هم «شبات شالوم» می‌گویم، می‌خندیم، آواز می‌خوانیم و با تاثیر از سنت‌های یهودیت در دو گروه و جداگانه زنانه و مردانه می‌رقصیم. تعداد زیاد و طولانی بودن زمان سرودهای دسته‌جمعی، کم‌کم بعضی‌ها را - از جمله خود من - خسته کرده است.

- در کارگاه هنر یهودی نشست‌ها. بحث بر سر تاثیرات متقابل هنر یهودی و هنر اسلامی است که من احساس می‌کنم زرنک‌ترین شاگرد کلاس‌م. برایشان توضیح می‌دهم که «قبله» چه فرقی با «محراب» دارد و سعی می‌کنم تلفظ صحیح این کلمات را به بچه‌ها یاد بدهم. معانی لغات «سوره» و «آیه» را هم برایشان تشریح می‌کنم... اما اوج کار آن جایی است که برایشان چند جمله عربی می‌خوانم و توضیح می‌دهم که این آیات با فونت کوفی یا ثلث نگارش شده. اطلاعات اسلامی من، در مقایسه با دیگران، آن قدر زیاد است که هنگام صحبت کردن من بچه‌های کارگاه ۷-۸ نفره ما سکوت می‌کنند تا با قیافه‌هایی متعجب و کنجکاو نگاهم کنند.

- آخر شب در یک گروه ۱۰ نفره دور هم جمع شدیم تا در مورد تجارب «یهودستیزی» در کشورهايمان تبادل نظر کنیم. هم برای من و هم برای بقیه باورنکردنی بود: من تقریبا هیچ حرفی برای گفتن نداشتم. حتی در مقایسه با یهودیان آمریکایی همان جا فهمیدم که ایران امن‌ترین جای جهان برای زندگی یهودیان است: نه بمبی، نه حمله‌ای، و نه سازمان و یا حزب فاشیستی، نه دستگاه‌های فلزیاب در ورودی کنیساها. خیلی به خود فشار آوردم تا موردی پیدا کنم که هم برای خالی نبودن عریضه مناسب باشد و هم مصداق «یهود ستیزی» در ایران امروز باشد. بعضی مقالاتی که گاه به گاه در نشریات و در مورد یهودیان چاپ شده و می‌شود به عنوان یک فعالیت «انتی سمیتیستی» در ایران، همین در ذهن می‌آید.

- مراسم اختتامیه: در طی این ۱۰ روز عملکرد هیئت ایرانی آن قدر مثبت بوده است که روز قبل از من دعوت می‌کنند تا در این مراسم چند کلمه‌ای حرف بزنم. خوشحال می‌شوم و یک متن کوتاه می‌نویسم تا در آن از مهمان‌نوازی مردم صمیمی آمریکای لاتین تشکر کنم و به آنها بگویم «مارکز»، «پائولو نرودا»، «خورخه لوئیس بورخس»، «پائولو کوئیلو»، «کارلوس مونتنس» و چندین و چند شخصیت دیگر این سرزمین، چقدر محبوب ایرانی‌ها هستند. توضیح می‌دهم به آنها بگویم که ایرانیان یهودی، ساکنان جزیره تبعیدی‌ها نیستند و یگانه سرزمین و وطنشان را «ایران» می‌دانند حتی اگر پاسپورت آمریکایی یا اسرائیلی داشته باشند و می‌خواهم به آنها بگویم که فرهنگ و تمدن یهودی باید دین و وظیفه خود را به عنوان بخشی از جامعه بشری نسبت به حل معضلات امروزه بشر، یعنی فقر، جنگ، تروریسم و ... ادا کند. متن نوشته شده را به کمک دوست استرالیایی‌ام از انگلیسی ایرانی (!) به انگلیسی استرالیایی ترجمه می‌کنیم.

- همایش تمام شده و تو باید با سرزمینی خداحافظی کنی که کوله‌باری از خاطرات شیرین را سوغات سفرت کرده، خاطراتی که با تجربه زندگی ۱۰ روزه با مردمان ۲۵ کشور دنیا عجین شده تا به تو گوشزد کند باز هم سفر کنی و باز هم بشناسی که «شناخت، سراغاز آگاهی است».

چگونه شیر مادرم حلالم شد...؟



قدم می‌زد تا زندانیان و ملاقاتی‌ها حرف‌های ممنوعی را بین خود رد و بدل نکنند، قیل و قال و فریاد طرفین به قدری زیاد بود که زندانی‌ها و خانواده‌های آنها معمولاً حرف‌های همدیگر را نمی‌شنیدند، از یک طرف زندانی‌ها و از طرف دیگر خانواده‌ها همه با هم فریاد می‌زدند تا شاید بتوانند صدای خود را به گوش طرف مقابل برسانند و همین موضوع سروصداها را چند برابر می‌کرد و جریان ملاقات به یک شکنجه روحی تبدیل می‌شد.

من هم مثل سایر زندانیان منتظر روز ملاقات بودم. مادرم هر هفته، میوه و غذایی را تا آن جا که در توانش بود تدارک می‌دید و به ملاقات من می‌آمد و در آن سروصدای وحشتناک بعد از احوالپرسی معمول، ساکت می‌شدیم و در تمام مدت ملاقات در سکوت همدیگر را تماشا می‌کردیم.

در اولین ملاقات بعد از عید آن سال، با شوق و ذوق فراوان، در میان جمعیت مادرم را جستجو می‌کردم که متوجه شدم، پیرزن میان شلوغی و زیر دست و پای مردم، گوشه‌ای گیر آورده و چادرش را دور خودش پیچیده، چمباتمه زده و منتظر من است.

اولین باری بود که مراسم «پسح» را در خارج از خانه و دور از خانواده می‌گذراندم، چند ماهی بیشتر از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نگذشته بود، که در یک برخورد خیابانی همراه چند نفر دانش‌آموز دیگر به وسیله مأمورین حکومت نظامی شاه دستگیر شده و به بخش خردسالان که «دارالتادیب» می‌گفتند در زندان قصر منتقل شدیم. با این که بگیر و ببندها زیاد بود، برای کسانی که به اتهامات کوچکتر بازداشت می‌شدند شرایط زندان خیلی سخت و طاقت فرسا نشده بود.

نوروز آن سال زندانی‌ها عید را با همه تهدیدات پلیس جشن گرفتند و یکی دو هفته بعد از عید نوروز، ایام «پسح» شروع می‌شد، به طور معمول زندانی‌ها هفته‌ای یک روز با خانواده‌های خود ملاقاتی داشتند، زندانی‌های سیاسی و زندانیان عادی یک جا، در «بندهای زندان» نگاهداری می‌شدند و ملاقات هفتگی در یک ساعت مخصوص و دسته‌جمعی انجام می‌گرفت.

به هنگام ملاقات بین زندانیان و ملاقات‌کنندگان میله‌هایی با فاصله تقریباً یک متر نصب شده بود که معمولاً یک مأمور پلیس میان میله‌ها

به محض آن که چشمش به من افتاد از ترس این که جایش را دیگری نگیرد با دست اشاره کرد که روبرویش بنشینم و سلامی کرد و احوالپرسی مثل دفعات قبل ...!

در چهره‌اش خواندم که می‌خواهد مطلب مهمی را برایم بگوید. گوشم را طرف دهانش گرفتم و مادرم با تمام



برافروخته شد با تمام
نیرویش فریاد زد
**از کسی نمی‌پرسم.
خودم می‌دانم چکار
باید بکنم. من فقط
این را می‌دانم که
تو روزهای موعده
نیسان «هامس» نباید
بخوری!!!**

گفتگوی من و مادرم
توجه زندانیان دیگر را هم
جلب کرد، چند نفری
اطراف ما ساکت شده
بودند و به حرف‌های من و
مادرم گوش می‌دادند.
دیدم حرف‌های من
برای تغییر عقیده مادرم
تأثیری ندارد وقتی

تصمیم به کاری می‌گرفت به آسانی
نمی‌شد عقیده‌اش را عوض کرد، رفته
رفته دوستان هم زندان هم مداخله
کردند که «هر چه مادرت می‌گوید
گوش کن».

پیرزن در میان توجه و هیاهوی
دیگران مرتب تکرار می‌کرد ... آخر ما
کلیمی هستیم. این عید برایمان خیلی
مهم است ... نمی‌شود ندیده بگیریم.

قبول کردم که «پسح» را در زندان
همان‌طور که او می‌خواهد نگهدارم و
دوستان زندانی‌ام به مادرم قول دادند
که به من کمک کنند تا این یک هفته
را همان‌طور که او می‌خواهد برگزار
کنم و من با هزار قسم و قول و
خواهش پیرزن را راضی کردم که یک
روز در میان برایم غذا بیاورد و من
غذای هر روز را برای روز دیگر
نگهدارم.

وقت ملاقات رو به اتمام بود مادرم

توانش فریاد زد، سه‌شنبه این هفته
موعد نیسان است با خوشحالی
جواب دادم انشاءالله سال خوبی در
پیش داشته باشید، به همه تبریک
بگو، سلام برسان با بی‌حوصلگی
سرش را تکان داد که (یعنی این
به جای خود) و در میان هیاهوی
جمعیت فریاد زد... **این هشت روز
نباید «هامس» بخوری!!!**

(یهودیان در ایام پسح غذای
مخصوص در شرایط مراعات شرعی
می‌خورند و غیر از آن را «هامس»
می‌گویند).

با تعجب فریاد زدم ... اینجا مگر
می‌شود؟ و او هم با فریاد جوابم را
داد که من دیروز پیش رئیس زندان
رفتم و همه چیز را به او گفتم، قبول
کرد که هر روز برایت از منزل غذا
بیاورم!!!

نزدیک بود شاخ دریاورم !!! با این
راه دور، و حتما التماس به رئیس
زندان! و هزار مشکل دیگر
واقعا پیرزن با چه نیروئی دنبال این
کار رفته است؟

گفتم: راضی به زحمت نیستم ...
خیلی برایت سخت می‌شود این همه
راه را هر روز بیائی بالاخره یک
کاری می‌کنم....

تصمیمش را گرفته بود با تعرض
گفت تو فکر این چیزها را نکن. هر
روز برایت غذا می‌آورم.... دلم راضی
نمی‌شود «هامس» بخوری ... مصا
می‌آورم صبح‌ها با چایی بخور. نهار که
آوردم برای شامت هم بگذار.... این
چند روز ظرف‌های غذایت را جدا بگذار....

سعی کردم منصرفش کنم
گفتم برو از یک حاخامی، ملائی،
کسی بپرس که در زندان من حتما
باید این کار را بکنم!!! مادرم

هنوز مطمئن نشده بود، و باز
می‌خواست از من قول حتمی بگیرد
داشتم از کوره درمی‌رفتم و او در
حالی که چادرش را مرتب می‌کرد و
به زحمت از زمین بلند می‌شد آخرین
جمله‌اش را با تمام قدرت فریاد زد: که
**(اگر «هامس» بخوری شیرم را
حالت نمی‌کنم).** با التماس گفتم:
«به جان خودت این هفته «هامس»
نمی‌خورم».

خیالش راحت شد و در حالی که
هنوز به من نگاه می‌کرد اطاق
ملاقات را ترک کرد و من هنوز پشت
میله‌ها منتظر بودم تا از رفتنش
مطمئن شوم.

در آن سال با کمک دوستان
«شیر مادرم حلالم شد»
خدا/یش بیاورد. ■

مقدمه‌ای بر موسیقی یهود و بنی اسرائیل

رامیار بهزادی



مکتب هنر موسیقی در قوم یهود را می‌توان به جرأت یکی از اصیل‌ترین موسیقی‌های قومی دینی در کل تاریخ جهان شمرد که مبانی و ساختار آن هنوز حفظ گردیده و دخل و تصرفی در آن به وقوع نپیوسته است.

در ربع قرن گذشته کاوش‌ها و تحقیقات بسیاری در زمینه موسیقی یهود صورت گرفته که تاکنون نیز ادامه دارد. به طوری که روز به روز دریچه جدیدی از موسیقی یهود توسط محققان و موسیقی‌دانان به روی جهانیان باز می‌شود و جامعه بشری را به سوی ناشناخته‌های این موسیقی غنی رهنمود می‌شود.

البته قدمت تاریخ موسیقی یهود را نمی‌توان دقیقاً تخمین زد، ولی گروهی از اساتید موسیقی‌شناسی دانشگاه موسیقی بنجامین (Benjamin Academi) با همکاری باستان‌شناسان مرکز تحقیقاتی U.L.I.B طی پژوهش‌های باستان‌شناسی و تحقیقاتی در سال ۱۹۷۶، مقاله‌ای انتشار دادند که عمر پیدایش موسیقی یهود و بنی اسرائیل را در حدود ۴۸۰۰ سال تخمین زدند. البته نمی‌توان به جرأت به صحت این فرضیه رای داد، چون گروه‌های تحقیقاتی دیگری نیز بررسی‌هایی انجام داده و تئوری دیگری را در این مورد بیان کرده‌اند.

البته قدمت تاریخ موسیقی یهود را نمی‌توان دقیقاً تخمین زد، ولی گروهی از اساتید موسیقی‌شناسی دانشگاه موسیقی بنجامین (Benjamin Academi) با همکاری باستان‌شناسان مرکز تحقیقاتی U.L.I.B طی پژوهش‌های باستان‌شناسی و تحقیقاتی در سال ۱۹۷۶، مقاله‌ای انتشار دادند که عمر پیدایش موسیقی یهود و بنی اسرائیل را در حدود ۴۸۰۰ سال تخمین زدند. البته نمی‌توان به جرأت به صحت این فرضیه رای داد، چون گروه‌های تحقیقاتی دیگری نیز بررسی‌هایی انجام داده و تئوری دیگری را در این مورد بیان کرده‌اند.

البته با وجود این فرضیه‌های گوناگون به اثبات رسیده که موسیقی یهود نیز چون موسیقی یونان باستان یکی از پایه‌های

وجود ندارد که علت آن را می‌توان جنگ‌ها و اوضاع نابسامان این حکومت‌ها دانست که تمدن آنها را یا به نیستی کشانیده است یا این که تمدن قومیت آنها با دیگر تمدن‌ها و قومیت‌ها ادغام شده است و باعث شده هیچ یادگار و هویتی از آن موسیقی به جا نماند. ولی قوم بنی اسرائیل به دلیل این که با اقوام دیگر ادغام نشده و در طی تاریخ بشر برای حفظ آئین و تاریخ و آرمان‌های خود کوشش می‌کرده تنها نماینده بازمانده موسیقی آن دوران است.

در کاوش‌های باستان‌شناسی که در اورشلیم و دیگر نقاط تمدن بنی اسرائیل صورت گرفت، تندیس و لوح‌هایی به دست آمد که در آن حضرت داوید را در



همانند گام‌های موسیقی آنولین Aeoliyan و دیگری چیزی نزدیک به گام فیریزین Phirizhiyan که به خاطر دیرینگی فرهنگ بنی‌اسرائیل، نشان می‌دهد که این دو گام یا نوای موسیقی یونان باستان از موسیقی عبری ریشه گرفته است، حتی بر همگان ثابت گردیده که پایه‌گذار موسیقی کلیسایی و کاتولیکی، موسیقی و از مزامیر آئین یهود بوده است که در طی قرن‌ها تغییراتی در آن صورت گرفته و رفته رفته در آئین مسیحیت جای گرفته است. برای نمونه می‌توان به سرود کلیسایی هللویا Hallelouyah اشاره کرد که ریشه در سرود (هللویاخ Hallelovyakh) از مزامیر داود دارد. بعد از اسارت یهودیان و جنگ‌ها، به خاطر پراکندگی قوم بنی‌اسرائیل در جهان، موسیقی یهود با حفظ هویت خود جای پای خود و تأثیر خود را در تمام نواحی جغرافیایی که پراکنده شده بود، گذاشت، که می‌توان به عنوان نمونه موسیقی شرق و جنوب اروپا و آسیای صغیر را قید کرد که از همه بارزتر موسیقی بلوک شرق اروپا که اصطلاحاً به موسیقی کلزمر (KLEZMER) و اصلی‌تر (Yiddish) یدیش (فرهنگ و گویش یهودیان اروپای شرقی) می‌گویند نام برد که خاص موسیقی یهودیان سکنی گزیده در این منطقه است.

آریحا Ariha و اشاره کرد و همین‌طور سرودهایی که صورت شکوائیه داشته‌اند که هنگامی که بنی‌اسرائیل در زندان‌های بابل اسیر بوده‌اند آن را می‌خواندند.

ارزش موسیقی در آئین یهود به حدی بود که معبد هخل یا هخال (Hekel) دارای ۲۲۸ موسیقی‌دان بود که کار آنها درمان بیماران و دفع ارواح خبیثه و پیشگونی بوده و تنها منشاء قدرت آنها از موسیقی بوده است، این مسئله به ما نشان می‌دهد که در آئین یهود به موسیقی چنین والا نگاه می‌شده است. می‌گویند که حضرت داوید با ۴۰۰۰ نوازنده به درگاه خداوند نیایش می‌کرده است و این ارزش به حدی بوده که حضرت داوید مسئولیت حفظ و اشاعه موسیقی آئینی را به لاوی‌ها (Levites) داده بود که بعدها لاویان به موسیقی‌دانان مقدسی تبدیل شدند. نوعی موسیقی فرقه‌ای نیز در بنی‌اسرائیل وجود داشته که متعلق به فرقه راهبان حسیدیم (Essenes) بوده که نوعی مزامیر مخصوص شکرگذاری مانند طومارهای بحرالمیت (Dead Sea Scrolls) داشته‌اند.

نام سازهای زیادی از موسیقی بنی‌اسرائیل در دست است که قدمت آنها به ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م می‌رسد که در اینجا به ۳ نمونه که شناخته‌تر در جهان است اشاره می‌کنیم:

نوعی شیپور به نام شوفار (Shofar) که از شاخ قوچ ساخته شده و آن را به شاخ قوچی که به جای اسحق توسط حضرت ابراهیم قربانی شد نسبت می‌دهند و دیگری نوعی ترومپت به نام خستوسرا (Hazzoarrah) و نوعی زنگ که لباس کاهنان آویزان بود و هنگام حرکت به صدا در می‌آمد به نام پامون (Paa-mon).

انواع دیگر سازها

در پی تحقیقات به دست آمده دو گام یا نوا در موسیقی یهود وجود داشته که

حال نواختن چنگ یا لیرا (Liya) نشان داده است و همین‌طور جمع نوازندگانی را که در جلوی سپاه بعد از جنگ در حال اجرای موسیقی پیروزی که به آن دهورا Deborah می‌گویند دیده می‌شود و یا با حمل اجساد شهدای بعد از جنگ به خواندن مرثیه پرداخته‌اند. این وضعیت در تمام مناسبت‌ها چه آئینی چه سلطنتی وجود داشته است که موسیقی خاص مراسم سلطنتی را نیز پسالم (Psalms) می‌گفتند.

در تورات و دیگر کتب مقدس چون قرآن کریم اشارات زیادی به صوت خوش حضرت داوید شده که هنگام خواندن زبور هیچ کس را طاقت ایستادن نبوده و همه از جمله حیوانات به کرنش و سماع در مقابل آن برمی‌خاسته‌اند. همین‌طور روایاتی نقل شده که حضرت داوید خشم شاعول (King Saul) را که به خاطر رسوخ ارواح خبیثه در روح او بوده با نواختن چنگ از بین برده.

در تورات آمده که شخصی به نام یوبال (Yubal) پدر نوازنده چنگ شلمو (Chalumeau) موسیقی را ابداع کرده است. همچنین روایاتی نیز از حضرت موسی (ع) در این رابطه در دست است که به خاطر گستردگی این مبحث از آن می‌گذریم.

قوم بنی‌اسرائیل به علت این که پیکرتراشی و چهره‌نگاری در مذهب آنان منع شده بود به موسیقی توجه بسیاری داشتند و فرزندان خویش را به تعلیم موسیقی تشویق می‌کردند.

آمده است که خداوند به موشه (حضرت موسی (ع)) دستور داد که به مردم خود سرودی آموزش دهد تا مناسبت‌های مختلف ادا گردد و همین بود که باعث شد قوم بنی‌اسرائیل برای هرگونه مراسم دینی و مذهبی خود و شرایط گوناگون دیگر سرود خاصی را ابداع کند که از جمله کهن‌ترین آنها می‌توان به سرود چاه آب - چوپان -

معرفی یک هنرمند جوان و با استعداد



در فاصله
انتشار دو شماره
اخیر افق بینا سه
نوشته از هنرمند
و نویسنده جوان
«رامین کهن» به
دستمان رسیده
است.

قبل از هر چیز علاقه و پشتکار رامین کهن قابل تقدیر و ستایش است. دو نوشته از چهار نوشته مذکور «هامون»، «ناصر طرب» و «رقاصه شهر» داستان‌های کوتاه، «زبانه‌های کاغذی» نمایشنامه‌ای است که برای اجرا صحنه‌ای تنظیم شده است. هر سه نوشته داستانی تصویری موقعیت زندگی قهرمانان قصه در شرایط دشوار و استثنایی است، توجه رامین به دردهای اجتماع و عکس‌العمل‌های فردی در مقابل مشکلات در هر دو داستان قابل توجه است.

در نمایشنامه زبانه‌های کاغذی نویسنده با درک موقعیت نمایشی سعی می‌کند به طنز لاقط در اجرای رادیویی نزدیک شود مجموعه زبانه‌های کاغذی که شامل سه نمایشنامه «زبانه‌های کاغذی»، «پیف پاف» و «قاب عکس خالی» است و یک نمایشنامه آن «پیف پاف» در سازمان دانشجویان یهود ایران اجرا شده است، نگاهی انتقادی به مناسبات حاکم جامعه دارد.

البته رامین کهن تازه شروع کرده و راه درازی در پیش دارد که هم بخواند و هم بنویسد، اما او را می‌توان به عنوان یک الگوی خوب به جوانان یهودی معرفی کرد و برایش موفقیت‌های فراوان آرزو نمود.

از سابقه اجرایی این جوان هنرمند می‌توان: نمایش کودک جنگل پرماجرا (صحنه)، جنگ کور (صحنه)، اعدامی‌ها (تئاتر میدانی «خیابانی»)، اجرای نمایش عروسکی هدف آموزشی برای مهدکودک‌ها و مراکز توانبخشی، اجرای زنده ویلن در رادیو کرج به مناسبت رحلت امام را نام برد.

می‌دهند که به عنوان شکرگذاری به کوروش تقدیم شده که سرودی به روی آن ساخته شده بود.

در پایان این مقال را جمع‌بندی می‌کنم که موسیقی دنیای امروز ما چه : کلاسیک چه پاپ ، جاز و ... بخشی از رشد و تکامل خود را مدیون به علاقمندی به حفظ و حراست قوم بنی‌اسرائیل از موسیقی می‌دانند. چه بسا اگر چنین نبود ما موسیقی جهان را در ابعاد و وضعیت کنونی نمی‌دیدیم و این گسترش و علمی شدن آن صورت نمی‌پذیرفت. حتی موسیقیدانان برجسته‌ای در جهان یهودی بوده‌اند و در طی سال‌های ۱۸۰۰ م. به بعد حفظ و تکامل موسیقی جهان را به عهده داشتند و قدم‌های بس عظیم برداشته‌اند. به عنوان مثال کسانی مثل وایزمن Vizmann - باخ Blokh - برچ Bruch - مندلسون Mendelssohn و ... که امروزه نوای آنها را در سرتاسر دنیا می‌شنویم و نام نوازندگان - آهنگسازان و گروه‌های موسیقی و به طور کلی موسیقیدانان یهودی در خط اول فهرست موسیقی دنیا جای دارد.

یهود از اولین روزگار پیدایش موسیقی، آوای موسیقی را که حس وفاداری و پاکدامنی را به خداوند عرضه می‌داشت ارجح می‌نهادند و موسیقی را که حس پلیدی و بت‌پرستی را در آنها تقویت می‌کرد مطرود می‌دانستند و از بین می‌بردند.

در پایان خاطر نشان می‌کنم گستردگی این موضوع به حدی است که هیچ‌گاه نمی‌توان تمام زوایا و ابعاد آن را معرفی کرد و در واقع مقاله فوق پیاپی از این دریای بیکران است که سعی در معرفی آن داشتم.

«آنجا که کلام از بیان احساسات درمی‌ماند و قطع می‌شود ... موسیقی آغاز می‌گردد.



همین‌طور این تأثیر در موسیقی روسیه اتفاق افتاد ولی به علت فشارهای حکومت تزاری و بعد از آن کمونیستی همیشه از بیان تأثیر آن خودداری شد.

موسیقی عرب و شام نیز از عناصر موسیقی یهود اقتباس گردیده است. همان‌طور که سعد بن غدی خلیل در کتاب موسیقی عرب که در قرن ۳ هجری قمری نگارش شده و در کتاب شعر و موسیقی ابوتراب رازانی این مسئله اعلام گردیده است و این مسئله چنان بارز است که هر شخصی با گوش کردن به نمونه موسیقی اعراب چه در خاورمیانه چه شمال آفریقا می‌تواند این مسئله را درک کند.

موسیقی یهود حتی در طی دو قرن گذشته بر موسیقی آمریکا به خصوص آمریکای جنوبی (Latin) تأثیر شگرفی گذاشته است. نقش یهود در موسیقی ایران نیز بسیار ظریف ولی در عین حال محسوس است هر چند که تحقیقات زیادی در این مورد نشده ولی به جرأت گفته می‌شود که یکی از بانیان حفظ موسیقی ایران، ایرانیان یهودی بوده‌اند و حتی دستگاه چهارگاه را به یهودیان نسبت

واہبت لرعہ کموں

همنوع را مانند خودت دوست بدار

لوح تقدیر بیمارستان دکتر سپیر

در دی ماه سال ۱۳۸۲ مدیریت، پزشکان، کارکنان بیمارستان دکتر سپیر به عنوان یکی از واحدهای نمونه خیریه در سالن اجتماعات اداره اوقاف و امور خیریه با حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مورد تشویق قرار گرفتند و از طرف رئیس وقت سازمان نظام پزشکی لوح تقدیری به بیمارستان اهدا شد که هیئت امنای بیمارستان خیریه دکتر سپیر از طرف جامعه کلیمیان ایران از این توجه و عنایت مسئولین قدردانی نمودند.

بایستی

مدیریت محترم بیمارستان خیریه دکتر سپیر

سلام علیکم

جامعه پزشکی ایران که با پیشینه‌ای سراسر افتخارات ماندگار، سرمایه‌های علمی بسیار، خدمات و فشار
بی‌شمار و کارنامه‌ای درخشان و پر بار به جایگاہی والا و ممتاز، در فرهنگ‌سختی ایران اسلامی دست یافته و پیشرو
توسعه علمی این سامان به شمار می‌آید، به فرساختن و استعدادی درخشان که سرمایه دانش را به زیور خلاق
و ایمان آرسته بهت و تلاش بی‌پایان خویش را صرف آلام درمندان بی‌پناه و اقشار آسیب‌پذیر
کم‌بضاعت جامعه می‌نماید، مبالغت نمی‌کند.

بدین وسیله خدمات صادقانه و خدمات خداپسندان و انسان‌دوستانه آن بیمارستان محترم ارج نهاده، بجا
مدیریت و کارکنان آن مرکز از درگاه خداوند سنان سلامتی و توفیق روزافزون آرزو می‌نمایم.

دکتر سید شهاب الدین حسینی

رئیس سازمان نظام پزشکی تهران بزرگ

و رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور

تلویزیون رسانه خاص کودکان

ویدا رحمانی

مدیر مجتمع مدارس اتفاق تهران - مدرسه اختصاصی کلیمیان



واکنش‌های کودکان در سنین ۳-۴ سالگی بیشتر حرکتی و بین ۶-۴ سالگی بیانی هستند. کودکانی که غالباً تلویزیون تماشا می‌کنند در مقایسه با کودکان دیگر که کمتر اوقات خود را به دیدن تلویزیون می‌گذرانند از نظر تحصیلی موفقیت کمتری دارند و با هوش‌ترین آنان کسانی هستند که به اندازه و با روش درست جذب تلویزیون می‌شوند.

در زمینه تأثیر برنامه‌های تلویزیونی بر رفتار کودکان باید گفت محیطی که وسیله ارتباطی در آن به کار برده می‌شود می‌تواند روی اثرات پیام تأثیر گذارد. عواملی مثل سروصدا، صدای زنگ منزل، صحبت اطرافیان در محیط می‌تواند در تأثیرگذاری پیام بر مخاطب تأثیر گذار باشد.

به عنوان مثال: یک فیلم خشونت آمیز می‌تواند در کودکان تأثیر متفاوتی داشته باشد. کودکی که در یک محیط نامناسب خانوادگی پرورش یافته است؛ بیشتر در معرض اعمال خشونت‌آمیز برگرفته از تلویزیون قرار می‌گیرد تا کودکی که در یک خانواده به دور از غوغا و هیاهو و تخلف رشد یافته و تربیت شده است. نکته قابل توجه این است که کودک آن گاه تحت تأثیر برنامه‌های

رسانه‌های جمعی از قبیل تلویزیون قرار می‌گیرد که زمینه زندگی خود را متناسب با خواسته‌های ابتدایی و طبیعی خود نیافته باشد و برای مقابله با سرگشتگی و ناامیدی حاصل شده می‌کوشد تا به جهانی تخیلی روی آورد. البته کودکان چون از دنیای اطراف خود و مسائل اطرافشان اطلاعات و آگاهی کامل نداشته و درک آنان دقیق نمی‌باشد بنابراین از برنامه‌ها و رخدادهای اطراف خود ادراک غلطی دارند و ممکن است به صورت غلط نیز رفتارهایی را انجام دهند که در تلویزیون دیده‌اند چون آگاهی آنان از جهان هستی دقیق و درست نمی‌باشد.

والدین و معلمان می‌توانند در ضمن تماشای برنامه‌های تلویزیونی با جلب توجه کودکان به محتوایی خاص و یا انحراف از توجه آنان به برنامه‌های خاص در تأثیر پیام‌های تلویزیونی بر کودکان مؤثر باشند. آنان می‌توانند درک و فراگیری کودکان را از محتوای برنامه‌ها در حین تماشا افزایش دهند. بدین معنی که در لحظه‌ای که برنامه با سکوت همراه است محتوای برنامه را توضیح دهند.

والدین و معلمان می‌توانند در ضمن تماشای برنامه‌ها، پیام‌های آن را برای کودکان ارزیابی کنند. والدینی که رفتار تهاجمی را در یک برنامه تشویق می‌کنند کودک را در استفاده بعدی از این گونه رفتار تشویق می‌کنند و والدینی که از فرد مهاجم در یک برنامه انتقاد می‌کنند و رفتار او را نفی می‌کنند کودکان خود را از انجام چنین رفتاری باز می‌دارند.

بنابراین باید توجه داشت چون برنامه‌های تلویزیون بر رشد فکری کودک و رفتار او تأثیر دارد کودکان را باید به دیدن برنامه‌هایی تشویق نمود که در این زمینه تأثیر نامطلوبی بر آنان نداشته باشد و برنامه‌های تلویزیون باید طوری تهیه و تدارک دیده شود که موجبات هرچه شکوفا شدن استعدادها و کودکان و رشد فکر آنان را فراهم آورد. چون کودکان بیش از هر رده سنی دیگر تأثیرپذیری بیشتری از برنامه‌های تلویزیونی دارند باید محتوای برنامه‌ها مفید و آموزنده باشد و نکته مهمی که والدین باید به آن توجه داشته باشند این است که آنان نباید کودکان را در حین تماشای برنامه‌های تلویزیونی تنها بگذارند چرا که ممکن است نقاط ضعفی در برنامه‌ها وجود داشته باشد که کودکان به دلیل نداشتن آگاهی کافی از محیط اطرافشان از آن برداشت منفی داشته باشند و صدمات روحی جبران‌ناپذیری بر آنان وارد نماید. ■

همان گونه که رفتار فرد در دوران کودکی و در خانواده یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری شخصیت وی محسوب می‌شود. تلویزیون نیز به عنوان یکی از وسایل ارتباط جمعی در کنار خانواده در رشد فکری و شخصیتی کودکان تأثیر گذار است.

این رسانه مؤثر که مخاطبان خاص خود را دارد می‌تواند با توجه به محتوایش اثرات مطلوب و نامطلوبی بر مخاطبین بگذارد.

کودکان به عنوان یکی از مخاطبان خاص این رسانه به شمار می‌روند و تأثیرگذاری این رسانه به دلیل سمعی و بصری بودن در مقایسه با سایر رسانه‌های ارتباط جمعی بیشتر است. تلویزیون علاوه بر پر کردن اوقات فراغت و سرگرمی می‌تواند بر رفتار و رشد فکری کودکان تأثیر گذاشته و به نوعی علاقه و گیرایی را در غالب برنامه‌ها در کودکان ایجاد کند.

تلویزیون در سال (۱۹۳۷ م.) در خانواده‌ها پا به عرصه وجود گذاشت و در طول سال‌های متمادی به سرعت گسترش و توسعه یافته است. تلویزیون با ایده سینمای خانگی و رادیوی تصویری به سرعت و سهولت به عنوان پدیده‌ای از دنیای ارتباطات الکترونیک همه عملکردهای این رسانه ارتباطی را در خود جمع کرده است و امروزه نیز تجربه‌های گوناگون و مهمی را برای کودکان و رشد آنان فراهم می‌کند. به طوری که کودکان مرتباً برای سرگرمی و کسب اطلاعات به آن روی می‌آورند.

این رسانه می‌تواند در زندگی مدرن امروزی بسیار سودمند یا زیان‌بخش باشد در واقع ما با رسانه‌ای سروکار داریم که بسیاری از مردم اکثر اوقات خود را صرف تماشای آن می‌کنند. آن را دوست دارند و به آن اعتماد می‌کنند. این رسانه به دلیل قابلیت‌های تکنولوژیک می‌تواند برنامه‌هایی با محتوای شاد زندگی ارائه دهد و جذابیت و مفهومی را با استفاده از انواع تکنیک‌های تولید تشدید کند. این رسانه نه تنها می‌تواند آگاه کند، بیاموزد، ترغیب کند و احساس را برانگیزد بلکه می‌تواند آسیب برساند و گمراه کند، کارتون‌ها و برنامه‌های پر بیننده اغلب حاوی خشونت زبانی و بدنی است و برخی آگهی‌های تجاری مصرف‌گرایی نابجا و بی‌هوده‌ای را تشویق می‌کنند. این رسانه تجاری را به بینندگان ارائه می‌دهد تا لذت ببرند و این کار را مؤثرتر و بهتر از سایر رسانه‌های ارتباطی (رادیو، روزنامه، کتاب، مجله، کامپیوتر، فیلم و ...) انجام می‌دهد.

تأثیرگذاری بالقوه تلویزیون در مقایسه با رسانه‌های دیگر برجسته‌تر است و معمولاً از آن بیش از سایر رسانه‌ها استفاده می‌شود. چنین ویژگی‌هایی تلویزیون را برای همه بخصوص کودکان، رسانه‌ای مهم می‌سازد و از این جهت می‌توان کودکان را مخاطبان خاص تلویزیون قلمداد نمود.

کودکان در برابر تلویزیون موقعیتی پذیرا دارند و تلویزیون را همچون فردی می‌پندارند که هر لحظه می‌تواند داستانی را برای آنان نقل کند و آنان را سرگرم نماید و والدین آنان نیز به دلیل گرفتاری‌های گوناگون آنان را در دیدن برنامه‌ها همراهی نمی‌کنند.

تماشای کودکان بین ۲-۵ ساله به سوی تلویزیون جلب می‌شوند و به آن علاقه دارند. کودک تا سن دو سالگی قادر به دنبال کردن یک داستان و درک رابطه تصاویر با یکدیگر نیست و ضمن تماشای تلویزیون توجه کودکان به موجوداتی جلب می‌شود که قادر به شناخت آنها هستند از قبیل حیوانات و کودکان دیگر.

بین ۳-۴ سالگی علاقه به حیوانات و کودکان دیگر ادامه دارد، ولی بیشتر حرکت، کودکان را مجذوب خود می‌کند. چون در حرکت عناصری است که تخیل آنان را قوام می‌بخشد. آنان می‌توانند داستان‌های مصور را که ساده باشند بفهمند و به خاطر بسپارند آنها برخی تصاویر را نیز با موجودات واقعی یکسان می‌پندارند. در سن ۵ سالگی با دیدن دقیق برنامه‌های تلویزیون شخصیت کودک آهسته به سوی آینده سوق داده می‌شود.

مسابقه

انشاء نویسی

به مناسبت ایام دهه فجر مسابقه انشاء نویسی میان مدارس کلیمی تهران با همکاری نشریه افق پینا که در دو مقطع راهنمایی و دبیرستان با موضوعات:

اگر من به جای مدیر مدرسه بودم، اگر شباهت‌ها مدرسه تعطیل بودم، اگر من پسر بودم (دختران)، اگر من دختر بودم (پسران)، اگر مدرسه آمدن اختیاری بودم، اگر من به جای ملکه استر بودم (دختران)، اگر من جای وزیر مردی بودم (پسران)، برگزار کردید، که با استقبال دانش‌آموزان مواجه شد. اسامی شرکت‌کنندگان و برگزیدگان به شرح ذیل می‌باشد. به امید توفیق روزافزون این عزیزان.

مدرسه موسی بن عمران :

پاشا هبرونی، سعید شهرام‌نار، میثائل کوهن گلرول، الیشاع کرباسی، بابک بشون، سپهر طوطیان، ابراهیم رفوا، پارسا یوسف مروتی.

مدرسه اتفاق :

نغمه کرفرا، طناز لقمانا، مونا کشکی، ناهید پورستاره، ثابا غلیلی، پریسا دالیال، شیرین ابراهیم‌زاده، سیا گلشیرازی، رکسانا سعید، سپیده هتاساب، مرزبه ربانیان، دیورا نوری‌نلیان، اورلا ملکان، مونا آقابالا، مهسا تابل، مهری ابراهیمی، سارا ماه‌گرفته، دالیا رفوا، الناز شتیل، نیلوفر عاقلیان، لیورا هابیان، سویلا گیدانیان، سپیده شیبی‌تای، صرف شلمو.

مدرسه روشی‌شاد:

دانیال سپارزاده، شاهین عاقلیان، ربیع پروشالعی، سامان هرونیان، الیا هو اصفهانی.

مدرسه کنج‌دانش:

عسل سراقراز، خرناز ارهمی، موئیکا ربانیان، صفورا پروشالعی، مهسا داوودپور.

بچه‌ها سلام بچه‌ها سلام



دوست عزیزم سلام:

من را که به یاد می‌آوری، من شارونا هستم. دوستی که در شماره قبل مجله پینا به سراغت آمدم و به تو پیشنهاد دوستی دارم. قرار بود که تو هم برای من نامه بنویسی و از خودت حرف بزنی، اما هنوز نامه‌ای از تو به دست من نرسیده. من همچنان منتظر حرف‌های تو هستم.

راستش نمی‌دانم پینا چه موقعی به دست تو می‌رسد. شاید قبل از موعد پسخ باشد و شاید هم آن را پشت سر گذاشته باشی. شتما تو هم می‌دانی علت برگزاری «عید پسخ» یا همان «پشن آزادی» چیست؟ بله، درست است این عید به یادبود فروج بنی‌اسرائیل از سرزمین مصر برگزار می‌شود. در این شب، ما یهودیان سفره مفصومی می‌چینیم و به یاد این واقعه مهم، مراسم قاضی را برگزار می‌کنیم. شتما تو هم اسم آن غوراک‌هایی را که شب موعد بر روی میز می‌گذاریم می‌دانی. بیا آنها را با هم نام ببریم: مضا، دست کتاب شده کوسفند، تفم‌مرغ، سبزی تلخ، خلق، کرفس، کاهو و سرکه. مراسم هم از روی کتاب قاضی به نام هگادا برگزار می‌شود. هگادا در زبان عبری به معنای «تعریف کردن» است. من این عید مذهبی را به این علت که همه دوستان و فامیل دور هم هستیم قبلی دوست دارم. به نظر من بهترین قسمت مراسم این شب، آن قسمتی از کتاب هگادا است که داستان فروج از مصر از زبان ۴ کودک کاملاً متفاوت تعریف می‌شود.

ما بچه‌ها، هر سالی یکی از قسمت‌های این بخش را می‌خوانیم. من همیشه دوست دارم به جای کودک عاقل که درباره علت فروج از مصر از دیگران سؤال می‌کند، باشم اما همیشه هم این طور نمی‌شود. مثلاً سال گذشته من مجبور شدم به جای کودک شرور باشم که می‌خواهد این واقعه مهم را انکار کند. دوستم، سپیده را که به یاد می‌آوری؟ او خیلی علاقه دارد آن بخشی از هگادا را بخواند که کودک ساده‌لوح حرف می‌زند و درباره معنی مراسم عید پسخ سؤال می‌کند. اما چهارمین کودک که حتی نمی‌تواند سؤال‌هایش را درباره مراسم پیرسدا من همیشه دلم برای این آدم‌ها می‌سوزد و دوست دارم همان‌طور که هگادا گفته به او کمک کنم که بفهمد خداوند با قدرت و دانایی خود، چه طور اجداد ما را از بردگی نجات داد.

چه قدر برطرفی کردم! من موعد پسخ را دوست دارم و هر چه قدر هم که از آن حرف بزنم، باز هم خسته نمی‌شوم. راستی، تو هم در نامه‌ای که برای من می‌نویسی از چیزهایی که درباره این عید مهم یهودیان می‌دانی برای من و بقیه دوستانمان تعریف کن.

کلیمینی از انشاهای برگزیده

مسابقه انشاء نویسی:

اگر جای مدیر مدرسه بودم در هفته یک بار بچه‌ها را به گردش و جاهای علمی و دیدنی می‌بردیم تا از آن‌جا بتوانند به نحو احسن استفاده کنند و بهره ببرند چون واقعا جاهای علمی و تفریحی تأثیر به سزایی برای هوش ما بچه‌ها دارد و یک تنوع است و ما بچه‌ها تنوع را دوست داریم. (خرناز ارهمی، مدرسه فجر دانش)

شباهت واژه‌ای سرشار از برکت و تقدیر برای انسانی که زندگی اجتماعی شوریده و هیجان و درگیری‌های روزمره و شتاب او را احاطه کرده است آراغش شباهت بزرگترین مفرح و مسکن است. شباهت آزادی روحانی انسان را تأکید می‌کند و قریب اعتراضی است علیه فشار و قلم تا ارزش آزادی را درک کند. (عسل سراقراز، فجر دانش، دوم راهنمایی)

اگر به جای قائم رهمانی بودم فقط می‌توانیم بزرگترین واژه تشکر را در یک کلمه خلاصه کرده و بگوییم از صمیم قلب دوستت داریم و امیدواریم که در تمام مراحل رفتار زندگیت بر روی ریل‌های پیروزی و موفقیت و خوشبختی حرکت بکند. (صدف شلمو، مدرسه اتفاق، سوم راهنمایی)

اگر پسر بودم ... از الان به فکر فواستگاری یک دفتر فوب و امیل ایرونی و با اصل و نسب بودم. (ناهید پورستاره، مدرسه اتفاق، اول دبیرستان)

اگر مدرسه آمدن اختیاری بود مثل روزهای برقی برای دانش‌آموزان مدارس منطقه ۶ مدرسه آمدن اجباری بود. (نغمه کرفرا، مدرسه اتفاق)

اگر من ملکه استر بودم در اون جایی که دخترها به صف کشیده شده بودن اصلاً شرکت نمی‌کردم که فورمو به نمایش بگذارم. (مونا کشکی، مدرسه اتفاق)

اگر شباهت‌ها تعطیل بودم ... همانطور که مسلمانان در روز جمعه از حضور در کانون گرم خانواده لذت می‌برند، یهودیان نیز، روز شنبه را بهترین فرصت برای اجرای فرمایش دینی مفصوم این روز و آموزش آن به کودکان خود می‌دانستند. (سپهر طوطیان، دوم راهنمایی، مدرسه موسی بن عمران)

اگر راستش را بخواهیم در صورتی که شباهت تعطیل بود من فقط به فرامین الهی وقتم را اختصاص نمی‌دادم و چند ساعتی نیز بازی می‌کردم. (دانیال سپارزاده، اول راهنمایی، مدرسه روشی‌شاد)

برنده مسابقه انشاء نماز از دبستان اتفاق

یائل پرمیان دانش‌آموز مقطع سوم دبستان اتفاق توانست در مسابقه انشای نماز که از طرف اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران برگزار شده بود با کسب ۸۰ امتیاز رتبه اول را در میان دانش‌آموزان منطقه کسب کند. موفقیت این دانش‌آموز کلیمی باعث افتخار جامعه دانش‌آموزی کلیمی است به امید موفقیت هر چه بیشتر یائل در عرصه‌های دیگر زندگی.



رحمن دلرحیم

عبری بیاموزیم بخش بیست و پنجم

דקדוק = دستور زبان

تعداد حروف ریشه افعال در زبان عبری ثابت و از این حیث به سه گروه دو حرف اصلی {קם} (بلند شد)، سه حرف اصلی {פחב} (نوشت) و چهار حرف اصلی تقسیم شده‌اند {צלצל} (زنگ زد) هر گاه در فعلی، در تمام حالات صرف (زمان‌های گذشته، آینده و حال و امر و نهی و منفی و مصدر) تمام حروف ریشه باقی بماند و حتماً ملفوظ هم باشد آن فعل را فعل سالم گویند مثال פחב (فعل نوشتن) که در تمام حالات صرف سه حرف اصلی آن باقی می‌ماند و تلفظ می‌شود که به آنها פעלים שלמים یعنی افعال کامل یا سالم می‌گویند. اما فعلی که در هر مورد از حالات صرف یک یا دو حرف از حروف ریشه آن حذف یا غیر ملفوظ شود آن فعل را فعل ناقص می‌گویند مثال הוא קונה (او می‌خرد) הם קונים (آنها می‌خرند) که حرف ה در فعل اول غیر ملفوظ و در فعل دوم حذف شده است یا אני נופל من می‌افتم אני אפל من خواهم افتاد که حرف ל در آینده حذف شده است. که به این افعال פעלים חסרים یعنی افعال ناقص می‌گویند.

הבנינים باب‌های افعال

افعال عبری دارای ۷ باب یا בנין هستند که اسامی آنها بشرح زیر است:
باب اول = בנין פעל (קל) : که ساده‌ترین باب‌ها می‌باشد و بر فاعلیت دلالت می‌کند و فاعل، کار را به سادگی انجام می‌دهد مثال הוא שומר او نگهداری می‌کند. (سوم شخص زمان گذشته این باب ریشه فعل مثل שומר نگاه داشت)

باب دوم = בנין נפעל : که شکل مجهول باب اول است مثال: הוא נשמר او نگهداری می‌شود.

باب سوم = בנין פעיל : مانند باب اول (פעל) ولی با شدت عمل زیاده‌تر است مثل אני שומר من می‌شکنم در

باب اول (פעل) می‌باشد که در باب سوم (פעل) می‌شود אני משמר من خرد می‌کنم.

باب چهارم = בנין פעל : شکل مجهول باب سوم (פעل) است که در آن کار بشدت انجام پذیرفته است. مثال

העצים שברו هیزم‌ها خرد شدند.

باب پنجم = בנין הפעיל : فاعل، کار را برای شخص دیگری انجام می‌دهد و به عبارت دیگر در این باب دو فاعل

وجود دارد مثال הוא מדליק את הנר او شمع را روشن می‌کند، که هم او و هم کبریت هر دو فاعل می‌باشند ولی

فاعل دوم به قدری مشخص است که لازم به ذکر آن نیست.

باب ششم = בנין הפעיל : شکل مجهول باب پنجم (הפעיל) است که کاری به وسیله دو فاعل انجام پذیرفته است

مثال הנר הדלק = شمع (بوسیله کسی) روشن شد.

باب هفتم = בנין התפעל : در این باب فاعل و مفعول در یک شخص یا شیئی می‌باشد مثال הוא התפלל او (در

حق خود) نماز خواند. הוא התאבד او خودکشی کرد.

גטיות זמן עתיד **صرف زمان آينده**

פרוש = معنى	אני =	אתה =	את = تو	הוא =	היא = לו	אנחנו =	אתם =	הם =	אתן -
من	تو	تو	(مؤنث)	او	(مؤنث)	ما	شما	شما	הן شما- (مؤنث)
خواهم آمد...	آبוא	تَبוא	תבואי	יבוא	תבוא	נבוא	תבואו	יבואו	תבאנה
خواهم نشست...	אשב	תשב	תשבי	ישב	תשב	נשב	תשבו	ישבו	תשכנה
خواهم دانست...	אדע	תדע	תדעי	ידע	תדע	נדע	תדעו	ידעו	תדענה
خواهم خواند...	אקרא	תקרא	תקראי	יקרא	תקרא	נקרא	תקראו	יקראו	תקראנה
خواهم خواست...	ארצה	תרצה	תרצי	ירצה	תרצה	נרצה	תרצו	ירצו	תרצנה
خواهم نوشت...	אכתב	תכתב	תכתבי	יכתב	תכתב	נכתב	תכתבו	יכתבו	תכתבנה
باز خواهم کرد...	אפתח	תפתח	תפתחי	יפתח	תפתח	נפתח	תפתחו	יפתחו	תפתחנה

خو اهدگذاشت خو اهدی گذاشت خو اهدگذاشت خو اهدی گذاشت خو اهدگذاشت خو اهدی گذاشت

בְּמָה מְשַׁפְּטִים בְּתַחֲוֹם זְמַן עֲתִיד **چند جمله در زمینه زمان آینده**

ו- בַּשָּׁבוּעַ הַבֶּא מֵרִישֵׁי אֵשׁ הַהִנְהָלָת וְעַד יְהוּדֵי פָרָס יִלְךְ אֶצֶל כְּבוֹד נָשִׂיא הַמְדִּינָה מֵרִישֵׁי אֵשׁ הַהִנְהָלָת עַד יְהוּדֵי פָרָס.

هفته آینده آقای یسعیانی، رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان ایران، نزد رئیس جمهور محترم جناب آقای خاتمی خواهد رفت و درباره مسائل یهودیان ایران صحبت خواهد کرد.

- ۲- במאמר ראשי הפא "בינה" אדון עורך ראשי יכתב מאמר על דבר הסרטים ששדרו מטלויזיה נגד היהודים.
- در سرمقاله آینده بینا آقای سردبیر درباره فیلم‌های ضد یهودی که از تلویزیون پخش شده است مقاله‌ای خواهد نوشت.
- ۳- "אני מאמין באמונה שלמה שיבא מלך המשיח".
«من ایمان کامل دارم که ماشیح (ناجی جهان) خواهد آمد».
- ۴- במכתבי הפא אכתב לך על הירחון בינה ומטרותיו.
در نامه آینده‌ام برایت درباره ماهنامه بینا و هدفهای آن خواهم نوشت.
- ۵- הירחון בינה יביא לקוראיו מאמרים שונים על ענייני מדעי , חנוך , מוסר ,
וחברה.
- ماهنامه بینا مقالات گوناگون درباره مسائل علمی، تربیتی و فرهنگی و اخلاق و اجتماع تقدیم خوانندگان خواهد کرد.
- ۶- קשה לי לדבר עברית אשתדל ללמוד היטב עברית.
برایم مشکل است که عبری صحبت کنم سعی خواهم کرد عبری را بهتر یاد بگیرم.
- ۷- שרה ורחל מחר תבאנה אצלנו והן תדברנה על חתונת חנה ויהודה.
سارا و راحل فردا نزد ما خواهند آمد و آنها درباره جشن عروسی حنا و יהودا صحبت خواهند کرد.
- ۸- בשנה הבאה כבר אני לא אלמד כי זקנתי.
در سال آینده دیگر من تدریس نخواهم کرد چونکه پیر شده‌ام.
- ۹- "יבנה המקדש ובנינה שם נעלה ושם נשיר שיר חדש".
«معبد مقدس آباد شود و با ترنم به آنجا به زیارت خواهیم رفت و در آنجا سرود تازه خواهیم خواند».

מילים חדשות لغات جدید

נשיא המדינה	נסי همدینا	رئيس جمهور	נגד	נגד	عليه - ضد	מוסר	موسار	اخلاق
عורך ראשי	عورخ راشی	سردبیر	كבוד	كوود	مقام محترم	היטב	هطو	بخوبی - كاملا
מאמר ראשי	مئمار راشی	سرمقاله	מדעי	مداعی	علمی	חברה	حوّرا	انجمن - اجتماع
מאמין	مئمین	ایمان دارم	חנוך	حینوخ	تربیت	אמונה	امونا	ایمان - اعتقاد
מקדש	میعداش	معبد مقدس	רננה	رنانا	ترنم - سرود	נשיר	ناشیر	سرودخواهیمخواند

توضیح:

در شماره قبل، ترجمه لغات زیر جابه جا چاپ شده که با عرض پوزش بدین شکل تصحیح می‌گردد.

סָךְ : سَخاخ : پوشش - سقف موقتی

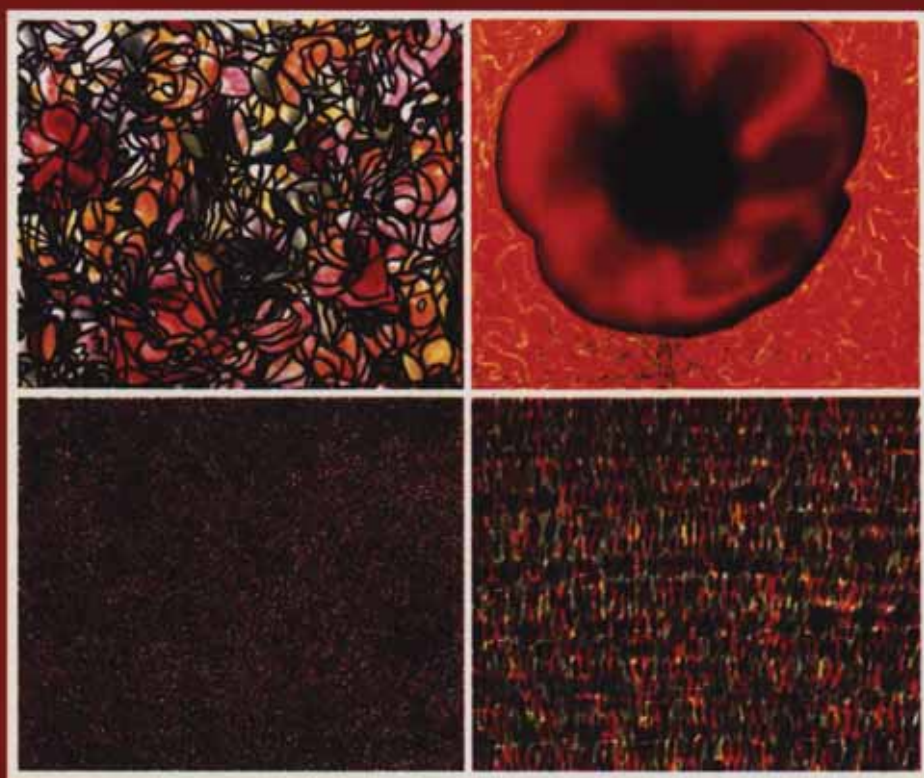
קִישוּט : قِشوط : تزیین - آرایش

مزامير مضررت داوود
کاشی کاری
کنیسه‌ی یوسف آباد تهران



OFEGH BINA

Cultural, Social and News magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
Vol. 6, No. 25, Apr 2005



بهار از نگاه نقاش یهودی
فریده صبی

Farideh Golbahar(Sabi)
From The Series: About Landscape,2000